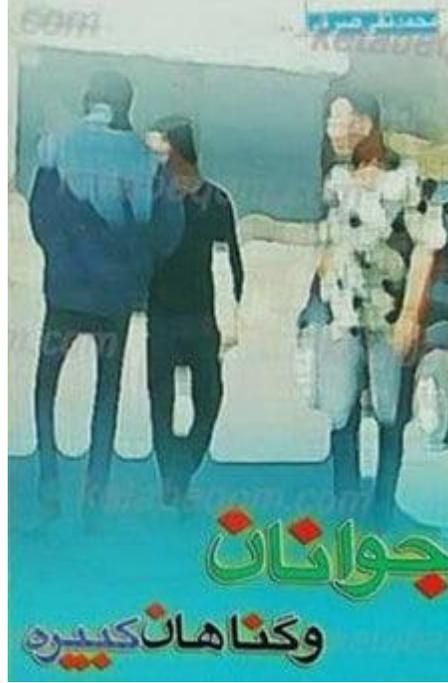


گناہان کبیرہ

جوانان وگناہان کبیرہ



محمد تقی صرفی پور



گناه کبیره چیست؟

بعد از اسلام به اعمالی که مورد نهی خدا و پیامبر قرار گرفته، گناه اطلاق شد. و گناهان خود به دسته‌هایی تقسیم شدند. از جمله این تقسیمات گناه کبیره و صغیره است. خلاصه نظریات اکثر علما آنست که گناه کبیره محدود به تعدادی گناه نیست بلکه هر گناهی که وعده عذاب بر انجام آن داده شده کبیره است مانند شرابخواری، دروغ، غیبت، زنا، لواط، قتل نفس، دزدی و...

در مقابل گناه کبیره، گناه صغیره است یعنی گناهانی که وعده عذاب بر آن داده نشده است مانند اینکه انسان با حال جنابت و عمدتاً داخل مسجد شود. یا گوشت خرگوش بخورد. یا در وضو سه بار دست و صورتش را بشوید یا انگشتر طلا بدست کند یا ریشش را بزند و...

گناهان کبیره از زبان مبارک امام صادق (ع)

عمرو بن عبید خدمت امام صادق رفت و آیه 32 سوره نجم را خواند: «الذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش الا للّٰم ان ربک واسع المغفرة». یعنی مؤمنین آنان هستند که از گناه کبیره و فاحشه‌گری از گناه صغیره دوری می‌کنند که آمرزش خدا وسیع است. سپس عمرو تا کلمه فواحش را خواند، ساکت شد. حضرت فرمود چرا ساکت شدی؟ عرض کرد دوست دارم گناهان کبیره را از قرآن بشناسم. امام فرمود: بلی ای عمرو! بزرگترین گناهان:

1- شرک به خدا که فرمود: «و من یشرک بالله فقد حرّم الله علیه الجنّة و مأویة النار» مائده 72 و فرمود «ان الله لا یغفر ان یشرک به» نساء 48

2- یأس و ناامیدی از رحمت خداوند که فرمود: «لا یأس من روح اللّٰه الا القوم الکافرون» یوسف 87

3- ایمن بودن از مکر الهی که فرمود: «فلا یأمن مکر الله الا القوم الخاسرون» اعراف 99

4- عاق والدین زیرا عاق را ستمکار و بدبخت خوانده است «جباراً شقیّاً» مریم 32

- 5- کشتن نفس مؤمن که فرمود: «مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا» نساء 93
- 6- نسبت دان زنا به زن پاکدامن که فرمود: «لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» نور 23
- 7- خوردن مال یتیم که فرمود: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا» نساء 10
- 8- فرار از جهاد که فرمود: «وَمَنْ يَوْمَئِذٍ دُبِّرَهُ الْأَمْتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مَتَحِيزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» انفال 16
- 9- خوردن مال ربا که فرمود: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» بقره 275
- 10- سحر و جادو که فرمود: «وَلَقَدْ عَلِمُوا لِمَنْ اشْتَرَىٰ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ» بقره 102
- 11- زنا و فاحشه کردن که فرمود: «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ إِثْمًا يِضَاعِفْ لَهُ الْعَذَابُ وَيُخْلَدُ فِيهِ مَهَانًا» فرقان 68
- 12- سوگند دروغ که فرمود: «الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بَعْدَ اللَّهِ وَايْمَانَهُمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ» 77
- 13- کینه مؤمن در دل گرفتن: «وَمَنْ يَعْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» آل عمران 161
- 14- زکات ندان که فرمود: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» توبه 34
- 15- شهادت دروغ که فرمود: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ» فرقان 72
- 16- مخفی کردن شهادت که فرمود: «وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَأِنَّهُ أَلِيمٌ قَلْبُهُ» بقره 283
- 17- شرابخواری: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهَا إِثْمٌ كَبِيرٌ» بقره 219
- 18- قماربازی که فرمود: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهَا إِثْمٌ كَبِيرٌ» بقره 219
- 19- ترک عمدی نماز که رسول خدا (ص) فرمود: کسی که عمدا نماز نخواند از ذمه خدا و ذمه رسول خدا دور شده است.
- 20- شکستن پیمان

21- قطع رحم که فرمود: «لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» رعد 25

چون سخن امام به اینجا رسید، عمرو در حالی که گریه می کرد بلند شد و گفت هلاک می شود کسی که به رأی خود بگوید و با شما در فضائل و علوم مشاجره و منازعه کند، و بیرون رفت. «تفسیر اثنی عشری ج 12 ص 343»

ای کاش عمرو می نشست تا امام صادق (ع) همه گناهان کبیره را برای او می گفت و به دست ما می رسید.

شرابخواری

شراب مایعی است مست کننده که نه تنها در دین اسلام بلکه در همه ادیان و بلکه از دید همه اطباء مضر و ضرر آور تشخیص داده شده است.

بزرگترین ضرر شراب مختل کردن عقل آدمی است. عقلی که شرافت انسان و برتری او بر سایر موجودات وابسته به آن است.

یکی از دانشمندان گفته است که حتی مصرف کم الکل می تواند ضایعات مغزی بسیاری را سبب شود. و وقتی انسان از نوشیدن مقدار کمی الکل، احساس لذت و شادمانی می کند نمی داند که به نابودی سلولهای مغزی خود کمک کرده است.

آثار زیانبار شراب در جوامع مختلف قابل انکار نیست. به بعضی از این آثار اشاره می شود:

شراب را می توان ریشه بسیاری از مفاسد غرب دانست که بحمد الله در کشور ما بخاطر رعایت مسائل مذهبی، شرابخواری در حد بسیار ضعیف و اندکی است.

اما در تاریخ می توان به مواردی اشاره کرد که شرابخواری باعث نابودی و جنایات و قتل شده است. وقتی هارون، خلیفه عباسی، خواهرش عباسه را به عقد جعفر برمکی وزیر مقتدر خود در آورد او را از هر گونه تماس جنسی منع نمود و جعفر هم اطاعت کرد ولی عباسه نتوانست بر هوس خود غلبه کند و ترتیبی داد تا جعفر با نوشیدن شراب مست شود. آنگاه با او عمل جنسی انجام داد. وقتی بعد از مدت ها خبر به هارون رسید، دستور کشتن جعفر برمکی و کندن ریشه برامکه در دستگاه خلافت خود را صادر نمود. و به این ترتیب ریشه برمکی ها از قدرت و خلافت کنده شد.

و یا وقتی مغولها به ایران حمله کردند، پادشاه ایران جلال الدین خوارزمشاه بدلیل مستی نتوانست تصمیم درستی برای دفاع از کشور

بگیرد لذا کشور ایران به اشغال مغولها درآمد و تمدن اسلامی دچار آفت مخربی گردید.

در زمان امیر کبیر که می‌رفت کشور ما از تاریکی و گمراهی بدرآید و از عقب ماندگی نجات یابد، بدخواهان حکم قتل امیر کبیر را از ناصرالدین شاه در حال مستی گرفتند و اجرا نمودند. و باعث شدند که امید نجات ایران بر باد رود.

در تاریخ ذکر شده که افرادی بوده اند که بر اثر مستی با محارم خود مثل خواهر خود زنا کرده‌اند.

ابلیس شبی رفت به بالین جوانی آراسته با شکل مهیبی سر و بر را

گفتا که منم مرگ و اگر خواهی زنهار باید بگزینی تویکی زین سه خطر را

یا آن پدر پیر خودت را بکشی زاریا بشکنی از خواهر خود، سینه و سر را

لرزید از این بیم جوان بر خود و جادشت کز مرگ فتد لرزه به تن ضیغم نر را

یا خود زمی ناب کشی یک دو سه ساغر تا آنکه پوشم زهلاک تونظر را

گفتا پدر و خواهر من هر دو عزیزند هر گز نکنم ترک ادب این دونفر را

لکن چوبه می دفع شر از خویش توان کردمی نوشم و باوی بکنم چاره شر را

جامی دو بنوشید و چوشد خیره ز مستی هم خواهر خود را زد و هم کشت پدر را

ای کاش شود خشک بن تاک و خداوند زین مایه شر حفظ کند نوع بشر را «ایرج میرزا»

دانشمندان تنها آثار زیانبار شرابخواری را گریبانگیر شرابخوار نمی‌دانند بلکه به نسلهای بعدی هم این آثار سرایت می‌کند.

دیبرکل سازمان بین المللی مبارزه با الکل گفت که هشتاد درصد دیوانگان و چهل درصد بیماران آمیزشی در نتیجه اعتیاد به الکل بوده‌است. و دکتوری در آلمان گفته است که درب میکده هارا ببندید تا من درب نیمی از بیمارستانها و دیوانه خانه هارا ببندم.

می‌چنانست کند به نادانی که بز ماده را پری خوانی

مست نادم شود به هشیاری تو زمستان طمع چه می‌داری؟

جایگاه شرابخوار در روایت:

1- اعمال خوب شرابخوار تا چهل شبانه روز قبول نمی شود.

2- شرابخوار عروس شیطان است.

3- شرابخوار و کسیکه سر سفره ای که در آن شراب است نشسته باشد، ملعون است.

4- شفاعت پیامبر (ص) به شرابخوار نمی رسد.

5- شرابخوار در حال مستی از هیچ عملی ابا نمی کند و خدا او را نمی شناسد. هتک حرمت می کند. قطع رحم می نماید. اگر شیطان به او دستور دهد که در برابر بُت سجده کند، او سجده می نماید.

6- با شرابخوار مجالست نکنید که اگر بر آنها لعنتی نازل شود شمارانگیزد.

7- به شرابخوار دختر ندهید. با او مجالست نکنید. تأییدش ننمائید. امانت به او ندهید. به عیادتش نروید. در تشییع جنازه اش حاضر نشوید.

8- شرابخواری، پرده عصمت را پاره می کند.

9- شرابخواران سگان جهنمند.

10- شرابخوار با چهره سیاه محشور می شود.

11- خداوند درمان هیچ دردی را در چیزهای حرام قرار نداده است (بعضی از شراب برای درمان استفاده می کنند).

12- پیامبر اسلام (ص) در رابطه با نوشیدن شراب، ده دسته را لعن فرمود: کسیکه درخت آن را می نشاند، آنکه درخت را آبیاری می کند، کسیکه آب آنرا می گیرد و شراب می سازد، کسیکه شراب رامی نوشد، ساقی شراب، آورنده شراب، کسیکه شراب بسویش آورده می شود، خریدار شراب، مصرف کننده پول شراب و کسانی که در خوردن و فشردن انگور شراب و فروختن و خریدن و حمل آن دست دارند و کسیکه از پول فروش آن استفاده می کند، همه در گناه شریکند و هر کسیکه شراب به نصرانی یا یهودی و صائبی و یا دیگری بنوشاند، همین گناه را دارد!

13- کسیکه شراب بخورد، خداوند از سَمّ مارهای سیاه و عقربها، مایعی به او بخوراند که قبل از نوشیدن، گوشت صورتش در ظرف بریزد و بعد از نوشیدن، گوشت و پوستش مثل مردار بگنجد، بطوریکه اهل محشر از بوی آن اذیت می شوند سپس به جهنم برده می شود!

«وقتی متوکل دستور داد امام هادی (ع) را به مجلس شراب او بیاورند و به امام ابتدا اصرار بر خوردن شراب نمود و چون امتناع امام را دید تکلیف بر شعر گفتن نمود، امام اشعاری را خواندند که وضع مجلس را عوض کرد و اشک به چشمان نحس متوکل آمد و دستور داد امام را با احترام برگردانند. آیات امام بشرح زیر است:

باتوا على قتل الاجبال تحرسهم غلب الرجال فلم تنفعهم القلل
 واستنزلوا بعد عز من معاقلمهم واسكنوا حُفراً يا بئس ما نُزلوا
 ناداهم صارخٌ من بعد دفنهم اين الاساور والتيجان والحلل
 اين الوجوه اللتي كانت منعمه من دونها تضرب الاستار والكُلل
 فافصح القبر عنهم حين سائلهم تلك الوجوه عليها الدود تنتقل
 قد طال ما اكلوا دهداً و قد شربوا و اصبحو اليوم من بعد الاكل قد اكلوا

«ستمگران در قله های برفراز کوه با نگهبانانی نیرومند بسر می بردند. ولی با آمدن مرک این کوه ها سودی برای آنان نداشت.

بعد از عزتی که داشتند باغ مردنشان، به سوراخهایی افتادند چه بد فرد آمدنی بود؟

وقتی آنها را داخل قبر گذاشتند، صدائی آمد که: کجاست آن تخت ها و تاج ها و لباسها؟

کجا هستند آن صورتهایی که غرق در نعمت بودند. و همیشه زیر پرده ها و پشه بندها قرار داشتند؟

ناگاه قبر با زبان فصیح از طرف این مرده ها جواب داد: کرمها بر این صورتهای می غلظند!

یک عمر طولانی خوردند و آشامیدند. حالا خودشان توسط کرمها خورده می شوند.»

گوش دادن به غنا و صداهای حرام

گوش دادن یکی از راه های تغذیه روح است. غذای روح اگر سالم باشد خود روح هم سالم می ماند⁰ و اگر مسموم باشد، روح را هم مسموم مس نماید. طبق نظر اسلام و دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان غنا و موسیقی های مطرب برای روح آدمی مضر می باشند. و اولین کسیکه غنارا استفاده نمود، ابلیس بوده است. اگر چه عده ای می خواهند در دفاع از موسیقی منافی برای آن پیدا کنند ولی با بررسی زندگی انسانهای برگزیده، متوجه می شویم که از موسیقی در زندگی آنها اثری نیست و هرگز عمر گرانبهای خود را صرف شنیدن اصواتی که گاهی انسان را از خود و خدایش غافل می کند و به افکار شهوانی می کشاند، نمی نمایند. کدام شخصیت بزرگ انسانی را سراغ دارید که در عمر خود از موسیقی استفاده کرده باشد؟ در حالیکه اگر در موسیقی منافع و فوایدی بود و ضررهائی نداشت، آنها هم از آن بهره می بردند.

لهو و لذت دو مار ضحاکند هر دو خونخوار و بی گناه آزار

عقل و دین لشکر فرید و نند که بر آرند از دوما، دمار «خاقانی»

موسیقی حرام از زبان بزرگان

- 1- «پیامبر اسلام (ص): غنا پله کان زنا است.»
- 2- «امام صادق (ع): خبیث ترین مخلوق خدا، غنا است. و بدترین مخلوق خدا غنا است که باعث فقر و نفاق می شود.»
- 3- «امام صادق (ع): خانه ای که در آن غنا باشد، از فاجعه ایمن نمی باشد و دعا در این خانه مستجاب نمی شود و ملائکه به این خانه وارد نمی گردند.»
- 4- «پیامبر (ص): کسیکه لهو را گوش دهد، خدا در گوشش تخم باطل می کارد»
- 5- «پیامبر (ص): روز قیامت، مغنی بصورت کور و کر و لال از قبر محشور می شود»
- 6- «پیامبر (ص): من شمارا نهی می کنم از زقن (رقص) و مزمار (نی) و کویات (ساز و آواز) و کبرات (طللهای کوچک و بزرگ)»

7- «شخصی به امام صادق (ع) گفت: همسایه‌ای دارم که اهل غناست. وقتی من برای قضاء حاجت به دستشوئی می‌روم، برای شنیدن از صداهای غنای همسایه، بیشتر می‌مانم! آیا این اشکال دارد؟»

امام فرمود: نباید بیشتر بمانی که خدا فرموده است: همانا گوش و چشم و دل مورد سؤال واقع می‌شوند. «اسراء 36»

او گفت: گویا تاکنون این آیه را نشنیده بودم و انشاءالله توبه می‌کنم!

امام فرمود: حال بلند شو و نماز بخوان که گناهت بزرگ است و اگر در چنین حالی اجلت رسیده بود، خیلی برایت بد بود»

8- «امام باقر (ع): غنا از آن کارهایی است که خداوند به انجام دهنده آن وعده آتش داده است»

9- «امام خمینی: از جمله چیزهایی که مغز جوانها را تخدیر می‌کند، موسیقی است... انسان را از جدیت بیرون می‌برد. یک جوانی که عادت کرده روزی چند

ساعت را با موسیقی سروکار داشته باشد، از مسائل جدی به کلی غافل می‌شود.» صحیفه نور ج 8 ص 197 تا 201 - ج 9 ص 155

پرهیز کن از لهو از آنکه هرگز سرمایه نکرده است هیچ لاهی «ناصر خسرو»

ضررهای موسیقی حرام و غنا

«از کتاب پرسشها و پاسخهای روز ص 130»

1- ضعف اعصاب و اختلال حواس و بی ارادگی

«دکتر ولف آدلر، پروفیسور دانشگاه کلمبیا می‌گوید: بهترین و دلکش‌ترین نو‌اهای موسیقی، شوم‌ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان باقی می‌گذارد.»

«دکتر آاکسیس: اصولاً شنیدن موسیقی و کنسرت، در اعصاب اثر تخدیری ایجاد می‌کند. این اثر گاهی آنچنان شدید است که شنونده را مانند افراد بهت زده می‌سازد و لذت فوق

العاده‌ای که افراد از آن می‌برند از همین اثر تخدیری است و روشن است که اینگونه تخدیرها زیانهای فراوانی دارد و اگر شدت یابد گاهی ممکن است عقل و اندیشه را اسیر جذب

آهنگهای تند موسیقی کند و دیگر نتواند خوب و بد را از هم تشخیص دهد و بی پروا دست به حرکات و اعمال ناشایست بزند و در آن حال نتواند به عواقب وخیم آن بیاندیشد.»

گاهی موسیقی باعث جنایت می‌شود.

«یک مجله در سوئیس، مقاله‌ای تحت عنوان «جنون موسیقی» نوشته بود که در آن موسیقی را از جهات مختلف محکوم و مورد انتقاد قرار داده بود.

علت نوشتن این مقاله این بود که که جمعیتی در حدود صد و پنجاه هزار نفر در یکی از میدانهای پاریس برای شنیدن موسیقی گرد هم آمده بودند و پس از اجرای یک کنسرت، چنان به هیجان آمدند که ویتترین هاراشکستند و مغازه هارا ویران نمودند و عده‌ای هم زخمی شدند.»

«همچنین در خبرها آمده بود که در ایالت «لتیل راک» جوانی که به یاد گرفتن پیانو اشتغال داشت، چنان تحت تأثیر نغمات موسیقی قرار گرفت که ناگاه از جا برخاسته و با ضربات متعدد کارد، معلم خود را از پای درآورد.»

«موسیقی حتی در نوازندگان آن تأثیرات خطرناکی داشته است. چنانکه عده‌ای از آنان گرفتار امراض روحی شده و یا دچار امراض جسمی و حتی سگته شده‌اند. از جمله:

بتهون در سی سالگی به کلی کر شد و سرانجام دیوانه گردید!

باخ موسیقی دان اطریشی به اختلال حواس و کوری مبتلا شد.

موزارت و شوپن، دو تن از موسیقیدانان نامی دچار ضعف قوا شدند.

شوبرت و واکتر و مندلس و دو کونیزی به اختلالات عصبی و پریشانی فکری و کشمکشهای روحی مبتلا شدند. شومان و دووراک دچار ضعف اعصاب دیوانگی شدند.»

2- ضررهای اقتصادی:

هزینه‌های سنگینی که امروزه خرج موسیقی و مجالس شهوترانی می‌شود، ضربات سختی را به اقتصاد کشورها از جمله کشور مامی زند. و بر اثر استقبال و توجهی که به هنرپیشگان و موسیقی دانان می‌شود، عده‌ای از جوانان با استعداد بجای رفتن بدنبال علم و دانش، به موسیقی روی می‌آورند که اخیراً چند نفر از پزشکان ایرانی کار خود را کرده و بدنبال موسیقی افتاده‌اند.

3- ضررهای اخلاقی:

موسیقی در محافل مختلف مخصوصاً اگر خواننده زن باشد، مهیج شهوت و هوس بوده و احیاناً افضاحات شرم آوری بیار می‌آورد.

هنگامیکه انسان تحت نفوذ زیر وبم موسیقی قرار گرفت، یکنوع سستی اعصاب بر او مسلط شده بطوریکه از مفاهیم انسانی جز شهوترانی، عشقبازی، جمال پرستی چیزی دیگر در برابر دیدگانش مجسم نمی‌شود. و در نتیجه مفاهیم مقدسی چون رحم و مروت حیا و عفت و امانت و برادری مجد و عظمت و کوشش و فعالیت و مبارزه و استقامت در راه هدف و... همه بفراموشی سپرده می‌شوند.

4- دوری از خدا.

مصادیق موسیقی حرام

1- آلات موسیقی مطرب باشد یعنی انسان را از حال عادی ولو کمی خارج نماید. و یا موسیقی مخصوص مجالس لهو و لعب باشد.

2- تکخوانی زن و نوع شعر مستهجن باشد.

3- تکخوانی زن و شعر دارای مضامین سالم باشد ولی بصورت ترجیع و گرداندن صدا در گلو باشد که این مورد در مجالس عروسی در قسمت زنان اشکال ندارد.

4- خواننده مرد و اشعار مستهجن بخواند

5- خواننده مرد و اشعار خوب باشد ولی صدارا در گلو بچرخاند.

زشتی های زبان

انسان با زبانش می تواند بهترین سخنها را بگوید و با زبانش ایجاد محبت و صمیمیت کند. افرادی را هدایت نماید. علم بیاموزد. نصیحت کند. با خدا راز و نیاز نماید و دهها کار مفید انجام دهد.

و می تواند با زبانش به کارهای زشت سفارش کند. ایجاد دشمنی نماید. اسرار دیگران را فاش کند. به دیگران ناسزا و دشنام بگوید و دهها گناه انجام دهد.

یکی از گناهان زبان، فحش و ناسزا است. عده ای از انسانها به عادت زشت ناسزاگویی عادت کرده اند. گاهی عادت دارند که به همسر و فرزندانشان ناسزا بگویند. گاهی عادت دارند به زیر دستان خود اهانت کنند. و گاهی پارا فراتر گذاشته و به مقدسات و ارزشهای مردم ناسزا و اهانت می کنند.

عوامل ناسزا گوئی

- 1- عادت
- 2- عصبانیت
- 3- شوخی
- 4- مقابله به مثل
- 5- مسائل سیاسی و حزبی
- 6- مسائل اقتصادی
- 7- تربیت نادرست

درمان ناسزا گوئی

- 1- سکوت
«رسول خدا(ص): هرگاه دیدید که مؤمن خاموش و باوقار است، به او نزدیک شوید که او به حکمت دست پیدا کرده است»
- 2- تربیت صحیح از دوران کودکی
«پیامبر(ص): فرزندان خود را احترام کنید و ادب خوب به آنها بیاموزید.»
- 3- رعایت ادب نسبت به دیگران
«علی(ع): دیگران را نیکو صدا بزنید تا شما هم جواب خوب بشنوید.»

زانکس که نام خلق بگفتار زشت کشت دوری گزین که از همه بدنامتر است

دشنام در آئینهٔ احادیث «پیامبر (ص): کسیکه به پدر و مادرش دشنام دهد، ملعون است! پرسیدند که مگر کسی به پدر و مادرش دشنام می دهد؟ فرمود: شخصی به

پدر دیگران فحش می دهد، آنها هم به پدر و مادر او فحش می دهند.»

«علی (ع): از کلام زشت و ناروا دوری کنید که باعث می شود که پستان و رذلان بشما نزدیک شده و افراد بزرگوار از شما بگریزند.»

«پیامبر (ص): فحش دادن به مؤمن مثل نزدیک شدن به مرگ است»

«امام صادق (ع) شنید که مسلمانی به غلامش فحش داد. به این خاطر امام با او قطع رابطه کردند.»

«امام صادق (ع): فحش دادن ظلم است و ظالم در آتش جهنم است»

انواع فحش 1- ناسزا به ناموس

2- خطاب کردن به اسم حیوان

3- بوسیله کاریکاتور و نقاشی اهانت کردن

4- با اشاره توهین کردن

و...

هر بده خود نمی پسندی باکس مکن ای برادر من

گر مادر خویش دوست داری دشنام مده به مادر من

مسخره کردن دیگران

از گناهان دیگر زبان، مسخره و استهزاء دیگران است. مسخره کردن از این جهت ناپسند است که باعث توهین به دیگران می شود.

ریشه های مسخرگی

1- دشمنی و کینه

2- تکبر

3- تحقیر کردن

4- شوخی و مزاح

5- سفاهت و نادانی

«علی (ع): مسخرگی، تفریح سفیهان و کار نادانان است»

6- حقارت نفس و خود کم بینی

«امام صادق (ع): ذلیل ترین مردم شخصی است که به مردم توهین می نماید»

گاهی مسخره کردن در مورد مسائل اعتقادی است. همانطور که عده ای از اقوام گذشته، پیامبران خدا را مسخره می کردند.

«شما آنان (مومنین) را مسخره کردید و یاد مرا فراموش نمودید. شما کسانی بودید که به آنان (مؤمنین) می خندیدید. در قیامت من بخاطر صبر مؤمنین به آنان پاداش

می دهم و ایشان را رستگار می کنم.»

گاهی مسخره کردن در مورد مسائل مالی است. مانند مسخره کردن بعضی از مردان و زنان پولدار، فقیران و بی بضاعتان را.

«پیامبر (ص): کسیکه مؤمنی را ذلیل کند و یا بخاطر فقرش او را تحقیر نماید، خداوند او را در کنار پل جهنم رسوا می سازد.»

گاهی استهزاء در مورد مسائل سیاسی است.

انواع مسخره گوی 1- موارد اخلاقی

«مثلا می گوید فلان شخص بخیل است!»

2- موارد اعتقادی

«مجرمین کسانی هستند که در دنیا مؤمنین را مسخره می کردند و به آنان می خندیدند و هرگاه به مؤمنین بر می خوردند با گوشه چشم به آنان طعنه می زدند... (روز قیامت) مؤمنین، کفار را مسخره می کنند.» مطففین 29

3- در مورد قیافه و اندام افراد

«مثلا می گوید فلانی کوتاه قد است!»

چه برخوردی با مسخره کنندگان بکنیم؟ 1- بی اعتنائی

«نقل شده که روزی مالک اشتر، سردار سپاه علی (ع) از بازار عبور می کرد. شخصی از بازاریان که او را نمی شناخت، برای مسخره کردن او، پوست خربزه ای به طرف مالک پرتاب کرد. اما مالک اعتنائی به او ننمود و براه خود ادامه داد. بازاریان به آن مرد خبر دادند که این فردیکه تو او را مسخره کردی، مالک اشتر سردار نظامی لشکر اسلام است. آن مرد هراسان شد و برای عذرخواهی بدنبال مالک رفت. او مالک را در مسجد یافت و عذرخواهی کرد. مالک گفت: من قصد نداشتم به مسجد بیایم. ولی وقتی این حرکت را از تو دیدم، به مسجد آمده و نماز خواندم و برایت دعا کردم تا خدا تو را بیامرزد.»

2- برخورد قاطعانه و نهی از منکر

«گاهی لازم است که جلو مسخره کننده بایستد و او را نهی کند و مانع شود تا بعداً دیگری را مسخره نماید.»

رسول خدا (ص): روز قیامت، شخصی را که در دنیا مؤمنین را مسخره می کرده است، می آورند و برای او دری از بهشت را می گشایند

و می گویند: داخل شو! او هم که خیلی ناراحت بوده است، بطرف در بهشت حرکت می کند، ناگهان در بهشت را می بندند و از طرف دیگری دری می گشایند! و به او گفته می شود: داخل شو! چون نزدیک آن در شود، آن را هم می بندند!

اگر ممالک روی زمین به دست آری وز آسمان بر بایی کلاه جباری

و گر خزائن قارون و ملک جم داری نیرزد آنکه وجودی ز خود بیازاری

عیبجوئی

بعضی از انسانها عادت به تجسس در عیبهای مردم و بازگو کردن این عیبهای برای دیگران دارند. در حالیکه اگر نسبت به عیبهای خود تأمل کنند، متوجه می‌شوند که خود دارای عیوب متعدد بوده و باید خود را مداوا کنند. «پیامبر (ص): بدنبال لغزشهای مؤمنین نباشید که هر که بدنبال این مطلب باشد، خداوند عیبهای او را آشکار کند»

مرد باید که عیب خود بیندبر ره زور و غیبه ننشیند
تو اگر عیب خود همی دانی نه ای عامی بل جهانبانی «سنائی»

«از صفات خداوند ستار العیوب بودن است و ما که بنده ایم باید از خالق بیاموزیم و عیب دیگران را ظاهر نکنیم.»

«امام پنجم (ع): برای انسان همین عیب بس که به عیوب مردم دقیقاً آشنا باشد ولی همان عیوب را که در خود اوست، نبیند.»

عیبجوئی مکن ز خلق خدا که بود کار مردم جاهل
عیب خود بین چو مرد روشن بین تا شود تیرگی ز دل زائل
ای که غفلت فرا گرفته تو را گوش کن پندناصح کامل
گفت احمد خوشا بحال کسی که چو مردان پاک و روشندل
هست دائم به عیب خود مشغول لیکن از عیب دیگران غافل
«علی (ع): از عیبجویان دوری کنید که دوستانشان هم از آنها در امان نیستند.»

انسانهای کریم و بزرگوار اگر از عیوب دیگران هم مطلع شوند، آنرا نادیده گیرند و وظیفه خود دانند که عیبهای دیگران را بپوشند و آبروی دیگران را حفظ کنند. خداوند در قرآن در سوره حجرات دستور داده که: «ولا تجسسوا. یعنی در جستجوی عیب دیگران نباشید.»

چو عیب تن خویش داند کسی ز عیب کسان برنگوید بسی «فردوسی»

«امام صادق (ع): در عیب رفیقت تعجیل نکن شاید خدا او را بیامرزد و بر عیبهای خود ایمن نباش شاید بخاطر آن عذاب شوی!»

مکن عیب کسان تا می توانی که توای دوست عیب خودندانی

مده بر عیب کس نادیده اقرار و گر بینی پوشان بهترای یار

که توهم عیب داری عینا کی خدا را شد سزای عیب پاکی

مکن مدح خود و عیب دگر کس و گر گوید کسی گوزین سخن بس! «پیامبر (ص): بعضی از شما خار را در چشم دیگران می بیند ولی استخوان را در چشم خودش نمی بیند!»

«علی (ع): کسیکه از عیب خود مطلع نباشد، از بزرگترین گناهان است.»

«پیامبر (ص): هر که عیب برادرش را بپوشاند، گویا دختر زنده بگوری رازنده کرده است!»

«پیامبر (ص): هر که عیب برادرش را ببیند ولی آنرا بپوشاند، خدا در قیامت عییش را بپوشاند»

«پیامبر (ص): بدنبال عیوب مؤمنین نباشید که هر که اینگونه باشد، خدا بدنبال عییش باشد و هر که خدا بدنبال عییش باشد، رسوا می شود اگر چه در دل خانه اش باشد!»

افشاء اسرار

از خصوصیات خوب، بازگونکردن اسرار دیگران است. در سخنان بزرگان دین، از اسرار مؤمن به عورت تعبیر شده است. یعنی همانطور که حفظ عورت از نگاه دیگران واجب و لازم است، حفظ اسرار مؤمن نیز لازم می باشد.

انواع اسرار

1- اسرار خانوادگی

2- اسرار نظامی

3- اسرار اقتصادی

4- اسرار علمی

5- اسرار سیاسی

6- اسرار مذهبی و دینی

7- اسرار فرهنگی

که رازها و اسرار نظامی و سیاسی از بقیه مهم تر بوده و گاهی افشاء آنان باعث از بین رفتن جان صدها نفر و شکست حکومتی خواهد شد. که در این موارد جرم افشاء کننده بسیار بزرگ است.

«در یکی از جنگهای صدر اسلام، وقتی که سپاه اسلام برای یورش به مشرکین مکه آماده می شد و رسول خدا دستور داده بود تا خبر این حمله محرمانه بماند، یکی از مسلمانان خبر این حمله را به ابوسفیان اطلاع داد. در این مورد این آیه نازل شد: «ای مؤمنین! به خدا و رسول و پیمانهایتان خیانت ننمائید!» انفال 27

«امام صادق(ع): کسیکه اسرار ما را فاش کند، گویا ما را به قتل رسانده است»

«امام صادق(ع) در تفسیر آیه «پیامبران را به ناحق می کشند» فرمود: بخدا سوگند! پیامبران را با شمشیر نکشتند، بلکه اسرار آنان را فاش کردند و آنها کشته شدند.»

بعضی از حافظین اسرار «وقتی قیس بن مسهر، سفیر امام حسین(ع) برای مردم کوفه، توسط مأمورین دشمن محاصره شد، نامه امام را پاره کرد و خورد. وقتی او را دستگیر کردند، برای اینکه اسرار امام را فاش کند او را شکنجه کردند ولی او لب به سخن نگشود و عاقبت او را بشهادت رساندند.»

چشم چرانی

چشم انسان از اعضایی است که بیشتر گناهان به سبب و وسیله آن انجام می‌شود. در سخنان بزرگان دین آمده که هر که بتواند چشم خود را کنترل نماید، از بسیاری از گناهان خود را دور نموده است.

یکی از گناهان چشم، چشم چرانی و هیز بودن و نگاههای شهوانی به نامحرم است. چه از طرف مرد نسبت به زن نامحرم و چه از طرف زن نسبت به مرد نامحرم. «آمده است که جوان عربی در زمان پیامبر (ص) در کوچه مشاهده کرد که زن جوانی از روبرو می‌آید! این جوان شروع به چشم چرانی به زن نمود بطوریکه حواسش پرت شد و متوجه استخوانی که در سوراخ دیوار فرو شده بود، نشد و استخوان به گونه‌اش اصابت کرد و خون جاری شد! جوان با همین حالت نزد پیامبر بعنوان طیب الهی رفت و ماجرای این حادثه را گفت. حضرت فرمود: همانا نگاه به نامحرم تیری از تیرهای شیطان است»

چشم انسان مانند دوربین بسیار قوی فیلمبرداری است که همه صحنه‌ها را علاوه بر نشان دادن به مغز در همان آن، در حافظه ذخیره می‌کند و بسیاری از خوابها و رؤیایها و حتی تصورات آدمی از جهان به همین تصاویر باز می‌گردد.

جوانی که از صبح تا شب چشمش بدنبال زیبارویان در گردش است، اگر در خواب جنب و محتمل شود و خوابهای شیطانی ببیند، طبیعی است. و هرگاه روز با خوابان و صالحان همنشین باشد و توسلات به معصومین (ع) داشته باشد اگر در خواب، امام زمان (عج) و زیارتگاه ببیند، باز طبیعی است.

«روزی حضرت عیسی (ع) بایارانش برای دعای طلب باران از شهر خارج شدند. موقع دعا، عیسی (ع) گفت: هر که گناهی مرتکب شده بر گردد. همه بجز یک نفر باز گشتند. حضرت به او گفت: تو گناهی مرتکب نشده‌ای؟ گفت: خیر بجز اینکه روزی در حال عبادت بودم که زنی از مقابلم عبور کرد و من ناخواسته بتماشای او مشغول شدم. ناگاه بخود آمدم و بخاطر این کار زشتم، چشم خود را در آوردم و بطرفی که زن رفت بود، پرتاب کردم!

حضرت فرمود: پس تو دعا کن تا من آمین گویم! او دعا کرد و عیسی (ع) آمین گفت و باران آمد.»

یکی از نشانه‌های پاکی چشم، دورماندن چشم از نگاههای شهوانی است. لذا وقتی دختر شعیب (ع) نزد موسی (ع) آمد و گفت: پدرم تو را به خانه دعوت کرده و مرا فرستاده تا تو را راهنمایی کنم. موسی (ع) چند قدمی بدنبال دختر رفت و گفت: ما خاندانی هستیم که پشت سر زن نگاه نمی‌کنیم. پس من جلو می‌روم و تو از پشت سر بیا و هر کجا نیاز به راهنمایی شد، با انداختن سنگ علامت بده!

اگر چشم را کنترل نکنیم، دل را گرفتار کرده‌ایم و اگر دل گرفتار شد، سر به رسوائیها خواهد زد.

زدست دیده و دل هردو فریادهر آنچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد زخم بردیده تا دل گردد آزاد «چه بسیار نگاههای کوتاهی که بدبختی‌های بزرگ و طولانی به ارمغان آورده است. از دواجهایی که با یک نگاه شروع شده و عاقبت در مدت کوتاهی با یک نگاه دیگر به طلاق کشیده می‌شود.»

«علی (ع): هر که نگاهش به نامحرم زیاد باشد، فکرش دائماً مشغول خواهد بود.»

«ای رسول! به مردان مؤمن بگو چشم خود را بر حرام ببندند و عورت خود را از حرام حفظ کنند که این مسئله برای پاک پودنشان لازم‌تر است و به زنها هم بگو که چشمهای خود را بر حرام ببندند و عورت خود را از حرام حفظ کنند...» نور آیه 30 و 31

«رسول خدا (ص): هیچ وسیله برای پاکی باندازه پاک بودن چشم و بستن آن بر روی حرام نیست. که هر که چشم خود را بر حرام بست، خدا به دلش توفیق مشاهده عظمت الهی را می‌دهد»

«رسول خدا (ص): هر که چشمش را از حرام پُر کند، خداوند روز قیامت چشمش را از آتش پر کند، مگر اینکه توبه کند و دیگر عمل حرام را انجام ندهد.»

«در روایت است که هر که به نامحرمی برخورد و برای رضای الهی، چشم خود را از او برگرفت و دیگر نگاه نکرد، اگر مرد باشد در همان ساعت، حورالعینی باز دواجش در می‌آورند و اگر بر این صفت خوب مداومت کند، خداوند شیرینی مناجاتش را به او می‌چشاند و ملکوت خود را بردلش باز می‌کند.»

«گویند مغازه داری به زنانی که از مقابل دکانش رد شده خیره نگاه می‌کرد و بر زبان لاله الا الله جاری می‌کرد. یکنفر برای تذکر به او وارد مغازه اش شد و جنسی را خواست. مغازه دارد برای آوردن جنس مدتی در داخل مغازه بود که خانمی از مقابل مغازه اش عبور کرد. وقتی مغازه دار جنس مشتری را آورد، مشتری

گفت: شما که مشغول آوردن جنس من بودید، یک لاله الا الله! از مقابل مغازه شما رد شد!!»

«پیامبر(ص): سخت است غضب خدا بر زن شوهرداری که چشمش را از حرام پر کند»

«پیامبر(ص): کسیکه به عورت دیگری نگاه کند، ملعون است»

«پیامبر(ص): اگر از آسمان بیافتم و دونیم شوم برایم بهتر است که به عورت کسی نگاه کنم و یا کسی به عورت من نگاه نماید»

اسراف و تبذیر

آدمی در شبانه روز برای رفع احتیاجات خوراکی و پوشاکی، جنسی، رفت و آمد و... خود، باید غذا برای خوردن و لباس برای پوشیدن و همسر برای آرامش و رفع غریزه جنسی و مرکب سواری داشته باشد.

انسان بعنوان خلیفه خدا در زمین تا چه حد می تواند از این نعمتها استفاده کند؟ حد و اندازه خوردن چقدر است؟ تا چه اندازه می تواند از غریزه جنسی مشروع استفاده کند؟ لباس تا چه اندازه؟

خداوند در قرآن اندازه آنرا معین کرده و فرموده است که:

«مؤمنین آنانی هستند که وقتی خرج می کنند، اسراف نکرده و بخل هم نورزیده بلکه حد وسط را رعایت می کنند.» فرقان 67

«بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید.» اعراف 31

«امام صادق(ع): خوردن و آشامیدن و پوشیدن و ازدواج و سوار مرکب شدن اگر با میانه روی باشد، حلال و الا حرام است چون خدا در سوره انعام آیه 141 فرموده است: اسراف نکنید که خدا مسرفین را دوست ندارد.»

علامتهای اسراف

«رسول خدا(ص): از علامتهای اسراف آنستکه آنچه در شان او نیست می خورد و آنچه در شأن او نیست می پوشد و آنچه در شأن او نیست می خرد»

«امام صادق(ع): کمترین حد اسراف آنستکه اضافه آب را دور بریزی و یا لباس مخصوص بیرون را در خانه پوشی و یا لباس تمیز را در محل کثیف پوشی!»

«امام صادق(ع): اگر چیزی را در غیر طاعت الهی کنی، اسراف و تبذیر است و کسیکه در راه خیر خرج کند، او میانه رو است.»

«روزی امام صادق(ع) دیدند که مقداری میوه نیم خورد در خانه افتاده است، ناراحت شدند و به غلامان خود فرمودند: اگر شما سیر هستید، خیلی ها گرسنه هستند، پس اینهارا به محتاجان بدهید.»

اگر انسان کنار دریا باشد باز اگر آب اضافی را دور ریخت، مسرف است.

چه بسیار غذاهای که با زحماتی پخته و آماده می شود ولی مقداری از آن به سطلهای زباله منتقل می گردد.

«طبق آمار سی سال پیش: یکماه غذای دور ریخته مردم آمریکا برای خوردن هفتصد میلیون نفر در یکروز کافی است. همچنین هر سال سه میلیارد دلار خرج سگها می شود. ثریا

پهلوی قبل از مردن وصیت کرد که ثروتش خرج سگهای پاریس شود!

در فرانسه روزانه 335 میلیارد فرانک صرف نوشابه های الکلی می شود»

در کشور ما میلیاردها تومان صرف نانی می شود که شصت درصد آن مصرف نمی شود.

میلیاردها تومان صرف تهیه سیگار و دود کردن آن میشود.

میلیاردها تومان صرف جشنهای آنچنانی عروسی ها و جشنواره های بی خاصیت که هیچ بار فرهنگی مثبت ندارد، می گردد.

«دو دختر مسلمان فرانسوی که به ایران آمده بودند و در بعضی از مراسمات جشنها شرکت کرده بودند، اظهار داشتند: شما که انقلاب کرده اید، همه چیزتان خوب است غیر از مراسم

عروسیتان! که خیلی اسراف می کنید در حالیکه می توانید هزینه این جشنهارا صرف خرید وسایل زندگی عروس و داماد نمائید.»

«هر مسلمانی مخصوصاً پدر و مادر و وظیفه دارند که در همه مصارف زندگی حد و وسط را رعایت کنند که اسراف باعث از دست رفت نعمتهای حلال دنیوی و باعث عذاب اخروی

می شود.»

«یکروز امام سجاد(ع) در کوچه به تکه خرمائی برخوردند. به غلامشان فرمودند که تکه خرما را به منزل ببرد تا امام آنرا استفاده کنند. وقتی

بخانه رفتند. امام تکه خرما را خواستند. غلام گفت که من خود آنرا خوردم. امام خوشحال شدند و او را آزاد کردند. وقتی اصحاب گفتند بخاطر این کار کوچک او را آزاد

کردید؟ فرمود: او بخاطر این عملش به بهشت خواهد رفت و من نخواستم کسی را که بهشتی است، بعنوان غلام نگه دارم.»

«امام صادق(ع): هر ساختمانی که بیش از مقدار نیاز باشد، در آخرت وبال گردن صاحبش می شود»

«اسحاق بن عمار از امام صادق(ع) راجع به مردیکه لباسهای مختلفی دارد و چندتای از آنان را برای پوشاندن بدن خود و چندتا برای زینت کردن و شیک شدن قرار داده آیا اسراف است؟ فرمود: خیر اسراف نیست! زیرا خدا در قرآن فرموده است: هر که زندگیش وسعت دارد باندازه توانائیش خرج کند «طلاق 7»»

«امام باقر(ع): سه چیز نجات دهنده انسان است: ترس از خدا در آشکار و پنهان، میانه روی در خرج در سختی و راحتی، سخن به عدل در خشنودی و غضب»

«در مورد آمیزش جنسی، طبق بیانات ائمه(ع) هر چه انسان با همسرش بیشتر آمیزش داشته باشد، مطلوب است و در این زمینه آمده است که کثرت آمیزش از سنت پیامبران است. علت این سفارش شاید بخاطر این باشد که زن و مردیکه از راه حلال اشباع شده باشند، دیگر چشمشان بدنبال نامحرمات نخواهد بود مگر افرادی که مریض باشند.»

«یکی از علل اسراف و تبذیر (ریخت و پاش) چشم و همچشمی های ناسالم است. مثلاً فلان کس در عروسی فرزندش به مطرب اینقدر داد، منم باید در عروسی فرزندم مطرب بیاورم و بیشتر بدهم! در حالیکه اصل دادن پول به مطرب مورد اشکال بوده و حرام است.»

حسادت!

یکی از صفات بد، حسادت است که ایمان را از بین می برد.

حسودم چه کنم؟

زنی 24 ساله هستم که به تازگی نامزد کرده ام. از مشکلی رنج می برم که جانم را می سوزاند و به تمام وجودم چنگ می اندازد. خودم بهتر از هر کسی می دانم که هیچ کس در ایجاد این مشکل دخیل نیست.

شاید باور نکنید، اما در زندگی همه چیز دارم. شغل مناسب، تحصیلات، رفاه نسبی و همسری خوب، اما نسبت به دیگران همیشه حس حسادت دارم. نشانه های حسد ورزی به قدری در من شدید و بارز است که خیلی روی رفتار و حرکاتم اثر می گذارد و سریعاً واکنش نشان می دهم، به طوری که همه اطرافیانم متوجه تغییر حالت چهره ام می شوند. کوچک ترین پیشرفت در زندگی دیگران، آزارم می دهد. آرزو می کنم که همه به لحاظ تحصیلی، شغلی و مالی از من پایین تر باشند و هزاران آرزوی بیمارگونه دیگر.

اکنون به قدری از این حس بیمارگونه، در مانده شده‌ام که نمی‌توانم به زندگی عادی ام ادامه دهم. به شدت عصبی و خودخور شده‌ام و دائماً اضطراب دارم که نکند از دیگران عقب بمانم. لطفاً کمک کنید.

«میترا - س» - از اهواز

حسادت آفتی است که اگر به کسی برسد او را از درون سوزانده و سپس نابود می‌کند و حسود به کسی گویند که از پیشرفت و ترقی دیگران احساس نراحتی نموده و آرزو می‌کند که دیگران پیشرفت نداشته و اگر خداوند به کسی نعمتی عنایت کرده آن نعمت از آن فرد گرفته شود! قرآن می‌فرماید:

ام یحسدون الناس علیٰ م آتیهم الله من فضله.

آیا به آنچه خدا از فضلش به مردم داده حسادت می‌ورزند؟

سپس خداوند این افراد را مورد لعن قرار داده است:

اولئک الذین لعنهم الله

آنانند «حسودان» که خداوند آنها را لعن نموده است.

در سخنان بزرگان دین هم از حسادت بشدت مذمت شده است:

امیرالمؤمنین (ع): «حسد جسم را از بین می‌رود.»

امام حسن مجتبی (ع): حسد پیش در آمد فساد است چنانکه
قابیل را به کشتن هابیل وادار کرد.»

تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز

یک داستان

شخصی بود که بیت فوق را مرتب می‌گفت و بخاطر مطالب شیرینی که بیان می‌کرد همیشه نزد خلیفه می‌رفت و برای او صحبت می‌نمود. وزیر حسادت کرد و تصمیم گرفت تا او را از سر راه بردارد. روزی او را به خانه‌اش دعوت کرد و غذائی را که در آن سیر زیادی بکار رفته بود به او خوراند. سپس قبل از اینکه مرد نزد خلیفه رود، وزیر نزد خلیفه رفت و گفت: این شخصیکه نزد شما تردد می‌کند شایعه کرده که دهان خلیفه بوی بد می‌دهد. بعد از اینکه مرد نزد خلیفه وارد شد، بخاطر اینکه بوی سیر خلیفه را ناراحت نکند مرتب جلو دهان خود را می‌گرفت. خلیفه گمان کرد حرف وزیر درست است. لذا در کاغذی نوشت که آورنده این کاغذ را گردن بزنید! او کاغذ را به مرد داد و گفت این پاداش است! نزد فلان بروید و بگیریید! وزیر که دم درب منتظر عاقبت این مرد بود دید که با کاغذی در سینی بیرون آمد. خیال کرد که خلیفه در کاغذ دستور پاداش به مرد داده است لذا آن کاغذ را نخواند از عرب خرید و خودش کاغذ را به فردی که خلیفه امر کرده بود داد و سر وزیر بریده شد! و برای خلیفه فرستاده شد. درباره آیه زیر آمده است:

ومن شرّ حاسدٍ اذا حسد. و از شرّ هر موجودی زمانیکه حسادت می‌ورزد. بدترین آفت دل حسادت است. که سبب خیلی از کارهاست. طوری که ائمه (ع) می‌فرمایند همانطور که آتش چوب را می‌خورد، حسادت ایمان را می‌خورد.

علامه اربلی «ره» در کسف الغمه از رسول خدا (ص) روایت می‌کند که وقتی به آسمان رفتم و خواستم بهشت و دوزخ را ببینم، جبرئیل مرا بسوی بهشت برد و بهشت را دیدم که بر هر یک چهار کلمه نوشته شده بود که هر کلمه‌ای از دنیا و آنچه در دنیا هست، بهتر است. بشرط عمل. 1- بردرب اول نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله و علی ولی الله. لکلّ شیء حيلة وحيلة العیش اربع خصال. القناعة و بذل الحق و ترک الحسد و مجالسة اهل الخیر. خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد رسول خدا و علی ولی خداست. برای هر چیزی راهی است و راه زندگی چهار چیز است. قناعت. سخن حق. ترک حسادت و هم نشینی با خوبان.

از بسیاری از روایات بدست می‌آید که بدترین چیز برای علماء دو چیز است: یکی حسادت است. و یکی غرور. آمده است که روزی عیسی بن مریم (ع)، شیطان را دید که باری بر شتر حمل می‌کند. پرسید این چیست؟ گفت حسادت است که برای علماء می‌برم.

روایت شده که بر در بهشت، درختی است که شاخه های آن برصدهزار نفر سایه می اندازد. در سمت راست درخت، چشمه ای پاک کننده وجود دارد که اهل بهشت وقتی از آن می نوشند، دلشان از حسد و پوشتشان از مو پاک می شود. همانطور که خدادر آیه 21 سوره انسان می فرماید: «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا. یعنی: خدا به آنان شرابی پاک کننده می نوشاند.» سپس در چشمه ای که در چپ درخت است غسل می کنند و با غسل در آن مرگ آنها از بین می رود.

روزی رسول خدا (ص) فرمود که: توجه داشته باشید که برآستی بسوی شما درد و مرضی که امتهای گذشته را فرا گرفته بود، بسوی شماروی آورده و آن حسد است. موی بدن را نمی زداید ولی زداینده و نابود کننده دین است. انسان در صورتی از بلای حسد در امان است که دست و زبان خود را نگه دارد و طعنه بر برادر خود نزند و سخن چینی در باره اش نکند

امام صادق (ع) خطاب به فرزند نعمان احوال دشمن تر از همه شمانزد من، بزرگ منش هایی هستند که سخن چین و نسبت به برادرانشان حسد ورزند. نه آنان از منند و نه من از آنهایم. سپس فرمود: به خدا قسم هر گاه یکی از شما به اندازه روی زمین طلا در راه خدا بدهد بعد از آنکه نسبت به مؤمنی حسد ببرد بوسیله همان طلاها پوست بدنش را در جهنم می سوزانند.

توانم آنکه نیازم اندرون کس حسود را چه کنم کوز خود برنج درست

بمیر تا برهی ای حسود کاین رنجیست که از مشقت آن جز بمرگ نتوان رست

مهمترین خصوصی حسادت آن است که در میان همه طبقات بوده و هر شخص با هر شغلی که است می تواند دارای این صفت رذیله باشد! گاه بین دو کارمند اداره و گاه بین دونفر نظامی و گاه بین دونفر همسایه و دوراننده تا کسی و حتی دونفر گدا حسادت پیدا می شود.

رسول خدا (ص): خدای عز و جل به موسی بن عمران علیه السلام فرمود ای پسر عمران! بر آنچه از فضل خود بمردم داده ام حسد مبر و چشمت را دنبال آن دراز مکن و دلت را پی آن مبر! زیرا حسود از نعمت من ناراحت است و از تقسیم می کند! و کسیکه چنین باشد من از او نیستم و او از من نیست.

حسد رنجیست سوزنده کزو آتش بجان افتد چه جایی جان که از حساد آتش در جهان افتد
مرنجان ای عزیز من ز سودای حسودان دل که تو سودی بدست آری و ایشانرا زیان افتد
درمان حسادت

از نظر عقل و شرع حسادت مرض روحی است که باید کنترل شود. و شخص حسود بجای حسادت به غبطه و رقابت روی بیاورد. اگر دیگری در یک فضیلتی از او بالاتر است، او هم سعی کند با تلاش و زحمت خود را به او برساند و حتی از او بالاتر رود. اگر یک مغازه دار در آمدش از مغازه دار دیگر بیشتر است، دیگری بجای حسادت و خراب گردن او، بفکر روش های بهتر و جدیدتر سالمی برای کسب درآمد بالاتر بیافتد. همچنین اگر در کلاسی دانش آموزی زرننگ و دیگری تنبل است! تنبل بجای حسادت و تحقیر زرننگ، بفکر اصلاح خود و رقابت با زرننگ بیافتد. و همچنین دیگر افرادی که به یک نوعی نسبت به هم حسادت دارند. همانطور که امام حسین (ع) فرمود ما نسبت به برنج و آب فرات مردم عراق غبطه می خوریم. یعنی ای کاش ما هم از این نعمت مردم عراق بهره مند بودیم. نه اینکه خدا کند این نعمت مردم عراق از شان گرفته شود و دیگر این نعمت را نداشته باشند!

تکبر

تکبر به معنای خود را بزرگ و برتر دیدن و دیگران را از خود پائین تر دیدن است. و این صفتی است که باعث شد ابلیس با هزاران سال عبادت از زمره فرشتگان الهی رانده شده و تا روز قیامت ملعون خدا و ملعون خلق خدا قرار گیرد.
قرآن می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مَخْتَالًا فُخُورًا

خداوند متکبر فخر فروش را دوست ندارد.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

کسیکه ذره‌ای کبر در دل او باشد، داخل بهشت نمی‌شود.

تعجب امام سجاده (ع)

امام سجاده (ع) فرمود: از متکبر فخر کننده متعجبم که دیروز نطفه بود و فردا مردار است! و عجب از کسیکه در وجود خدا، شک می‌کند، در حالیکه مخلوقاتِ او را می‌بیند! و عجب از کسیکه مرگ را انکار می‌کند، در حالیکه مشاهده می‌کند که روز و شب افرادی می‌میرند! و عجب از کسیکه زنده شدن مردگان و جهان آخرت را انکار می‌کند، در حالیکه متولد شدن افراد زیادی را می‌بیند! و عجب از کسیکه خانه از بین رفتنی - دنیا - را آباد می‌کند، ولی خانه باقی ماندنی - آخرت - را ترک کرده است!

رسول خدا (ص): رز قیامت، خدا با سه دسته سخن نمی‌گوید و

به آنان نظر - لطف - نمی‌کند و اعمال آنان را تزکیه نمی‌نماید و برای آنان

عذابی دردناک است: پیرزنا کار، پادشاه ستمکار، آدم خودرأی و متکبر!

حدیث قدسی: در قیامت نزدیک ترین افراد به من اهل تواضع و دورترین افراد بمن متکبرین هستند. «بحار، ج 14»

رسول خدا (ص): «خداوند متعال به من وحی کرد که تواضع کنید تا احدی بر دیگری فخر نفروشد و احدی به دیگری تجاوز ننماید.»

رسول خدا (ص): «هرگاه متواضعین امت مرا دیدید، شما هم تواضع کنید. و اگر متکبرین را دیدید، شما هم تکبر کنید که تکبر شما باعث خواری و ذلت آنها می‌گردد.»

امیر المؤمنین (ع): «بدترین آفت عقل، کبر است.»

«تواضع و فروتنی پیامبر به حدی بود که پس از پیروزی در جنگ خیبر، برالاغی که لجام و جُل آن از لیف خرما بود سوار شده بود و به کودکان و زنان سلام می نمود.

روزی شخصی با آن حضرت سخن می گفت و در حال صحبت می لرزید. پیامبر فرمود: چرا از من می ترسی؟ من که پادشاه نیستم.»

«روزی پیامبر بطرف مسجد می رفت. در راه به کودکانی رسید که بازی می کردند. همینکه چشم کودکان به حضرت افتاد، چون دیده بودند که حسنین (ع) پر پشت پیامبر سوار شده و حضرت به آنها سواری می داد، آنها هم به پیامبر گفتند: کُنْ جملی! شتر ما باش! پیامبر هم با ملاطفت، تمام بچه ها را بنوبت بر پشت مبارکش سوار می نمود.

مردم که در مسجد منتظر پیامبر بودند، چون دیدند حضرت نیامد، بلال را بدنبال پیامبر فرستادند. وقتی بلال در کوچه با صحنه حلقه زدن کودکان بدور پیامبر و تقاضای سواری از حضرت، مواجه شد، خواست کودکان را از حضرت دور کند اما حضرت فرمود: این کار را نکن! بلکه به خانه ما برو و مقداری گردو بیاور! بلال از خانه حضرت مقداری گردو آورد و به پیامبر داد. حضرت به کودکان فرمود: آیا حاضرید شترتان را به این گردوها بفروشید؟ کودکان با خوشحالی قبول کردند و گردوها را گرفته و پیامبر را رها نمودند. رسول خدا (ص) فرمود: خدا رحمت کند بر ادرم یوسف را که او را به پول اندکی فروختند همینطور که این کودکان مرا به چند دانه گردو فروختند!»

بخل و خساست

بخل!

بخل به معنای دست بسته بودن و عدم تمایل به استفاده رساندن به دیگران از مال و ثروت خود می باشد. و این بخاطر دلبستگی سخت و محکم به مادیات است که در او بصورت بخل جلوه می نماید.

ولا يحسبن الذين يبخلون بما آتاهم الله من فضله هو خيراً
 لهم بل هو شرٌّ لهم سيوظفون ما بخلوا به يوم القيامة ولله
 ميراث السموات و الارض والله بما تعملون خبيرٌ

آنهائی که نسبت به آنچه خدا به آنها داده بخل می‌ورزند خیال نکنند که این بخل برایشان خوب است بلکه این بخل برایشان شرّ است بزودی اموالی را که در آنها بخل ورزیدند را به گردنشان آویخته می‌کنند و میراث آسمانها و زمین مال خداست و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. پیامبر بارها می‌فرمود که:

اللهمّ انّی اعود من البخل
خدا یا! از بخل بتو پناه می‌برم.

و فرمود:

در دل مؤمن دو خصلت جمع نشود: بخل - بدخلقی

و فرمود:

نزد خداوند، بخیل از ظالم بدتر بود و خدا قسم خورده که به عظمت و جلالتم، بخیل را وارد بهشت ننمایم.
شاعر گوید:

بخور، بپوش، ببخش و بدانکه حاصل عمر خرد ندانست کس کو به دیگری بگذاشت

بخیل و سه پسرش!

آورده‌اند در اصفهان مردی پولدار بود که بخیل بود و دست کسی به غذای او نرسیده و شامه روزگار بوی شوربای او نشنیده، مصداق این شعر:

از بخیلی که هست امساکش گریزند دست ناپاکش

نیست ممکن که نیم قطره خون آید از دست ممسکش بیرون! سه پسر داشت. چون موقع مرگش رسید خواست امتحان کند کدامیک از پسرانش از جهت بخل از خودش بخیل تر هستند تا او را جانشین خود سازد. ابتدا پسر بزرگتر را خواست و گفت: پسر! نان چگونه خوری؟ گفت نان با پنیر خورم! بخیل گفت برو که بدبختی! و تورا از دولت بهره‌ای نیست! بعد پسر دوم را طلبید و گفت نان چگونه خوری؟ گفت نان به پنیر می‌مالم و می‌خورم! گفت تو نیز بدبختی و از سعادت

بهره‌ای نداری! پسر سوم را خواست و گفت نان چگونه خوری؟ گفت من پنیر را در خیال خود گذرانده و نان را با پنیر خیالی می‌خورم! پدر گفت تو پسر منی! آنگاه کلید اموال خود را به او داد!

شیطان به یحیی (ع) چه گفت؟

نقلست که حضرت یحیی (ع)، روزی شیطان را به صورت اصلی خود دید و از او پرسید:

کدام دسته از مردم را دوست داری؟ و با کدام دسته دشمن هستی؟

شیطان گفت:

دوست‌ترین شخص نزد من مؤمن بخیلست و دشمن‌ترین شخص نزد من فاسق سخاوتمند است.

امیر المؤمنین (ع): «قوت جسم به غذا می‌باشد و قوت روح به غذا دادن به مؤمنین می‌باشد.»

امیر المؤمنین (ع): «هر مؤمنی که مهماندوست باشد، وقتی از قبر محشور می‌شود، صورتش مانند ماه شب چهارده می‌باشد. در این حال مردم می‌گویند: این شخص حتماً پیامبر است! فرشته‌ای جواب می‌دهد: این مؤمنی است که مهمان دوست بوده و مهمان را عزیز می‌شمرده است. این مؤمن را فقط به بهشت می‌برند.»

امیر المؤمنین (ع): «سه صفت در مرد باعث نقص و در زن باعث کمال است. یکی خودخواهی است که اگر زن مغرور باشد، تن بکار زشت ندهد. دوم بخل است که باعث می‌شود از مال شوهرش خوب مواظبت کند. سوم ترس است که بخاطر ترس، از فساد رویگردان شود.»

«امام باقر (ع) فرمود: پدرم فرمود: با پنج دسته رفاقت نکن و حرف نزن!

فاسق، بخیل، دروغگو، احمق و قاطع رحم!

اما فاسق! تو را به یک خوردن و کمتر می‌فروشد!

اما بخیل! از تو چیزی را که به آن همه محتاج‌تری، دریغ می‌کند!

اما دروغگو! مثل سرابست که نزدیک را دور و دور را نزدیک می سازد!

اما احمق! می خواهد بتو نفع برساند، ضرر می رساند!

اما قاطع رحم! او را در سه جای قرآن ملعون یافتیم!

امام صادق (ع): «کسیکه غیر از خانه خود، خانه دیگری که به آن نیاز ندارد، داشته باشد. در این حال، فرد مؤمنی درخواست استفاده از خانه مازاد او را بنماید. ولی صاحبخانه به او اعانت ننماید و جواب منفی بدهد، خداوند عزّ وجلّ می فرماید: ای فرشتگان! بنده من بخل ورزید! و خانه اش را به بنده نیازمندم نداد. به عزّتم سوگند! که او را در بهشت ساکن نگردانم.»

بخل باعث طلاق شد!

آورده اند که روزی بخیلی با اهل و عیالش بر سر سفره نشسته بود و غذا می خورد که گدایی دم در خانه شان آمد و تقاضای کمک کرد. زن خواست به فقیر کمک کند ولی شوهرش مخالفت کرد. بگو بگوی آنها کم کم بجای باریکی کشید و خلاصه کارشان به طلاق کشید!

زن بعد از مدتی ازدواج کرد و با شوهر دومش زندگی می کرد. روزی باشوهر دومش سر سفره نشسته بودند و غذا می خوردند که در خانه به صدا درآمد. زن وقتی در را باز کرد دید گدایی است خوب نگاه کرد دید این مرد همان شوهر سابقش می باشد! فریادش بلند شد. شوهر دوم آمد و گفت چه شده؟ زن گفت این مرد گدا شوهر اولم است که ثروت زیادی داشت ولی بخاطر بخیل بودنش، مالش از بین رفت و زندگیش از هم پاشید!

ضرب المثل

در ضرب المثل است که آدم بخیلی بود که یک شب خدا به او گاوی داد و فردای آن شب به همسایه او یک گوساله. آدم بخیل وقتی که خبردار شد به درگاه خدا نالید و گفت: خداوند! نه می خواهم این گاو را به من بدهی و نه آن گوساله را به همسایه ام!

هلاکت اقوام گذشته بسبب بخل

رسول خدا(ص) فرمود:

از بخل پرهیزید که اقوام گذشته را هلاک کرد و آنها را وادار کرد که بخون یکدیگر دست بیالایند و محارم خویش را حلال شمارند!

قوم لوط بخاطر بخل فاسد شدند!

در باره اینکه عمل زشت لواط (و باصطلاح امروز همجنس‌بازی) چگونه در میان آنان شیوع یافت - با اینکه مطابق روایات و تواریخ تا به آن روز سابقه نداشت - در حدیثی که صدوق (ره) از امام باقر علیه السلام روایت کرده آن حضرت علت شیوع این عمل را در میان آنها، خصلت نکوهیده بخل ذکر فرموده و به ابوبصیر که راوی حدیث و یکی از اصحاب او است چنین گوید:

ای ابامحمد! رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر صبح و شب از بخل به خدا پناه می‌برد و ما نیز از این صفت به خدا پناه می‌بریم، خدای تعالی فرموده: «و کسی که نفسش از بخل نگه‌داری شود آنان رستگارند» و اکنون سرانجام (شوم) بخل را بتو خبر خواهم داد: قوم لوط اهل قریه‌ای بودند که بخل داشتند و همین بخل درد بی‌درمانی در مورد شهوت جنسی برایشان بار آورد.

ابابصیر پرسید: چه دردی برای آنها بار آورد؟

امام فرمود:

قریه قوم لوط سر راه مردمی بودند که به شام و مصر سفر می‌کردند. و چون کاروانی بر آنها وارد می‌شد از آنان پذیرائی می‌نمودند. چون این جریان ادامه پیدا کرد از روی بخل و حساستی که داشتند ناراحت شده و به فکر چاره‌ای افتادند و همان بخل موجب شد که چون میهمانی به خانه آنها می‌آمد با او لواط می‌کردند بدون اینکه شهوتی به این کار داشته باشند. و تنها این عمل را انجام می‌دادند تا میهمانی به منزل آنها نیاید. و همین سبب شد تا پای مسافران از سرزمین آنها قطع شود و دیگر کسی بدانجا نیاید اما این عمل در میان آنها عادت شد و بالاخره سبب هلاکتشان گردید.

سوء ظن

انسان در روابط خانوادگی و اجتماعی باید دارای حُسن ظن باشد.

حُسن ظن به پیشرفت کارها و ایجاد محبت بین خانواده و جامعه کمک می کند.

ولی سوء ظن باعث از بین رفتن روابط سالم اجتماعی می شود.

معنای سوء ظن آن است که کارها و اعمال دیگران را بر علیه خود حمل کنیم. و یا دیگران را بدون علم و یقین، متهم نمائیم.

«ای مؤمنین! از بسیاری از گمانها دوری کنید که بعضی از گمانها گناه است» حجرات

«پیامبر (ص): خدا سوء ظن به مؤمن را حرام کرده است»

هرچه دایره سوء ظن وسیعتر باشد گناه و فسادش بیشتر است. سوء ظن در مسائل سیاسی باعث خرابی کشور و مملکتی می شود.

سوء ظن در مسائل کاری و شغلی مشکلات زیادی ایجاد می کند.

سوء ظن در مسائل خانوادگی به اختلافات خانوادگی منجر می شود.

و خلاصه سوء ظن در موارد مختلف باعث ضرر و زیانهایی می شود.

«نقل شده که: شخصی سگ باوفائی داشت. روزی کودک در گهواره اش را با سگ تنها گذاشت و از خانه اش خارج شد. وقتی به منزل برگشت، سگ در حالیکه

پوزه اش خونی بود، با استقبال صاحبش آمد. مرد خیال کرد که سگ به کودک او آسیبی وارد کرده است. لذا شمشیرش را کشید و سگ را کشت. اما وقتی وارد

منزل شد، کودک را سالم دید و در کنار گهواره ماری مرده ای را مشاهده کرد و فهمید که مار قصد آسیب رساندن به کودک را داشته ولی سگ مانع شده و با او

زد و خورد نموده است.

مرد آنچنان پشیمان شد که تا سه روز بر بالین سگ مرده اشک می ریخت و اظهار پشیمانی می کرد.»

سوء ظن دشمنان خیالی انسان را زیاد می کند. افراد دارای سوء ظن دارای اضطراب بوده و کمتر در آرامش می باشند.

مثلاً زنانیکه به شوهران خود سوء ظن دارند اکثر اوقات فکرشان نا آرام بوده لذا دچار بیماریهای روانی می شوند. همچنین مردانی که بدون جهت نسبت به همسرشان سوء ظن دارند، دچار ناراحتی اعصاب می شوند و آرامش خود را از دست می دهند.

«امام صادق(ع): کسیکه بخاطر مشکلات مالی ازدواج نمی کند، به خدا سوء ظن دارد. زیرا خداوند وعده داده است که رزق بندگانم را می دهم.» درمان سوء ظن بهترین درمان، حمل کردن کارهای دیگران بر خوبی است. تا انسان یقین به بد بودن حرکتی نکرده آنرا بر خوبی و خیر حمل نماید. همچنین فاصله گرفتن از افراد دارای سوء ظن نیز به مداوای این درد کمک می کند.

سوء ظن در آئینه روایات

«علی(ع): بین حق و باطل چهار انگشت فاصله است. پس آنچه را با گوش شنیدی چنانچه با چشم هم دیدی راست و حق است.»

«اعمال برادرت را تا دلیلی برخلافش نیافتی، بر نیکوترین وجه حمل نما. و تا زمانیکه می توانی سخن مؤمن را بر خوب حمل کنی، هرگز نسبت به سخن مؤمن گمان بد مبر.» تفسیر نمونه

«امام صادق(ع): اصل حُسن ظن از حُسن ایمان و سالم بودن دل است که هر که را می بیند پاک و خوب می پندارد و احتمال حیاء و امانت و صیانت و راستی به او می دهد.»

«پیامبر(ص): به برادرانتان گمان خوب داشته باشید تا دچار صفای دل و پاکی طبع گردید» تفسیر من هدی القرآن

یک نکته:

سوء ظن در مأمورین اطلاعات و در مورد روابط خارجی ابکشورهای دیگر و در مسائل نظامی باید باشد و نه تنها اشکال ندارد بلکه لازم و واجب و ضروری است. آن که اشکال دارد سوء ظن در داخل جامعه کوچک یا بزرگ مسلمانان است که به وحدت، صمیمیت و پیشرفت و... ضررها وارد می کند.

کینه توزی

رسول خدا(ص): «از لغزش های یکدیگر بگذرید و عفو کنید تا کینه های بین شما از بین برود.»

رسول خدا(ص): «کسیکه زیاد عفو کند، عمرش طولانی خواهد بود و کسیکه عدالتش گسترده است، بر دشمنش پیروز می شود.»

رسول خدا(ص): «از جمله کارهایی که مؤمن اگر داشته باشد، از هر دری که بخواهد داخل بهشت می شود، گذشت و عفو قاتل است.»
امام محمد باقر(ع): «اگر عفو کنی و پشیمان شوی، بهتر است از اینکه انتقام بگیری و پشیمان شوی!»

ندادن خمس و زکات

خمس

«واعلموا أنّما غنمتم من شيء فان الله خُمسه و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل ان کنتم آمنتم بالله و ما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان یوم التقی الجمعان و الله علی کل شیء قدير.»

یعنی بدانید که از هر چه گیرتان آمد باید یک پنجم را برای خدا و پیامبر و سادات و یتیمها و مساکین و در راه مادنه قرار دهید اگر به خدا و قرآن و روز قیامت ایمان دارید که خدا بر هر چیزی قادر است.

«اصل وجوب خمس فی الجملة از ضروریات اسلام است و منکر آن کافر است و خلاصه این که خمس یکی از فرایض الهی است که در قرآن مجید و روایات مستفیضه به آن امر تأکید شده و محل اتفاق همه شیعه امامیه بلکه عموم مسلمین است اگرچه در بعضی خصوصیات آن از حیث مورد و مصرف، اختلاف وجود دارد و چنانچه کسی از پرداخت یک درهم یا کمتر امتناع کند در زمره ظالمین به پیامبر اکرم(ص) و ذریه آن حضرت می باشد و از غاصبین حق آنها محسوب می شود. بلکه هر کس خمس را حلال بداند از کافرین است و در هر صورت تا انکار شخص نسبت به اصل خمس محرز نشود نمی توان حکم به کفر او کرد.
مراد از زکات که در آیات زیادی از قرآن آمده هم زکات اصطلاحی و هم خمس است. زیرا مراد از کات پاک کردن مال از حقوق مالی می باشد چه حقوق مالی زکات باشد و چه خمس باشد.»

امام زمان(عج): لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم بر کسی است که از مال ما درهم حرامی بخورد.
امام زمان(عج): کسی که مالش زیاد باشد و حق آن را ادا نکند بد رستی که مالش در روز قیامت مارهایی خواهند بود که او را نیش می‌زنند.
امام باقر(ع): برای هیچ کس روا نیست چیزی از خمس را خریداری کند تا حق ما به ما برسد.
امام عصر(ع) فرمود: «اموالی که شما بما می‌رسانید، ما آن را برای پاک‌شدن شما از گناهان قبول می‌کنیم. بنابراین هر که می‌خواهد بما برساند و هر که نمی‌خواهد قطع کند که آنچه خداوند بما داده است از آنچه شما می‌دهید، بهتر است.»

موارد خمس

مهریه زن و هدیه و ارث خمس ندارد و سرمایه و زمین کشاورزی و وسیله نقلیه‌ای که منبع درآمد است و مغازه و پولی که بر آن یکسال گذشته و... خمس دارد.

مصرف خمس

خمس بر شش قسمت می‌شود که سه قسمت آن در زمان غیبت کبری به مجتهد مرجع تقلید داده می‌شود و سه قسمت هم سهم سادات فقیر است که اکثر مراجع اجازه نمی‌دهند خود شخص به سید فقیر بدهد و باید با هماهنگی مرجع تقلید باشد و بعضی مثل آیه الله سیستانی اجازه داده‌اند که سهم سادات را خود شخص خمس دهنده به سید فقیر بدهد.

چنانچه با مالی که خمس به آن تعلق گرفته شده لباس بخرد نماز در آن اشکال دارد و همچنین اگر فرش یا خانه و... بخرد تصرف در آنها تاحلال کردن مال اشکال دارد.

زکات

«أما الصدقات للفقراء و المساکین و العاملين علیها و المؤلفة قلوبهم و فی الرقاب و الغارمین و فی سبیل الله و ابن السبیل فریضة من الله و الله علیم حکیم.»
یعنی زکات برای فقرا، مساکین، کارگران جمع آوری زکات، مخارج هدایت کافران، آزاد کردن غلامان، ادای قرض قرضداران و در راه خداست و واجب بوده و خداوند آگاه و حکیم می‌باشد.

زکات سهمی از درآمد کسانی است که گندم و جو و انگور و خرما و گوسفند و شتر و گاو و طلا و نقره با شرایطی که در رساله‌ها نوشته شده داشته باشند . پرداخت زکات از نظر خداوند، یکی از علامتهای دینداری و شرط ضروری ایمان شمرده شده است.

«قد افلح المؤمنون.الذین هم فی صلاتهم خاشعون.والذین هم عن اللغو معرضون.والذین هم للزکات فاعلون»
یعنی حقیقتاً مؤمنین رستگار شدند آنانکه در نماز خاشع، از لغو دور و اهل زکات دادن هستند.
ندادن زکات نشانهٔ شرک است:

«و ویلٌ للمشرکین.الذین لا یؤتون الزکات و هم بالآخره هم کافرون»
یعنی وای بر مشرکین که زکات نمی‌دهند و قیامت را قبول ندارند.

پرداخت زکات باعث جلب رحمت الهی است:

«و اقیموا الصلاه و آتوا الزکاه و اطیعوا الرسول لعلکم ترحمون»

نماز گذاشته و زکات داده و از پیامبر اطاعت کنید شاید خدا بشمارحم نماید.

دادن زکات یکی از وظایف حاکمان مؤمن است:

«الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلاه و آتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر»

یعنی آنان که اگر به آنها حکومت بدهیم نماز اقامه کرده و زکات داده و امر بمعروف و نهی از منکر می‌نمایند.

زکات در شریعت همهٔ پیامبران الهی بوده است:

«واذکر فی الکتاب اسماعیل اذ کان صادق الوعد و کان رسولا نبیا و کان اهله یأمر اهله بالصلاه و الزکاه و کان عند ربّه مرضیا»

یاد کن در کتاب از اسماعیل که به وعده‌اش عمل می‌کرد و پیامبر و رسول بود و خانواده‌اش را به نماز و زکات امر می‌نمود و خدا از او راضی بود.

«و وهبنا له اسحاق و يعقوب نافله و كلاً جعلنا صالحين وجعلناهم ائمةً بامرنا و اوحينا اليهم فعل الخيرات و اقام الصلوة و ايتاء الزكاة و كانوا لنا عابدين»
یعنی به ابراهیم، عطا کردیم اسحاق و یعقوب را و همه را صالح قرار دادیم و پیوایان از طرف خود کردیم و به آنها وحی نمودیم که کارهای خیر و نماز و زکات انجام دهند و آنها ما را عبادت می کنند.

زکات یکی از راههای امتحان مؤمنین است:

«انما اموالکم و اولادکم فتنه والله عنده اجر عظیم»

یعنی مال و فرزندان اسباب آزمایش هستند و در نزد خدا پاداش عظیمی است.

روایات

امام صادق (ع): «دزدها سه دسته اند. اول کسیکه زکات نمی دهد. دوم کسیکه مهر زنش را نمی پردازد. سوم کسیکه قرض کرده ولی قرضش را نمی پردازد.»

ای حولاء! حق زن بر مرد این است که شکم زن را سیر کند و لباس برایش فراهم کند و به او نماز و روزه و زکات را بیاموزد.

زکات و حقوق مالی الهی را پاک کردن نامیده است: *خذ من اموالهم صدقة تطهرهم وتزکيهم*
با گرفتن صدقات آنها را پاک و تصفیه نما.

رسول خدا (ص) فرمود ندا کنند که ای مسلمین! زکات اموالتان را بدهید تا نمازتان قبول شود.

امام باقر(ع):خدا در قرآن زکات را با نماز آورده پس هر که نماز بخواند ولی زکات ندهد مثل این است که نماز نخوانده است.

امام صادق(ع):قسم به خدائی که مخلوقات را خلق کرد و به آنها رزق داده‌یچ مالی در خشکی و در دریا از بین نمی رود مگر بواسطه ندادن زکات.

موارد زکات

چنانچه « گندم، جو، خرما، انگور» به مقدار تقریبی 870 کیلوگرم برداشت کند باید در آنجایی که از آب باران ورودخانه استفاده کرده یک دهم و در آنجا که از آب چاه استفاده نموده، یک بیستم را زکات بدهد.

و چنانچه « گوسفند، گاو، شتر» دارد و دوازده ماه از علف صحرا استفاده می کنند وقتی به حد نصاب رسیدند باید زکات آنها را بدهد.

و چنانچه «طلا، نقره» دارد اگر به حد نصاب رسید باید زکات آن را که در بیست مثقال طلا تقریباً نیم مثقال می شود را بدهد.

مصارف زکات

زکات را می توان در هشت مورد مصرف نمود و نیازی به اجازه از مجتهد نیست: 1-فقیر 2-مسکین 3-کارگزاران جمع آوری زکات 4-برای مسلمان کردن کفار 5-قرضداران 6-برای آزاد کردن غلام 7-در راه ماندگان 8-در راه خیرمثل مسجد و بیمارستان و روضه خوانی و کتابخانه و ازدواج و غیره

«ثعلبه مردی فقیر بود. او از پیامبر خواست که دعا کند تا ثروتمند شود! پیامبر به او هشدار داد که ثروت برای تو خطرناک است. اما ثعلبه اصرار کرد و پیامبر برایش دعا نمود. طولی نکشید که ثعلبه ثروتمند شد و جزء دامداران گردید. کم کم از نظر جا برای دامهای او در مدینه مشکل پیدا شد لذا از پیامبر اجازه گرفت تا به خارج از مدینه برود.

او در خارج از مدینه به زیاد کردن ثروت خود مشغول بود. وقتی پیامبر (ص) نماینده ای نزد او فرستاد تا زکات گوسفندان او را بگیرد، ثعلبه امتناع کرد و گفت: چرا پیامبر (ص) سراغ افراد دیگر نمی رود و سراغ من فرستاده است؟

نماینده پیامبر بادست خالی برگشت. ناگاه آیه ای در باره این امتناع ثعلبه و افرادی مانند او نازل شد.. که تقریباً از ارتداد ثعلبه خبر می داد. وقتی این خبر به ثعلبه رسید، گوسفندان خود را برداشت و به مدینه آمد و خدمت پیامبر رفت و گفت: زکات آورده ام! پیامبر فرمود: من نمی توانم از تو زکات قبول کنم! ثعلبه با شنیدن این مطلب شروع به عجز و لابه کرد ولی حضرت زکات او را قبول نمود. بعد از رحلت پیامبر، ثعلبه سراغ ابوبکر رفت و گفت: من زکات آورده ام. ابوبکر گفت: چون پیامبر زکات تو را قبول نکرد، من هم نمی توانم قبول نمایم. ثعلبه بعد از مدتی با حسرت دادن زکات از دنیا رفت!

فرار از جهاد

جهاد

جهاد در حداقل هفده سوره قرآن که عمدتاً مدنی هستند ذکر شده است: 1- بقره 2- آل عمران 3- نساء 4- مائده 5- انفال 6- توبه 7- نحل 8- حج 9- نمل 10- احزاب 11- شوری 12- محمد 13- فتح 14- حدید 15- حشر 16- ممتحنه 17- صف و قریب 400 آیه در مورد جهاد نازل شده است.

«الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظمُ درجۃً عندالله و اولئک هم الفائزون»
یعنی آنان که ایمان آورده و هجرت نموده و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند درجه بالایی در نزد خدا داشته و رستگارند.

«قاتلوا الذین لایؤمنون بالله و لایالیوم الاخر و لایحرمون ما حرم الله و رسوله و لایدینون دین الحق من الذین اتوا الكتاب حتی یعطوا الجزیة عن یدٍ و هم صاغرون»

یعنی بجنگید با کسانی که اهل کتاب بوده ایمان به خدا و قیامت نیاورده و حرام خدا و رسول را حرام نپنداشته و تابع دین حق نمی شوند پس باید جزیه (مالیات به دولت اسلامی) بدهند.

جنگ أُحُد :

جنگ أُحُد در سال سوم واقع گردید. نفرات دشمن، پنج هزار نفر و تعداد یاران پیامبر، هزار نفر بودند. در ابتدا طلحه بن طلحه از میان مشرکین مبارز طلبید. کسی جرأت میدان او را نداشت. علی (ع) پیش آمد و با او مبارزه نمود و او را کشت. در این موقع پیامبر تکبیر گفت و مسلمانان نیز تکبیر گفتند. سپس برادرش مصعب که علمدار مشرکین بود به میدان آمد که او هم بدست علی (ع) کشته شد. بعد عده زیادی از قبیله بنی عبدالدار پرچم را گرفته و سپس کشته شدند. در این هنگام از دشمن غلامی بنام صوآب که در بزرگی جثه مثل گنبد بود و دهانش کف کرده بود و چشمانش سرخ مانند دو کاسه خون بود، مبارز طلبید. کسی از مسلمانان جرأت نکرد به جنگ او برود. علی (ع) بر او حمله کرد و او را کشت. سپس مسلمانان بر دشمن هجوم آوردند و کفار را وادار به عقب نشینی نمودند. مسلمانان مشغول جمع آوری غنیمت شدند و کمانداران مسلمان کوه عینین بادیدن این صحنه محل تنگه را ترک کردند و برای جمع آوری غنیمت خود را به میدان جنگ رساندند. گروهی به فرماندهی خالد بن ولید از این فرصت استفاده کرده و کوه را دور زده و از پشت به مسلمانان یورش بردند. پرچم مشرکین دوباره بالا رفت. دشمنان در حال فرار نیز چون پرچم خود را دیدند و برگشتند. از طرفی شخصی صدازد: محمد کشته شد! مسلمانان از این خبر دچار وحشت شدند و عقب نشینی و فرار نمودند. پیامبر تنها ماند و فقط چند نفر از او محافظت می کردند. از جمله علی مرتضی که دشمن از هر طرف به پیامبر حمله می کرد، علی (ع) آنرا دفع می نمود. تا آنکه نود زخم و جراحت بر بدن علی (ع) وارد شد. فداکاری علی (ع) طوری اعجاب انگیز بود که جبرئیل در آسمان ندا کرد: لا فتی الا علی ولا سیف الا ذو الفقار. «منتهی الامال»

شجاعت علی (ع)

بعد از رسول خدا (ص) احدی به شجاعت علی (ع) نمی‌رسد و شجاعت او از عجایب روزگار بوده است. ترس ذره‌ای در وجود او نبود و در سنین بین بیست تا بیست و پنج سالگی آن چنان بینی شجاعان عرب را بر خاک مالید که حتی ملائکه آسمانها هم از شجاعت او تعجب می‌نمودند. ضربات او کشنده بود و کسیکه ضربه‌ای از علی (ع) می‌خورد دیگر زنده نمی‌ماند. اگر بر بالای شخص می‌زد، تا دنداننش را می‌شکافت و اگر بر کمر می‌زد او را دو نیم می‌نمود.

او در هیچ جنگی زره نیست و می‌فرمود: من هیچگاه در جنگ فرار نکرده‌ام تا محتاج زره باشم. و می‌فرمود: هزار بار با شمشیر کشته شدن برایم بهتر از مردن در بستر است! ابن ابی الحدید گوید:

پادشاهان فرنگ و روم صورت آن حضرت را در عبادتخانه‌های خود داشتند. و شمشیری را با خود حمایت می‌نمودند که نام او بر آن منقش بود و پادشاهان دیلم صورت حضرت را بر شمشیرهای خود می‌کشیدند و برای پیروزی در جنگ، بر شمشیرهای آلب ارسلان و پسرش، ملک‌شاه سلجوقی، صورت آن حضرت منقش بود. «از کعبه تا محراب»

صفیه

«صفیه، عمه و دختر خاله پیامبر و دختر عبدالمطلب و مادر زبیر از زنان بسیار باصلابت و شجاع بود که در مکه به اسلام گروید و در راه اسلام، استوار ماند. از جمله فضائل او: در جنگ احد، نیزه‌ای بدست داشت و با آن راه را بر مسلمانانی که فرار می‌کردند، می‌بست و آنان را سرزنش می‌نمود که چرا پیامبر (ص) را تنها می‌گذارند...»

او که برای پرستاری از مجروحین اسلام در جنگ حضور داشت، او وقتی دید پسرش دارد فرار می کند گفت اگر بروی شیرم را حلالیت نمی کنم. پسر برگشت و مشغول جنگ با کفار شد و بشهادت رسید و خود زن هم عمود خیمه و سپر بدست گرفته از رسول خدا (ص) دفاع می نمود.

یکی از واجبات جهاد در راه خداست. گاهی جهاد بصورت دفاع و حضور در جبهه های نبرد حق علیه باطل است و گاهی بصورت حمله به مناطق کفر نشین است که این امر مربوط به امام معصوم و در زمان حضور امام معصوم (ع) تحقق می پذیرد ولی در زمان ما بصورت دفاع از کیان اسلام و مملکت اسلامی تبلور دارد. نمونه آن هشت سال دفاع مقدس بود که بسیاری از جوانان و پیران در این جهاد شرکت کردند و به فیض شهادت رسیده یا جانباز شدند و یا با جان و مال خود از دفاع اسلامی پشتیبانی نمودند.

اصطلاح «جهاد فی سبیل الله» بجای قتال و حرب و نزاع و مخاصمه اصطلاح پر معنایی برای مبارزات مسلمانان است. جهاد یعنی کوشش و تلاش. و این معنا شامل هم جنگ می شود و هم مبارزات دیگر را. و با سبیل الله ماهیت جهاد مشخص می شود که فرق سایر جنگها با جهاد مسلمانان در این است که هدف از جهاد مسلمین خداوند است و لا غیر. ولی جنگهای دیگران بر اساس اهداف مادی و یا غیر مادی مثل میهن پرستی استوار می باشد.

یکی از انگیزه های جهاد این است که خدا در قرآن اجازه نامه ای برای ستمدیدگان صادر کرده تا با ستم مبارزه کنند و با یاری خدا پیروز شوند:

«أذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علیٰ نصرهم لقدیر. الذین اخرجوا من دیارهم بغیر حق الا ان یقولوا ربنا الله.»

یعنی به مظلومین اجازه جهاد داده شده و خدا می تواند آنان را پیروز کند. آنکه از سرزمینشان به غیر حق به جرم گفتن اینکه خدای ما الله است، اخراج شدند.

همچنین برای نجات ستمدیدگانی که در دولتهای استبدادی زیر ستم هستند و از مسلمین کمک می خواهند جهاد انجام می شود:

«وما لکم الا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية اهلها و اجعل لنا من

لدنک و لیا و اجعل لنا من لدنک نصیرا»

یعنی چرا در راه خدا و بخاطر مردان و زنان و کودکان ستم دیده به جهاد بر نمی خیزید. مردان و زنان و کودکانی که می گویند: خدایا! ما را از کشوری که

صاحبانش بیدادگرند بیرون آور و رهائیمان بخش و از جانب خود ما را پیشوایی فرست و مددکاری روانه ساز.

برای اینکه مسلمانان از همه تعلقات جدا شوند و با تمام وجودشان برای خدا بجنگند خدا با آنان معامله می کند:

«ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله و يقتلون و عدداً عليه حقاً في التورات والانجيل و القرآن و من اوفى بعهد من الله فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به و ذلك هو الفوز العظيم»

براستی خدا از مؤمنان جان و اوالشان را خریده به این بها که بهشت برایشان باشد، در راه خدا بجنگید پس بکشند و کشته شوند. وعده ای راست است بر عهده او در تورات و انجیل و قرآن و چه کسی به عهد و قرار خویش از خدا فداکارتر است؟ بنابراین مژده گیرید و شاد باشید از معامله با خدا و این همان رستگاری عظیم است.

در جهاد درسهای بزرگی به مسلمین آموخته می شود:

در جنگ احد عده ای از کمانداران بر خلاف دستور رسول خدا (ص) برای جمع آوری غنیمت پُست خود را ترک کردند و دشمن هم از این موقعیت استفاده کرد و از پشت سر مسلمین وارد کارزار شد و باعث شکست مسلمانان شدند.

درس «صبر و پایداری» از درسهای مهم جهاد است:

«الصابرين في البأساء و الضراء و حين البأس اولئك الذين صدقوا و اولئك هم المتقون»

آنانکه در سختیها و ناراحتیها و در جنگ صبور هستند راستگو بوده و با تقوا می باشند.

صبر در جهاد باعث می شود که هر یک مسلمان برابر ده کافر و با تخفیف برابر دو کافر قرار گیرد و پیروز شود:

«يا ايها النبي حرّض المؤمنین على القتال ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مأتین و ان یکن منکم مائة یغلبوا الفاً من الذین کفروا بانهم

قوم لایفقهون. الان خفف الله عنکم و علم ان فیکم ضعفا فان یکن منکم مائة صابرة یغلبوا مأتین و این یکن منکم الف یغلبوا الفین باذن الله والله

مع الصابرين»

ای پیامبر! مؤمنین را بر جهاد تحریک کن که اگر شما بیست تن صبور باشید بر دویست تن و اگر صد تن باشید، بر هزار کافر پیروز می شوید. زیرا کافران درک ندارند. الان خدا به شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعف است پس اگر شما صد نفر صابر باشید بر دویست کافر و اگر هزار نفر صابر باشید بر دو هزار کافر غلبه می یابید به اذن خدا و خدا با صابران است.

اسلام برای مجاهدان در راه خدا، مقام بالایی در نظر گرفته است:

«لا یتوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر والمجاهدون فی سبیل الله باموالهم وانفسهم فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً درجات منه و مغفرة و رحمة و كان الله غفوراً رحیماً»

یعنی مؤمنین جهاد نکرده جز بیماران با آنانکه با مال و جانشان جهاد کرده برابر نیستند. خدا کسانی را که با مال و جانشان جهاد می کنند برتری و رتبه داده است. پاداش بزرگی که عبارتست از درجات بالا و آمرزش و رحمت و خدا آمرزنده مهربان است.

اسلحه مجاهد هم مورد توجه اسلام قرار دارد و ارزشمند است:

رسول خدا(ص): «الخبیر کلّه فی السیف و تحت ظلّ السیف ولا یقیم الناس الا السیف و السیوف مقالید الجنّة والنار»

یعنی همه در اسلحه است و زیر سایه اسلحه است و جز اسلحه چیز دیگری نمی تواند مردم را برپا نگه دارد و اسلحه ها کلیدهای بهشت و جهنم هستند. عثمان بن مظعون به رسول خدا(ص) گفت دوست دارم به جهانگردی یا کوه نشینی بروم. فرمود: ای عثمان! این کار را نکن که سیاحت و جهانگردی امت من سفر جنگی و جهاد است.

کسانی که در جهاد کشته می شوند با کشته شدگان جنگهای دیگر فرق دارند:

«و لا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون. فرحین بما آتاهم الله من فضله و یتبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و لا هم یحزنون.»

کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده نپندارید. حقیقتاً آنان زنده‌اند

و در نزد پروردگارشان روزی می‌خورند. دلشاد از نعمتهای خدا و زبان گشوده به مژده کسانی که هنوز شهید نشده‌اند که ترسی بر اینان و اندوهی بر آنها نخواهد بود.

رسول خدا (ص) خود از آرزوی شهادت این چنین خبر داد: سوگند به آنکه جانم در دست اوست که دوست می‌دارم در راه خدا کشته شوم بعد زنده شوم و دوباره کشته شوم بعد زنده شوم و دگر بار کشته شوم.

جهاد همگانی است و حتی زنان باید به جهاد شرکت داشته باشند که ابتدا از آنان در پرستاری و سقایی و تدارکات استفاده می‌شود ولی اگر نیروی مردان کافی نبود زنان هم باید سلاح بگیرند و دفاع و جهاد نمایند.

جهاد از دیوانگان برداشته شده است زیرا چنین اشخاصی برای خود تکلیفی احساس نمی‌کنند و قدرت عقلی برای انجام وظیفه ندارند:

«رسول خدا (ص): لا دین لمن لا عقل له»

پیامبر فرمود کسیکه عقل ندارد دین هم ندارد.

اقسام جهاد

جهاد دارای اقسامی است که غالباً جنبه دفاعی دارد و در قرآن بنام جهاد یا قتال ذکر شده:

- 1- دفاع از کیان و نوامیس اسلام در مقابل دشمنی که قصد برانداختن اساس دین و جایگزین کردن کفر را دارد.
- 2- دفع دشمن مهاجم بر جان و عرض مسلمین یا بر سرزمینهای اسلامی که قصد نابودی اسلام را ندارد ولی اموال و نفوس و اعراض یا اراضی مسلمین را هدف گیری کرده است.
- 3- دفاع از مسلمانان که در یک منطقه با کفار درگیرند و بیم غلبه کفار می‌رود.
- 4- اخراج دشمن اشغالگر که به هرنحوی بر سرزمینهای اسلامی یا عقاید آنان تسلط یافته است که رفع سلطه بیگانگان و بازگرداندن عزت و استقلال مسلمین واجب است

5- جهاد با کفار جهت ترک عقاید کفرآمیز و گرایش به اسلام که این در زمان حضور امام معصوم (ع) انجام می گیرد.

اهداف جهاد

اهدافی را که قرآن در موارد مختلف برای جهاد بیان فرموده از این قرار است:

1- دفاع «قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم»

2- دفع فتنه «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه»

3- تثبیت حاکمیت الله «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه و یكون ادين كله لله»

4- ذلیل کردن دشمنان اسلام «قاتلوا الذین لایؤمنون بالله و لایالیوم الاخر و لایحرمون ما حرم الله و رسوله و لایدینون دین الحق من الذین

او تو الکتاب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صاغرون»

5- جلوگیری از فساد بر روی زمین «ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض»

6- جلوگیری از نابودی عبادتگاهها «و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد»

7- استقرار حق و نابودی باطل «لیحق الحق و یبطل الباطل ولو کره المجرمون»

8- حمایت از مظلوم و جلوگیری از ظلم «و مالکم لاتقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان»

شُرک به خدا

بزرگترین گناه که قابل آمرزش نمی باشد، شرک است. شرک به معنای قراردادن شریک و هم‌تا برای الله است. نیم اول کلمه توحید (لااله الا الله) است. یعنی نیست خدایانی مگر الله.

انواع شرک:

1- شرک ظاهر: این نوع شرک در میان بت پرستان، مسیحیانی که معتقد به تثلیث (پسر، پدر و روح القدس)، یهودیانی که اعتقاد دارند که عزیز پس خداست. و کسانی که اعتقاد به دو خدای نور و ظلمت هستند... (واذ قال لقمان لابنه و هو يعظه يا بُنَيَّ لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ) لقمان 13
 لقمان پسرش را نصیحت کرد و گفت: شرک نورز که شرک، ظلمی بزرگ (بخود) است.
 (وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ إِنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ) توبه 3
 اعلامی از طرف خدا و رسول در روز حج عظیم است که خدا و رسول از مشرکین بیزار هستند.
 (واعبدوا اللَّه ولا تشركوا به شيئاً) نساء 36
 خدا را عبادت کنید و شریکی برای خدا نگیرید.

2- شرک خفی:

این نوع شرک در افرادی است که کلمه توحید بر زبان دارند ولی بعضی اعمالشان شرک آمیز است.
 از جمله این افراد: الف - بخیل و ریاکار که اعمالشان چون برای هوای نفس است مثل اینکه اعمالشان را برای ستایش مردم و یا مال دنیا انجام می دهند و در حقیقت هوای نفس را می پرستند. ب - کسانی که رفع گرفتاری خود را در مخلوقات می بینند.

(وما يؤمن اكثرهم الا و هم مشركون) يوسف 23

اکثرشان ایمان نمی آورند مگر اینکه مشرک هستند!

امام ششم (ع) در تفسیر این آیه فرمود: منظور مؤمنینی هستند که می گویند: اگر فلانی نبود از بین رفته بودم! یا اگر فلانی نبود بدبخت می شدم!

راوی پرسید: پس اگر شخصی به انسان کمک کرد چه بگوید؟ فرمود: بگوید اگر خدا فلانی را واسطه نمی کرد و بدست فلان شخص کار مرا حل نمی کرد مثلاً بدبخت می شدم. «خوبیها و بدیها»

ج - وابستگی به طاغوتها:

کسانیکه مستکبرین را عبادت می کنند یعنی از آنها اطاعت کرده و پیرو آنها می باشند اگر چه به زبان شهادتین بگویند، دچار شرک خفی می باشند. (الم تر الی الذین یزعمون أنهم آمنوا بما أنزل الیک و ما أنزل من قبلک یریدون أن یتحاکموا الی الطاغوت و قد أمروا أن یکفروا به) نساء 60

آیا نمی بینی کسانی را که خیال می کنند که به آنچه بتو و پیامبران قبل نازل شده ایمان دارند حال آنکه در احکام خود به طاغوت مراجعه می کنند در حالیکه به آنها امر شده بود که به طاغوت کافر باشند.

د - اطاعت از راهبان و بدعتگزاران: افرادی که از بدعتگزارانی که حلال الهی را حرام و حرام الهی را حلال می کنند، تبعیت کنند نیز شرک خفی دارند.

(اتخذوا احبارهم و رهبانهم ارباباً من دون الله) توبه 31

از راهبان و عالمان خود اطاعت کرده ولی از خدا اطاعت نمی کنند.

امام ششم (ع) فرمود: آنها راهبها را عبادت نمی کردند حتی اگر راهبها از آنها این تقاضا را می نمودند ولیکن از راهبها در تبدیل حلال الهی به حرام و حرام الهی به حلال تبعیت می نمودند.

سرانجام مشرکین:

1- ازدواج با آنها حرام است (ولا تنکحوا المشرکات حتی یؤمننّ و لایمؤمنه خیر من مشرکه ولو اعجبتکم*) بقره 221

یعنی با زنهای مشرک ازدواج نکنید مگر ایمان بیاورند و هرآینه کنیز مؤمنی از یک زن آزاد مشرک بهتر است اگر چه آن زن مشرک باعث تعجب شما شود (بخاطر زیبایی یا ثروت)

2- مشرکین انسانها را به جهنم می خوانند ولی خدا انسان را به بهشت می خواند (اولیک یدعون الی النار واللّه یدعوا الی الجنة) بقره 221

یعنی مشرکین شمارا به جهنم دعوت می کنند ولی خدا شمارا به بهشت دعوت می نماید.

3- همه گناهان قابل بخشایش است مگر شرک (انّ الّه لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء و من یشرک باللّه فقد افتری اثماً عظیماً) نساء 48

یعنی خدا شرک را نمی آمرزد ولی کمتر از شرک را می بخشد اگر بخواهد و هر که مشرک باشد گناه بزرگی را نسبت داده است.

مأیوس شدن از رحمت الهی

از موانع سر راه موفقیت انسانها، مأیوس شدن از رحمت الهی است. اگر چه گناه بد است ولی از آن بدتر این است که خیال کنیم دیگر راه برگشت و اصلاح برایمان وجود ندارد. درحالیکه انسان تا زنده است فرصت جبران و توبه کردن را دارد.

«پیامبر(ص) فرمود: هر که یکسال قبل از مردنش توبه کند، توبه اش قبول است. سپس فرمود: یکسال زیاد است. کسیکه یکماه قبل از مردنش توبه کند، توبه اش قبول است. سپس فرمود یکماه زیاد است! اگر یک هفته بلکه یک روز و بلکه یکساعت قبل از مردنش توبه کند، توبه او پذیرفته می شود.»

مواز قالوا بلی تشویش دارم گنه از برگ و باران بیش دارم

اگر لاتقنطوا دستم نگیردمواز یا ولنا اندیش دیرم «باباطاهر»

توبه کمر شیطان را می شکند. و او را ناامید می کند. توبه چراغی است که هیچگاه خاموش نمیشود و در تاریکیهای گناه و انحراف، انسانها را به نور و پاکی رهنمون می سازد. توبه کنندگان محبوب خدا هستند و پاداش جوان توبه کننده مانند پاداش حضرت یحیی (ع) است.

جوانیکه بد لایلی مدتی را در انحراف بسر برده است، هر زمان که بخود آمد می تواند و باید برگردد و خود را نجات دهد. زیرا خداوند توبه پذیر است. و دوست دارد که بندگانش را از تاریکی به نور هدایت کند.

توبه محدودیتی ندارد و هرچقدر انسان گناه کند باز هم فرصت توبه است و هرچقدر گناه بزرگ باشد باز هم می تواند جبران و توبه کند.

به داستان زیر توجه کنید:

توبه کسیکه صد نفر را کشته بود!

در زمان قدیم شخصی در جنگهای مختلفی که با قبیله مقابل انجام داد افرادی را بقتل رساند. روزی با خود حساب کرد و دید تا آنروز 99 نفر بدست او کشته شده اند. او تصمیم به توبه گرفت. لذا از مردم پرسید که کجا می توان توبه کرد؟ او را به خانه عابدی که در کوه زندگی می کرده هدایت کردند. او عابد را پیدا کرد و گفت: من تاکنون 99 نفر را کشته ام. آیا برای من توبه است؟ عابد گفت: خیر زیرا گناه تو بسیار سنگین و غیر قابل بخشش می باشد و تو جهنمی هستی! او ناراحت شد و گفت: حال که مرا مأیوس کردی، تو راهم می کشم! و عابد راهم بقتل رساند. سپس بشهر آمد و پرسید: دیگر کجا می توان توبه نمود؟ گفتند: خانه عالم در فلان

محل است به آنجا برو شاید تورا کمک کند. او بدرخانه عالم رفت و وقتی او را دید داستان خود را تعریف کرد. عالم گفت: برای تو توبه است ولی چون گناهت بسیار بزرگ است باید به فلان شهر بروی و بدست فلان پیامبر توبه کنی! او از عالم تشکر کرد و بار سفر را بست. در بین راه اجل او رسید و از دنیا رفت. هر گاه شخصی بمیرد اگر از خوبان باشد دو فرشته رحمت روح او را بالا می‌برند و اگر از بدان باشد دو فرشته غضب روحش را می‌برند. این مرد که مُرد هم فرشتگان رحمت آمدند و هم فرشتگان غضب و این دو با هم نزاع کردند. فرشتگان رحمت گفتند ما باید روحش را بالا ببریم زیرا او در راه توبه بوده است! و فرشتگان غضب گفتند ما باید روحش را ببریم زیرا او 100 نفر را کشته و هنوز توبه نکرده است. حکمیت نزد خدا بردند. خدا وحی کرد که ببینید به پیامبر نزدیکتر است یا به محل کشته شده‌ها! اندازه گرفتند و دیدند که یک‌و‌چوب به پیامبر نزدیکتر است! لذا فرشتگان رحمت، روحش را بالا بردند.»

گناه بنده نادم ز فعل نامرضی اگر بزرگ‌تر از عالم است و مافیها

فتد به معرض عفو غفور چون شویده به آب توبه رخ معصیت نمای رضا «محتشم کاشانی»

«قل یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا» زمر 53

بگو ای بندگان گناهکارم! از رحمت الهی مأیوس نشوید که خدا همه گناهان را (در صورت توبه) می‌آمرزد.

«شخصی نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: راههای توبه را بمن یاد بدهید! فرمود: هر گوینده لاله الا الله که توبه کند، خدا بهشت را بر او واجب فرماید. پرسید: حتی اگر زنا کرده باشد یا دزدی نموده باشد؟ فرمود: آری! و هر که زنا و دزدی نموده باشد. و این را سه بار فرمودند.»

توبه لواط کننده پذیرفته شد!

«مردی نزد امیر مؤمنان (ع) آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! من لواط کرده‌ام! مرا پاک نما!

امام فرمود: برو شاید در حال طبیعی نباشی!

مرد رفت و فردا آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! من لواط کرده‌ام! مرا پاک نما!

امام مجدداً فرمود: برو شاید در حال طبیعی نباشی!

روز سوم آمد و گفت: ای امیرمؤمنان! من لواط کرده‌ام! مرا پاک نما!

امام فرمود: برو شاید در حال طبیعی نباشی!

روز چهارم آمد و گفت: ای امیرمؤمنان! من لواط کرده‌ام! مرا پاک نما!

امام فرمود: ای مرد! رسول خدا (ص) درباره امثال تو یکی از سه حکم را صادر کرده است. هر کدام را می‌خواهی انتخاب کن! وارد کردن ضربه شمشیر بر گردنت. یا پرت کردن از کوه با دست و پای بسته. یا سوختن بوسیله آتش.

مرد گفت: کدام سخت‌تر است؟ فرمود: سوختن با آتش. گفت: منم این را انتخاب می‌کنم.

امام فرمود: پس خودت را برای اجرای حکم آماده کن.

مرد مشغول نماز شد و بعد از دو رکعت نماز گفت: خدایا! من از این گناه می‌ترسم و بسوی جانشین رسولت آمدم و او یکی از این سه حکم را برایم گفت و من سخت‌تر را انتخاب کردم. خدایا! این مجازات را کفاره گناهم قرار بده! و در آخرت مرا به آتش نسوزان. سپس در حالی که گریه می‌کرد، بلند شد و در گودال آتشی که برایش آماده کرده بودند، داخل شد.

علی (ع) به گریه افتاد و اصحاب هم همگی به گریه افتادند. سپس علی (ع) فرمود: بیرون بیا که ملائکه را به گریه انداختی. خدا توبه تو را پذیرفت. بیرون بیا و دیگر این کار را نکن.»

ای خدا! ای صاحب فضل عمیم بگذر از جمیع گناهان ای کریم

چون که غرق بحر عصیانیم مامستحق خشم و نیرانیم ما

و عده فرمودی پذیری توبه را هم پیامری گنه را با خطا

گردل و دامن، مرا بی عفت است! باز، ایمانم عجین فطرت است

تو کریمی تو رحیمی هم عزیز ما ذلیلیم آبروی ما مریز

گر به لطف خویش از ما بگذری این نباشد غیر رسم مهتری

کھتران هر چند حرمت بشکنند مهتران بر کھتران رحمت کنند

نیستم گر لایق عفو و کرم نیکی ام می بخش کز بد بگذرم یکی از درهای رحمت خداوند رحیم، باز گذاشتن در توبه است. انسانهای گناهکار تا زنده هستند فرصت بازگشت و نجات خود را دارند. چه گناهان بزرگ و چه گناهان کوچک. چه برای کسیکه گناهان کمتری انجام داده است. و چه کسیکه مدتهای زیادی را به گناه مشغول بوده است.

«بزرگترین گناه، شرک به خداست و بعد از آن مأیوس شدن از رحمت خداوند است.»

وقتی انسان توبه می کند، خدا از او راضی می شود بیشتر از خوشحالی کسیکه اثاثش را گم کرده سپس بعد از مدتی آنرا پیدا می کند.

من منفعل که پیش از دو جهان گناه دارم بیچهره روی، عذر گویم که رخ سیاه دارم

من اگر گناهکارم تو به عفو کار خود کن که زبان توبه گوی و لب عذر خواه دارم

منم آن که یک جهان را ز غمت برباد دادم تو قبول اگر نداری دو جهان گواه دارم «محتشم کاشانی»

عاق والدین

یکی از بزرگترین گناهان کبیره، ناراحت کردن پدر و مادر است.

اذیت رساندن و حتی نگاه با خشم به پدر و مادر نمودن باعث خشم خداوند می شود. در روایت است که اگر با عصبانیت به والدین نگاه کنید حتی اگر آنها به او ظلم کرده باشند، باعث عدم قبولی نماز می شود.

«ابامهزم گوید که شبی از حضرت باقر (ع) خدا حافظی کردم و با مادرم به منزل مان می رفتیم. در راه با مادرم دعوا مان شد و من به او تندی کردم. وقتی فردا خدمت امام رفتم ناگاه فرمود: ای ابامهزم! دیشب بین تو و مادرت چه گذشت؟ آیا او تو را در شکمش حمل نمود و از سینه اش تو را شیر نداد و تو را در دامنش بزرگ نمود؟ دیگر این عمل را تکرار نکن.» «بحار ج 74»

گاهی مجازات اذیت کردن والدین در همین دنیا ظاهر میشود.

جوان با نفرین پدرش شد!

روزی علی(ع) در حال طواف بود که صدای التجاء و مناجات و التماس جوانی را شنید. امام از او درباره گرفتاریش سؤال کرد. او گفت: من سالم بودم ولی آنقدر پدرم را اذیت نمودم که او مرا نفرین کرد و من فلج شدم. پدرم تصمیم داشت تا روزی به کنار کعبه بیاید، و برای شفایم دعا کند ولی قبل از این کار، از دنیا رفت. حال من مانده ام این پاهای شل!

امام به او دعای مشلول را یاد دادند که آنرا بخواند. او این دعا را خواند و پیامبر را در خواب دید که حضرت دستی بر پاهای او کشید و او شفا یافت. «مفاتیح الجنان»

«امام چهارم دیدند که نوجوانی بنحو بی ادبانه ای به پدرش تکیه کرده است. بعد از این امام هیچگاه با آن جوان صحبت نکردند تا جوان از دنیا رفت.»

مرحوم کافی و پدر

مرحوم کافی می گفتند: هرگاه پدرم که یک نفر کاسب ساده ای است، به تهران می آید یا من به مشهد می روم، در جلو زن و بچه و برادر و خواهر خم می شوم و مکرر دست پدرم را می بوسم.»

جوان زبانش لال شد!

«روزی پیامبر بر بالین جوانی که در حال احتضار بود، حاضر شد. وقتی شهادتین را به او تلقین نمود، جوان نتوانست زبانش را به شهادتین باز کند و گویا لال شده بود. حضرت، مادرش را خواستند. و از مادرش پرسیدند که آیا از پسرت راضی هستی؟ زن گفت: یا رسول الله! چهار سال است که باو حرف نزده ام!

پیامبر از او خواستند که از فرزندش راضی شود. او هم راضی شد و جوان زبانش باز گردید و شهادتین را جاری کرد و از دنیا رفت»

عاق والدین

«پیامبر (ص): بوی بهشت از مسیر پانصدسال راه بمشام می رسد ولی بمشام عاق والدین نمی رسد.»

قصری که ویران گردید!

«ملا علی کازرونی شبی در خواب دید که قصری با عظمت در باغی

قرار دارد. از صاحب قصر سؤال کرد. گفتند: مال فلان نجار شیرازی است. ناگاه صاعقه ای آمد و قصر را تبدیل به خاکستر کرد.

روز بعد ملا علی کازرونی سراغ نجار رفت و گفت: دیشب چه کار کردی؟ گفت: هیچ! ملاً او را قسم داد. نجار گفت: شب قبل با مادرم دعوا کردم و کار به زدن

و کتک کاری کشید.» «داستانهای شگفت»

سفر غیر ضروری فرزند با مخالفت پدر یا مادر ممنوع بوده و سفر معصیت حساب می شود.

همچنین با پدر و مادر بلند صحبت کردن بی ادبانه، جلوتر از آنان راه رفتن، به آنها اُف گفتن، آنها را تحقیر کردن و.. در اسلام ممنوع است.

«روزی یکی از وزرا با پدرش خدمت امام خمینی (رض) رسید و خود جلوتر رفت و دست امام را بوسید سپس پدرش را معرفی کرد. امام امت به او فرمود: چرا جلوتر

از پدرت راه رفتی؟»

توفیق اجباری در نیکی به والدین

«عید زاکانی از شعرای ایران، چهار پسر داشت که به او که وضع نابسامان مالی داشت، کمک نمی کردند. روزی عید تصمیمی گرفت و پسرانش را جداگانه خواست و به هر کدام گفت: من خمره طلائی پنهان کرده ام که در نظر دارم بعد از مرگم بتو برسد! پسرها با شنیدن این سخن، رفتارشان با پدر عوض شد و همه روزه برای او آذوقه می آوردند.

عید تا آخر عمر زندگی خوشی داشت. اما وقتی بعد از مردن عید به محل خمره رفتند، دیدند که فقط کاغذی در خمره است که بر روی آن نوشته شده است:

خدا داند و من دانم و تو دانی که فلوس هیچ ندارد عید زاکانی! کتاب «ارزش پدر و مادر»

از نظر اسلام چنانچه والدین نیازمند و فرزندان متمکن باشند، واجب است که مخارج پدر و مادرشان را بدهند.

حقوق والدین بر فرزندان فقط مربوط به زمان حیات آنان نمی شود و باید بعد از رحلتشان نیز همواره ب فکر آنان بوده و برای ایام برزخ مرتب آذوقه های معنوی از قبیل نماز قضاء، صدقات، کارهای خیر بنیت آنان و پاک کردن بدهکاریهای آنان فرستاد.

متأسفانه در فرهنگ ما طوری عمل می شود که واجبات فدای مستحبات می گردد. کسیکه از دنیا می رود بجای اینکه واجبات او را که دستش از دنیا کوتاه شده ادا کنند و مخصوصاً حق الناس اگر بر اوست ادا کنند، ب فکر غذا دادن و گاهی خود نمائی های ضرر آور می افتند. چندین روز بستگان عزادار میت سفره می اندازند و پولهایی که گاهی با عدم رضایت قلبی تهیه شده صرف امریکه حتی استجاب آن ثابت نشده می نمایند. گاهی مخارج آنچنان بالاست که تا مدتها زیر بار قرض می روند. حال آنکه در سنت اسلام وارد شده که تاسه روز مردم برای تعزیت و تسلیت به دیدن اقوام میت بروند و موقع غذا که می شود، همسایگان و فامیلهای، برای بستگان درجه اول میت غذا ببرند.

و اگر بخواهند در حق میت خوبی کنند باید ابتدا بدهکاریهای مالی او را پاک کنند. سپس نمازها و روزها و حج هائیکه بعهده داشته بطریقی ادا نمایند. سپس ارث را طبق شریعت اسلام تقسیم نمایند و اگر می خواهند پولی برای او صرف کنند خرج کارهای دائمی مثل چاپ کتب مفید، ساختن مدرسه و درمانگاه و بیمارستان و مسجد و حوزة علمیه و کتابخانه و... نمایند.

امام پنجم (ع): سرور و آقای نیکان در قیامت، شخصی است که

بعد از رحلت پدر و مادرش، نیز به آنان نیکی کرده است - آنان را فراموش ننموده است -.

«شخصی به پیامبر (ص) گفت: نذر کرده ام آستانه بهشت را ببوسم. حال چه کنم؟ فرمود: پای مادر و پیشانی پدر را ببوس تا به نذرت عمل کرده باشی. و اگر از دنیا رفته اند، قبر آنان را ببوس.»

«امام سجاد (ع) به پسرش: دقت کن و بین آیا احدی از انسانها را می توانی پیدا کنی که از نعمت پدر و مادرت برایت مهمتر و بیشتر باشند.»

«در روایات ما از رسول خدا (ص) و علی مرتضی (ع) بعنوان والدین معنوی شیعیان نام برده شده است که اهمیتشان از والدین جسمی بیشتر می باشد.»

خوردن مال یتیم

مال یتیم خوردن برای بعضی عادت شده است در حالی که عذاب آن بزرگ است.

قبض روح سه دسته!

حضرت رسول (ص) به علی (ع) فرمود: سه دسته هستند که عزرائیل، آنها را با میل سرخ کرده از آتش جهنم، قبض روح می کند:

مال یتیم خور! حاکم ستمگر! و کسیکه شهادت به ناحق بدهد! 21

«هرگاه برای امام رضا(ع) سفره می انداختند، امام ابتدا ظرف غذایی برای فقرا می فرستادند و می فرمودند: «فلا اقتحم العقبة» یعنی کسانی از قیامت نجات می یابند که برده آزاد کنند یا به یتیم اکرام نمایند. «منتهی الامال ج 2 ص 463»

حضرت رسول(ص) در روایتی در مورد جهنم فرمودند: 1- در جهنم دیدم که عده ای در مقابلشان گوشت پاکیزه و گوشت مردار است! ولی فقط از مردار می خورند! از جبرئیل عُلّت را پرسیدم. فرمود: اینها در دنیا حرام خوار بوده اند! 2- جماعتی را دیدم که لبهای آنان مانند شتر بود و ملائکه از گوشت پهلوی آنان بریده و در دهانشان می گذاشتند که اینها عیبجو بودند! 3- گروهی را دیدم که سرشان را می کوبیدند که اینها نماز عشاء نمی خواندند. 4- گروهی را دیدم که ملائکه آتش بددهانشان انداخته و از مقعدشان در می آمد! اینها مال یتیم خور بودند. 5- عده ای را دیدم که شکمشان آنقدر بزرگ بود که نمی توانستند، برخیزند! اینها با خوار بودند. 6- عده ای از زنها را به پستانشان آویزان کردن بودند! اینها زنا کار بودند. 7- عده ای را دیدم که با نخ و سوزن آتشین، بدنهایشان را می دوختند! اینها هم زنا کار بودند. 8- مردی را دیدم که می خواست پشتۀ هیزمی را بردارد و نمی توانست! با این حال بر پشتش هیزم می گذاشت! او قرضدار بوده است. 9- زنی را دیدم که به موی سرش آویزان کرده و مغز سرش را می جوید! این زن موی سر خود از نامحرم نمی پوشانده است. 10- زنی را دیدم که به زبانش آویزان کرده بودند! او در مقابل شوهرش زبان درازی می کرده است. 11- زنی را به پاهایش آویخته بودند! این زن بدون اجازه شوهر از خانه بیرون می رفته است. 12- زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می خورد! این زن خود را برای دیگران آرایش می کرده است. 13- زنی را دیدم که پاهایش را بدستهایش بسته بودند و مار عقرب بر او مسلط بودند! او غسلهایش را نمی کرده است. 14- زنی را دیدم که گوشت بدنش را می بریدند! او خود را به مردان عرضه می نموده است. 15- شخصی را دیدم که صورت و بدنش را می سوزانیدند و روده های خود را می خورد! او واسطه زنا بوده است. 16- کسی را دیدم که سرش مثل خوک و بدنش مثل الاغ بود! او سخن چینی می کرده است. 17- کسی را دیدم که صورتش مثل سنگ بود و آتش بر او وارد می کردند! او خواننده و حسود بوده است و...»

ایثار در سه روز

«فاطمه (س) و حسن (ع) و حسین (ع) و فضه سه روز روزه نذری داشتند. روز اول فاطمه (س) تعدادی نان تهیه کرد. اما موقع افطار ناگاه مسکینی در خانه را بصدا در آورد و تقاضای غذا نمود. اهل خانه همه افطاری خود را به او دادند و خود با آب افطار کردند و برای روز بعد روزه گرفتند. روز دوم باز فاطمه (س) مقداری نان تهیه کرد اما موقع افطار یتیمی در خانه را بصدا در آورد تقاضای غذا نمود. اهل خانه مجدداً نانهای خود را به او دادند و با آب افطار نمودند. روز سوم نیز فاطمه (س) مقداری نان تهیه کرد. ولی موقع افطار اسیری در خانه اهل بیت (ع) را بصدا در آورد و تقاضای غذا نمود. اهل خانه غذای خود را به او دادند و خود با آب افطار نمودند. روز چهارم وقتی پیامبر بیدار آنها آمد و مشاهده کرد که رنگ بر صورت حسن و حسین نمانده و اهل خانه دچار ضعف شدند، دستها را بدها برداشت. ناگاه آیات سوره هل اتی نازل شد و خدا از ایثار آنان تعریف نمود:

«و در راه محبت الهی به مسکین و یتیم و اسیر غذا می دهند.» انسان

(هل اتی) 8

«در سوره فجر چهار مورد دنیا طلبی بعنوان مانع عبادت اشاره می کند:

كَلَّابِلٌ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ: شما یتیم را اکرام نمی کنید! وَلَا تَخَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ: یکدیگر را بر اطعام مستمندان تشویق نمی کنید! وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثِ اِكْلًا لَّمَّا: و میراث وارث را جمع کرده می خورید! وَتَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا: و مال و ثروت را بسیار دوست دارید!»

فرشته ای در طواف

گویند عبدالله مبارک پنجاه بار و بقول علامه مجلسی بیست و پنج بار به مکه رفت. در سفر آخر دید که در اطراف شهری دید که زن سیده ای مرغ مرده ای را می برد. عبدالله به این زن گفت خوردن این مرغ مرده حرام است! زن گفت چه کنم که چند فرزند یتیم و گرسنه دارم. این را می برم تا برای آنها غذائی درست نمایم. عبدالله تکانی خورد و عقلش به او گفت که در این حال مکه رفتن نمی ارزد. لذا پول حج را به زن سیده داد و برگشت. دوستانش به حج رفتند و برگشتند

وگفتند ای عبدالله! تو را در حال طواف دیدیم. سپس عبدالله، رسول خدا (ص) را در خواب دید که فرمود به عوض کمکی که به اولاد من کردی از خدا خواستم فرشته‌ای را به شکل شما خلق کرده و هر ساله به نیابت از تو اعمال حج را انجام دهد.
رسول خدا (ص) فرمود هر که بازبان و قلب اولاد مرا دوست داشته باشد، من از او شفاعت می‌کنم.

آداب زندگی در قرآن: «فرزندان خود را از ترس فقر نکشید که ما هم شما و هم آنان را روزی می‌دهیم. کشتن آنها خطاء بزرگی است. و به زنا نزدیک نشوید که فحشا و راه بدی است. و کسی را بناحق نکشید و هر که کشت شد ما به ولی او حق قصاص داده‌ایم. پس در کشتن قاتل از حد نگذرانند. به مال یتیم تا زمان بلوغش هم نزدیک نشوید مگر آنکه بسود یتیم باشد. وفای به عهد کنید که باز خواست خواهید شد. و پیمان را کامل کنید که برای شما بهتر و خوش عاقبت تر است. و از غیر علم پیروی نکنید که گوش و چشم و دل مورد بازخواست واقع می‌گردند. و با تکبر بر روی زمین راه نرو.» اسراء 31 تا 37

بی غیرتی

خداوند از انسانهای غیور راضی است و آنها را دوست دارد و برعکس افراد بی غیرت را از رحمت خود محروم نموده و بهشت را بر آنها حرام کرده است.
«پیامبر (ص): بوی بهشت از مسیر پانصد سال راه بمشام می‌رسد ولی بمشام عاق والدین و دیوث نمی‌رسد. پرسیدند که دیوث کیست؟ فرمود: آنکه می‌بیند بازنش زنا می‌کنند ولی ناراحت نمی‌شود!» بحار 74 ص 69

«پیامبر (ص): هر مردی که زنش زینت کرده بیرون رود، دیوث است! همچنین اگر زن با زینت و عطر زده بیرون برود و شوهرش راضی باشد، هر قدمی که زن برمی‌دارد، برای شوهرش یک خانه در جهنم ساخته می‌شود.» بحار 103 ص 249

«علی (ع) خطاب به اهل بصره: آیا حیا نمی‌کنید؟ آیا غیرت ندارید؟ در حالیکه زنان شما به بازارها می‌روند و جوانان خوش قیافه مزاحم آنان می‌شوند.»
«علی (ع): هر که مطیع زنش باشد، خدا او را با صورت در آتش می‌اندازد. سؤال شد: در چه چیزی اطاعت کتند؟ فرمود: زن در خواست می‌کند که به حمام و عروسی و مجالس عزا برود و لباس نازک به تن نماید. شوهرش هم قبول می‌کند.»

عوامل بی غیرتی

1- رفت و آمد در مجالس فساد و فحشاء

2- استفاده از موسیقی های مبتذل و حرام

«امام صادق(ع): شیطانی است که هرگاه در منزل شخصی چهل روز ساز و آواز باشد و مردان به آنجا رفت و آمد کنند، آن شیطان نزد صاحبخانه رفته و هر عضو خود را به مثل اعضای صاحبخانه می گذارد و در او می دمدمد. بعد از این مرد آنقدر بی غیرت می شود که می بیند دیگران با همسرش زنا می کنند ولی او ناراحت نمی شود.»

3- دیدن فیلمهای زشت و مستهجن

4- غربزدگی و تحسین آزادیهای غربی

«از سوغات تهاجم فرهنگی آنستکه همانگونه که غریبها و آمریکائیهها اکثرآبی غیرت بوده و زنانشان با مردان دیگر رابطه نامشروع دارند، این بی غیرتی به بعضی از افراد روشنفکر و غربزده داخل و خارج از کشور سرایت کرده و آنها را هم بی غیرت نموده و در مجالس پارتی و شب نشینی ها زنان خود را به نمایش می گذارند و کارهای زشت انجام می دهند.»

رباخواری

رسول خدا(ص) فرمود: «هرگاه در بین امتم ده خصلت ظاهر شود، خداوند آنها را به ده چیز کیفر می دهد!

سؤال شد: آنها کدامند یا رسول الله!

فرمود: هنگامی که دعا کم کنند، بلا نازل شود، هنگامی که صدقات را ترک کنند، بیماریها زیاد شود، هنگامی که زکات ندهند، حیوانات بمیرند، هنگامی که حامی ظلم کند، باران قطع شود، هنگامی که زنا زیاد شود، سگته هم زیاد شود، هنگامی که رباخواران زیاد شوند، زلزله هم زیاد شود، هنگامی که خلاف حکم الهی، حکم کنند، خداوند دشمنانشان را مسلط کند، هنگامی که عهد و پیمان را نقض کنند، خداوند آنها را به قتل مبتلا سازد، هنگامی که وزنها و ترازوها را کم بگیرند، خداوند آنها را به قحطی مبتلا سازد.»

231- «اگر معصیت در پنهانی انجام شود، فقط ضررش به صاحبش می‌رسد و اگر در آشکارا انجام شود و کسیا او مخالفت نماید، به همه مردم ضرر می‌رسد.»

قسم دروغ

قسم دروغ ابلیس!

جبرئیل از آدم(ع) پرسید چرا حرف ابلیس را گوش کردی و از درخت ممنوعه خوردی؟ گفت زیرا ابلیس قسم خورد که من خیر شما رامی‌خواهم. و من هم خیال نمی‌کردم که کسی قسم دروغ به خدا بخورد!

ابلیس اولین کسی است که دروغ گفت و قسم دروغ به خدا خورد.

ترک عمدی نماز

بهترین عمل در اسلام، نماز است که خدا فرموده است:

«حافظوا علی الصلوات والصلوة الوسطی و قوموا لله قانتین»

یعنی بر نمازها مواظبت کنید و بر نماز وسطی بیشتر و برای خدا قنوت بگیرید.

نماز ودوری از تکبر

یکی از آثار فردی نماز، دور کردن انسان از تکبر در مقابل پروردگار خویش است. همانطور که حضرت فاطمه(س) در خطبه خویش و بزرگان دین در کلمات خویش به این اثر اشاره نموده‌اند. و اگر اثر نماز فقط در همین یک اثر خلاصه شود برای ارزش و اهمیت نماز کافی است. زیرا تکبر مرض خطرناکی است که متأسفانه بسیاری از افراد را مبتلا نموده است که اکثر آنها از طبقات روشنفکر و مرفه جامعه هستند. بسیاری از اینان همانند عده‌ای از هنرپیشه گان مشهور سینما، عده‌ای از اساتید دانشگاهها و دانشمندان، عده‌ای از ورزشکاران نامی و عده‌ای از سیاستمداران هستند که سالهای زیادی از عمر آنها گذشته است ولی متأسفانه هنوز پیشانی در مقابل خداوند خویش بر زمین نسائیده‌اند!

و منشأ این جز تکبر چیز دیگری نمی‌باشد اگر چه در باطن خویش به وجود پروردگار جهانیان و حقانیت نبی اکرم حضرت محمد(ص) و حقانیت قرآن کریم اعتراف دارند. ولی بخاطر غرور حاضر نیستند که مانند بعضی از همکاران خود، در هنگام نماز، وضو گرفته و به نماز پردازند. اینان باید بفکر درمان این مرض

خطرناک باشند و الا تمامی زحماتی که در عمر خود برای این کشور و مردمش می کشند بر اثر بی‌نمازی برباد رفته و هرگز مقبول در گاه احدیت واقع نمی‌شود زیرا که بزرگان دین فرموده‌اند: در روز قیامت از اولین چیزی که سؤال می‌شود، نماز است که اگر قبول شد، اعمال دیگر هم مقبول شده و اگر نماز رد شد، اعمال دیگر هم رد می‌شوند. و این ضرر و خسران بزرگی ای برای آدمی است.

آن استاد دانشگاه و محقق و پژوهشگری که سالیان متمادی عمر خود را در راه تحقیق و بالا بردن فرهنگ این کشور و در نتیجه عزت بخشیدن به مردم این دیار صرف کرده است، دهها کتاب نوشته است. صدها مقاله بچاپ رسانده است. صدها سخنرانی در جاهای مختلف ایراد نموده است. برای او مجلس تقدیر و تشکر برپا نموده‌اند. مدالهای مختلفی به او اهدا نموده‌اند. در هر شهری که وارد شد، مردم به استقبال او آمده‌اند. دهها نوجوان و جوان امضای او را در دفترچه‌های خود با افتخار ثبت کرده‌اند. اما همین فرد اگر بی‌نماز باشد در نزد خداوند جهانیان ذره‌ای ارزش ندارد و باید در قیامت فریاد بزند: یالیتنی کنتُ تراباً! ای کاش خاک بودن و انسان آفریده نمی‌شدم که اکنون در مقابل خدایم روسیاه و شرمنده باشم و عاقبتم به آتش بکشد!

همچنین آن ورزشکار نامی که در میادین مختلف ورزشی برای کشورش مدال افتخار کسب نموده است. و در هنگام بازگشت از این میادین عده‌ای در فرودگاه حاضر شده و او را بر روی دست بلند نموده و برای او کف زده و ابراز احساسات می‌کنند، برای او دهها پلاکارد نوشته و عکس رنگی او بر جلد مجلات ورزشی و غیر ورزشی با لبخندهای کذایی جلوه گر است، اگر نماز خوان نباشد در نزد ذات مقدس احدیت ذره‌ای ارزش نداشته و یک پشه ضعیف از این آدم نیرومند ولی بی‌نماز بالاتر است!

و آن هنرپیشه‌ای که سالیان سال زحمت کشیده و در فیلمهای مذهبی و غیر مذهبی بازی نموده است. گاهی نقش زکریای پیامبر را و گاهی نقش مالک اشتر را و گاهی نقش شیخ مفید را و گاهی نقش مریم مقدس و دیگر چهره‌های مقدس را بازی نموده است و ساعتی مردم را خوشحال کرده است، اگر بی‌نماز باشد و در مقابل خدای خویش تکبر کند، در پیشگاه او ارزشی و جایی نخواهد داشت اگر چه همه برای او هورا بکشند! عکس او کوچه و بازار را پر کرده باشد! فیلمهای او را با قیمتهای سرسام آور بفروشند! همه از او تعریف کنند! عالم و جاهل ساعتی زیادی را وقت تماشای فیلمهای او بکنند.

و آن سرمایه داری که شاید کارهای خیری انجام داده و مدارسی ساخته و در بنای بیمارستانی نقش داشته و در مسائل مختلف به کشور خود کمک کرده است و مورد تقدیر دولتمردان قرار رفته، اگر بی نماز باشد و در مقابل خدای خویش متکبر! هیچ عملی از او قبول نخواهد شد که انما یتقبل الله من المتقین. همانا فقط اعمال با تقویان قبول می شود.

بنابراین مرض تکبر انسان را از مقام انسانیت به ذره‌ای تبدیل می کند که در قیامت در زیر پای انسانهای محشور شده له می گردد! و شاید خود هم باورش نشود که منی که همه برایم دست می زدند و از من تعریف می کردند به کجا رسیده‌ام که در قیامت هیچ ارزشی برایم وجود ندارد؟ آری آن انسانی که نتواند خالق خود را بشناسد و حاضر نشود در مقابل خدایی که همه نعمتهای این انسان از اوست، سر به سجده بگذارد، شایسته ذلت ابدی است! او باید همچون ابلیس بعنوان اولین متکبر، مطرود و رانده شده از رحمت الهی قرار بگیرد و به عذاب ابدی دچار نشود و همه زحماتش هباء منثوراً بر باد رفته و بی ارزش شود.

خداوند در قرآن خطاب به انسان می فرماید، یا ایها الانسان! ما عرک بر بک الکریم؟ چرا در مقابل خدایت تکبر کمی کنی؟

آیا از یاد برده‌ای که نطفه‌ای غیر قابل مشاهده با چشم عادی بودی؟ سپس در رحم مادرت جا گرفتی و خدا تو را رشد و تربیت نمود تا علقه و خون بسته شدی. سپس مضغه و گوشت جویده شده گردیدی. بعد استخوان و گوشت و پوست و خون و رگ و اعضا جوارحت کامل شد و از شکم مادرت بیرون آمدی و متولد گشتی در حالی که هیچ نمی دانستی؟ ویر هیچ کاری قادر نبودی؟ پس چرا تکبر می کنی؟ تو هم همانند سجده کنندگان بیا و در مقابل خدایت سر به سجده بگذار و بگو: سبحان ربی الاعلیٰ و بحمده. منزّه است خداوند بالا مرتبه و من مشغول حمد او هستم. آنوقت کم کم لذت بندگی را خواهی چشید و رحمت الهی بسویت سرازیر می شود و گاه چنان لذت معنوی احساس می کنی که همانند امام صادق (ع) که فرمود: دور کعت نماز در دل شب در نظر من بهتر از دنیا آنچه در دنیاست، می باشد.

خواندن نماز اولین نشانه از بین رفتن تکبر انسان در مقابل خداوند است. مخصوصاً در نماز جماعتها و در حضور دیگران در یک صف ایستادن. استاد در کنار شاگرد. فرمانده در کنار سرباز. رئیس در کنار مرئوس. عالم در کنار جاهل. وزیر در کنار آبدارچی! پولدار در کنار فقیر! زیبا در کنار زشت! قوی در کنار ضعیف. این حالتی است که باعث عصبانیت ابلیس می شود زیرا او تکبر کرد و از رحمت الهی دور شد اما نماز خوان اطاعت نموده و مشمول رحمت خداوند شده است.

نماز و نشاط و شادابی

یکی از اثرات فردی نماز بر روی انسان، نشاطی است که در نماز خوانانها وجود دارد و این نشاط در افراد بی نماز وجود ندارد. مخصوصاً این نشاط بعد از خواندن نماز در انسان بیشتر جلوه می کند. و یک آرامش و رضایت خاطر به آدمی دست می دهد. البته در محیطها و حالتها مختلف این نشاط و احساس رضایت کم و زیاد می شود. وقتی انسان با حضور قلب نماز می کند و در نماز اشکی می ریزد و مناجاتش با حال است. بعد از نماز آرامش خاصی در خود احساس می نماید. اما اگر نماز را با کسالت و عجله بخواند این نشاط به پایین ترین حد خود می رسد که در بحث مراتب نماز به گوشه این حالات اشاره می شود. اما همه نماز خوانها تصدیق می کنند که بعد از ادای نماز دچار نشاطی می شوند. و این نشاط در سلامت جسم روان آدمی نقش مهمی ایفا می نماید و نبود این نشاط است که باعث افسردگی و اضطراب و ناآرامی می شود که این حالتها در جوامع بی دین و بی نماز بیشتر به چشم می خورد:

در مجله دانستنیها، 62/7/5 آمده است که:

آمریکاییها هر شب بالغ بر سی میلیون قرص خواب آور مصرف می کنند، که اگر طی یک سال این تعداد قرص را روی هم انباشته کنیم حدود 600000 کیلوگرم وزن خواهد داشت.

و این 600 تن قرص برای به خواب بردن تمام مردم جهان به مدت هشت شبانه روز کافی می باشد!

امیر المؤمنین (ع) می گوید: هر وقت که جنگ مغلوبه می شد و اسلام در مخاطره می افتاد، پیغمبر می فرمود: **واستعينوا بالصبر والصلوة. امتی الصلوة الصلوة.**

در همان وسط جنگ و در همان خط مقدم جبهه، پیغمبر پیاده می شدند و اصحاب هم پیاده می شدند و دور کعبت نماز می خواندند. آنها پناه به نماز می بردند و بعد سوار می شدند و می جنگیدند و پیروز هم می شدند.

نماز و کاستن غم و اندوه

نماز در کاهش غم و اندوهها و ناراحتی‌های روحی نیز نقش درمانی دارد. همانطور که در زندگی اولیاء خدا آمده است که در مواقعی که غم و اندوه به آنها هجوم می‌آورد، همانند جنگهایی که دشمن به آنها هجوم گسترده می‌نمود، به نماز پناه می‌بردند.

«روایت شده چون مشکلی برای خانواده رسول خدا (ص) پیش می‌آمد، می‌فرمود: برخیزید نماز بخوانید. بعد فرمود: خدا این گونه به من دستور داده است»
در باره امیرالمؤمنین (ع) داریم که در شهادت زهرا تا غم هجوم به او می‌آورد، دو رکعت نماز می‌خواند. لذا قبل از غسل دادن، دو رکعت نماز خواند. قبل از اینکه زهرا را در قبر بگذارد هم نماز خواند. وقتی که زهرا را در قبر قرار داد و خاک روی قبر ریخت، غم به امیرالمؤمنین (ع) هجوم آورد و دو رکعت دیگر نماز خواند.

«امام صادق (ع): هرگاه برای امیرالمؤمنین (ع) مشکلی پیش می‌آمد، به نماز پناه می‌برد»

«رسول خدا (ص): پیامبران خدا چنان بودند که چون دچار نگرانی می‌شدند، به نماز پناه می‌بردند.»

راوی می‌گوید خدمت امام صادق (ع) آمدم. امام مشاهده کردند که من غمگینم. علت را پرسیدند. گفتم: یک زنی در کوچه راه می‌رفت که ناگاه به زمین خورد. در این حال گفت: خدا لعنت کند قاتلین تو را ای فاطمه زهراء .

تا این حرف را زد، مأمورین او را گرفتند و با کتک بردند. امام فرمودند بلند شو دو رکعت نماز بخوانیم. به مسجد رفتیم و دو رکعت نماز خواندیم. امام از خدا خواستند که این زن نجات پیدا کند. طولی نکشید که خبر آوردند این زن را با احترام رها نموده‌اند.

نماز و برطرف شدن خطر

در هنگامی که خطری متوجه انسان می‌شود، باید علاوه بر عکس العمل مناسب، به نماز روی بیاورد. و گاهی هیچ راهی جز روی آوردن به نماز برای انسان وجود ندارد.

راوی می‌گوید که منصور دوانقی در وقتی غضبناک شد و تصمیم به قتل امام صادق (ع) گرفت. لذا امام را احضار نمود. هنگامی که امام به در قصر او رسیدند، امام به من (راوی) فرمود: صبر کن تا دو رکعت نماز بخوانم. وقتی امام نماز خواندند و نزد منصور رفتند. منصور اول عصبانی بود ولی بعد بصورت یک آدم متملق درآمد و امام را با احترام به منزلش برگرداند.

در زندگی علماء زیاد شنیده شده که در مواقع بحرانی و خطر به نماز روی می آوردند. از جمله وقتی حکم کشتن ملاطهر قمی از سوی شاه طهماسب صفوی صادر شد و مأمور جلاد با دست خط شاه نزد ملاطهر رفت. قبل از اجرای حکم شاه، ملاطهر مشغول نماز شد، و یک نماز طولانی را شروع کرد. ناگاه حکم دیگر شاه مبنی بر دستگیری ایشان و رفتن نزد شاه با اطلاع ملاطهر رسید. و هنگامی که او را نزد شاه بردند، سخنانی بینشان رد و بدل شد و عاقبت با صحت و سلامت از کاخ شاه بیرون آمد.

نماز و رفع مشکلات خانوادگی

بسیاری از طلاقها و جدایی‌ها و مشکلات خانوادگی با بی‌نمازی ارتباط دارد. مثلاً خانمی در مجلس زنانه گریه می‌کردند و می‌گفتند بعد از دو ماه که به خانه شوهر رفتم بیوه شدم. زیرا فهمیده‌ام که شوهرم معتاد است!

اگر این مورد را ریشه‌یابی نمائیم می‌بینیم که در هنگام خواستگاری شوهر از این زن، خود زن و خانواده‌اش به مسئله نماز مرد توجهی نداشتند بلکه بیشتر به خصوصیات مادی و مسائل رفاهی و درآمد او دقت نمودند و چون از این جهت خیالشان راحت شد به او جواب مثبت دادند. اما بعد از دو ماه این خوشیها تمام شد و حال باید سالهای طولانی را با این مشکل دست به گریبان بشوند. در حالی که وقتی شخصی خدمت باقر (ع) رفت و گفت برای دخترم خواستگار آمده است. آیا دختر به او بدهم؟ امام فرمود اگر از **دین** و اخلاق او راضی هستی بده. و دیگر نفرمود وضع مالیش چطور است؟؟

«امام رضا (ع): اگر مؤمنی به خواستگاری دختری برود و پانصد درهم جهت مهر پیشنهاد کند ولی آنان بیشتر بخواهند و این مقدار را نپذیرفته به او دختر ندهند، بر او ستم کرده و خداوند پدر آن خانواده را از حورالعین محروم می‌کند»

«وامر اهلک بالصلوة واصطبر علیها» طه 132

یعنی خانواده ات را امر به نماز نما و بر این مسئله مداومت کن.

مسئله نماز از مهمترین نشانه‌های تربیت صحیح است. در خانه‌ای که والدین نماز خوانده و تا کودک به سن بالا برسد مرتب او را به خواندن نماز امر می‌نمایند، امید به هدایت و سعادت فرزند هزاران بار بیشتر است تا خانه‌ای که اگر چه پدر و مادر خود اهل نمازند ولی فرزندان خود را رها کرده‌اند و با اصطلاح

آنان را آزاد گذاشته‌اند تا خودمسیر درست را انتخاب نمایند و این بزرگترین اشتباه سرپرست خانواده‌است که نوجوانی را که اصلاً نمی‌تواند خیر و صلاح خود را تشخیص دهد و از طرفی نماز زحمتی برای اوست، آزاد بگذارند به این امید که روزی برسد که خود نوجوان به نماز گرایش پیدا کند! خداوند در قرآن کریم به پدران دستور می‌دهد که خود و خانواده‌خود را از جهنم نجات دهید:

«یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم نارا وقودها الناس والحجارة»⁶ تحریم

ای مؤمنین! خود و خانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید.

«رسول‌خدا(ص): در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین دهید و در ده سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت گرفته شود و حتی آنان را با زدن هم شده به نماز وادار کنید.»

اهمیت شرکت در نماز جمعه و جماعت و مراسمات دینی به‌مراه فرزندان

پدرانی که خود در مجالس معنوی شرکت می‌کنند و فرزندان خود را نیز به‌مراه می‌برد، می‌تواند امیدوار باشد که آینده فرزندان، از نظر دوری از انحرافات اخلاقی، آینده سالمی خواهد بود. ولی پدرانی که خود هیچگاه پا به مسجد و عبادتگاه الهی نگذاشته‌اند و غرورشان اجازه نمی‌دهد که در مقابل پروردگارشان سجده نمایند، چگونه امید دارند که فرزندان خوبی و سالمی تربیت کنند؟ مسجد محلی است که در آن انسانهای والا تربیت می‌شود.

مسجد سنگر اسلام است. مسجد محل ملاقات مؤمنین و وحدت و صمیمیت آنان است. اگرچه گاهی افراد منافق هم در مسجد پیدامی‌شوند یا افرادی که از شرکت در مسجد مقاصد شومی را در ذهن دارند ولی اکثر نمازگزاران کسانی هستند که بدون قصد دنیایی و فقط برای اطاعت از خدایشان در مسجد و مراسمات مذهبی حضور پیدامی‌کنند و خداوند هم طبق وعده‌هایی که داده است در دنیا و آخرت از آنان حمایت می‌کند:

«ان الله یدافع عن الذین آمنوا»³⁹ حج

خداوند از مؤمنین دفاع خواهد کرد.

نماز ودوری از مفسد اجتماعی

از جمله آثار فردی نماز، دور کردن آدمی از مفسد اخلاقی است.

افراد نماز خوان معمولاً از اعتیاد و مجالس فساد و دوستان ناباب و مسائل انحرافی دیگر دور هستند و دچار آسیبهای آنهانی میشوند. زیرا انسانی که بوسیله نماز با خداوند ارتباط برقرار می‌کند. گاه در نماز خود را در مقابل سلطانی مقتدر و دانا می‌بیند که بر همه چیز او مطلع است. و از همه کارهای او خبر دارد. خدایی که به او نعمتهای فراوانی داده است و در مقابل گناهان احتمالی او حلم ورزیده و او را عذاب ننموده است، در مقابل این چنین خدایی، آدمی احساس شرمندگی نموده و از انجام دوباره گناهان خود داری می‌کند. زیرا تکرار حداقل سه بار این حالت شرمندگی، باعث تقویت پاکی شده و به ضعف قوای نفسانی کمک می‌کند. گاهی این شرمندگی و طلب پاکی از گناهان قبل، آن چنان در انسان قوی می‌شود که حاضر است عذاب دنیوی را تحمل کند تا اسمش در لیست پاکان ثبت شود و گناهی که کرده محو گردد. و این فرایند در دوری انسان از گناهان نقش مهمی دارد. به داستان زیر توجه نمائید: «مردی نزد امیر مؤمنان (ع) آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! من لواط کرده‌ام! مرا پاک نما!

امام فرمود: برو شاید در حال طبیعی نباشی!

مرد رفت و فردا آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! من لواط کرده‌ام! مرا پاک نما!

امام مجدداً فرمود: برو شاید در حال طبیعی نباشی!

روز سوم آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! من لواط کرده‌ام! مرا پاک نما!

امام فرمود: برو شاید در حال طبیعی نباشی!

روز چهارم آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! من لواط کرده‌ام! مرا پاک نما!

امام فرمود: ای مرد! رسول خدا (ص) درباره امثال تو یکی از سه حکم را صادر کرده است. هر کدام را می‌خواهی انتخاب کن! وارد کردن ضربه شمشیر بر گردنت. یا پرت کردن از کوه با دست و پای بسته. یا سوختن بوسیله آتش.

مرد گفت: کدام سخت تر است؟ فرمود: سوختن با آتش. گفت: منم این را انتخاب می کنم.

امام فرمود: پس خودت را برای اجرای حکم آماده کن.

مرد مشغول نماز شد و بعد از دو رکعت نماز گفت: خدایا! من از این گناه می ترسم و بسوی جانشین رسولت آمدم و او یکی از این سه حکم را برایم گفت و من سخت تر را انتخاب کردم. خدایا! این مجازات را کفاره گناهم قرار بده! و در آخرت مرا به آتش نسوزان. سپس در حالی که گریه می کرد، بلند شد و در گودال آتشی که برایش آماده کرده بودند، داخل شد.

علی (ع) به گریه افتاد و اصحاب هم همگی به گریه افتادند. سپس علی (ع) فرمود: بیرون بیا که ملائکه را به گریه انداختی. خدا توبه تو را پذیرفت. بیرون بیا و دیگر این کار را نکن.»

اگر نماز گزاری احیانا به گناهی آلوده شود، خود نماز بعدی در عذاب وجدان و احساس ندامت اثر کرده و مانند شخص فوق او را به طلب پاکی سوق می دهد. و این اثر وقتی در همه نماز خوانان با شدت و ضعف ظاهر شود، نماز خوانان روز بروز پاک تر شده و از مفسد فاصله می گیرند. چه بسیار گناهکارانی که با غسل توبه و نماز خواندن در آنها تحول ایجاد شده و به انسانهایی پاکدامن تبدیل شده اند.

نمونه ادعای فوق وضعیت متفاوت اخلاقی نماز گزاران با بی نمازهاست. در شهرها و روستاها هر جا ناهنجاری دیده می شود از بی نمازهاست. عربده کشی های مستانه از بی نمازهاست. ترانه های مبتذل از منازل بی نمازها شنیده می شود. مجالس فساد و لهو و لعب مربوط به بی نمازهاست! دنبال زنان و دختران راه افتادن و ایجاد مزاحمت برای آنان کار بی نمازهاست! ایجاد باندهای فساد و آم ربایی و راهزنی و سرقت و فساد در زمین کار بی نمازهاست. زیرا نماز جلو همه این مفسد را سد می نماید. نماز نمی گذارد که انسان بدنبال نوامیس مردم حرکت کند! نماز نمی گذارد که آدمی باند فساد همانند باند 19 نفره رویاه بوجود بیاورد و دختران و زنان را به انواع مفسد آلوده کند! نماز نمی گذارد که انسان به سرقت و راهزنی اموال مردم مشغول شود! نماز نمی گذارد که آدمی بجای حضور در مجالس علم و هنر و ادب، آلات دو متری! موسیقی همچون طنبور را بدست گرفته و در محافل و مجالس، انسانها را بجای اینکه بیاد خدا و قیامت بیاندازد، به حالتهای شیطانی و عشقی! دعوت کند!

نماز و انقلاب درونی!

یکی از اثرات فردی نماز بر روی نمازگزار، انقلاب درونی و تغییر حالت روحی است که در بعضی مواقع در انسان نماز گزار پیدا می شود. و این انقلاب آن قدر پر ارزش است که با هیچ چیز با ارزش مادی، قابل قابل ارزش گذاری نمی باشد. و گاه شده است که بعد از نماز تحول مهمی در زندگی شخص رخ داده و از این رو به آن رو می شود. حتی گاهی افرادی بوده اند که انقلاب روحی آنان در نماز چنان بزرگ بوده است که فوق تحمل آنان بوده و در همان جان به جان آفرین تسلیم کرده اند.

گویند ثعلبه گناهی را مرتکب شد که رسول خدا (ص) و مردم مدینه او را بطور موقت از خود راندند. ثعلبه به بیابانها رفت و مشغول توبه شد تا اینکه توبه او قبول شد. امیر المؤمنین (ع) باتفاق سلمان بدنبال او رفتند و او را به مدینه آوردند. وقتی آنها به مدینه رسیدند موقع نماز عشاء شده بود. آنها به مسجد رفتند و به رسول خدا (ص) اقتدا نمودند. رسول خدا (ص) بعد از سوره حمد، شروع به خواند سوره تکاثر نمود. همینکه آیه اول را تلاوت فرمود:

«الهیکم التکاثر»

یعنی ثروت اندوزی شما را مشغول نموده است.

ثعلبه نعره ای زد. چون حضرت آیه دوم را قرائت فرمود:

«حتی زرتم المقابر»

تا زمانی که قبرستان را مشاهده نمودید.

ثعلبه بیشتر ناله کرد.

و چون آیه سوم را شنید:

«کلا سوف تعلمون»

نه چنین است. بزودی خواهید فهمید!

ثعلبه نعره ای کشید و جان به جان آفرین تسلیم کرد.

بینید ثعلبه چگونه در نماز دچار انقلاب روحی شده و نمی تواند آن را تحمل نماید لذا در نماز از دنیا می رود. و خوشا بحال او.

عرفا و علماء دیگری بوده اند که در نماز از دنیا رفته اند. از جمله در مورد استاد امام «رض»، میرزا جواد ملکی تبریزی آمده است:

«حاج آقا حسین فاطمی فرمود: به من گفتند که آقای حاج میرزا جواد (ملکی تبریزی) جویای حال تو شده است. چون می دانستم ایشان کسالت دارند با عجله به خدمتش رفتم، دیدم استحمام کرده و خضاب بسته و پاک و پاکیزه در بستر بیماری افتاده و آماده ادای نماز ظهر و عصر است. در میان بستر شروع به گفتن اذان و اقامه کرد و دعای تکبیرات افتتاحیه را خواند و همین که به تکبیره الاحرام رسید و گفت: اللهم کبر! روح مقدسش از بدن به عالم قدس پرواز کرد.»

«شیخ علی کاشانی معروف به فریده الاسلام از اساتید شهید هاشمی نژاد بسیار اهل عبادت بود و در منزلش اطای را برای عبادت قرار داده و شبها را به عبادت می گذراند. او در جوانی به درجه اجتهاد رسیده بود و وقتی چندین ساعت با یکی از علماء مشهد بحث علمی کرد. آن عالم از وی پرسید: با این سن کم این همه علوم را چگونه فرا گرفته ای؟ و ایشان جواب داد که از عنایت علی بن موسی الرضا (ع) فرا گرفته ام.

رحلتش را در سن بیست و چهار سالگی از زبان میزبانانش این گونه نوشته اند: بعد از صرف شام به من گفت: خیلی مایلم در حیاط منزل، زیر درخت تا صبح در عبادت باشم. بعد برخاست دور کعت نماز خواند. ذکر کوعش را که شمردم، هفتاد بار بود. بعد از نماز کمی از مواعظ و احادیث را برای ما بیان کرد و به سجده رفت، دیگر سر از سجده برنداشت و روح پاکش به ملکوت اعلی پرکشید.

«آیه الله سید احمد کربلائی که استاد سید علی قاضی ار اساتید علامه طباطبائی بوده است، رحلتش در هنگام نماز بود و در هنگام نماز عصر، بسوی ملکوت پرواز کرد.»

و گاهی نماز گزاران واقعی، بجای رحلت از این دنیا، پرواز کرده و به مکان های مقدس جهان سر می زده اند: «روزی سید زین الدین طباطبائی از وصف کربلا و روز عاشوراء برای دوستان تعریف می کردند و همچنین در اهمیت زیارت عاشوراء حرف می زدند، گفتند:

در شبی که در حجره مشغول زیارت عاشوراء بودم، در سجده شکر زیارت، حالم منقلب شد و کربلا با آن صحنه‌های روز عاشوراء و امام حسین (ع) را دیدم و غش کردم، تا نزدیک ظهر در حال غش و یا از خودبی خود بودم.»

آیا این حالت‌های شیرین معنوی جز در نماز در حالت دیگری می‌توان مشاهده نمود؟ آیا آنهایی که غرق در رفاه مادی هستند، از این لذتها هم تاکنون داشته‌اند؟ آیا آن جوانهایی که بجای نماز، در خیابان‌ها و بازارها بدنبال جنس مخاف هستند و اگر در کار خود موفق بشوند، فوقش می‌توانند عمل نامشروعی را با ترس و لرز انجام دهند، می‌توانند لذت خود را با لذات مشروع و معنوی این بزرگان دین مقایسه کنند؟ حاشا و کلاهر گز اینها با هم قابل مقایسه نخواهند بود مخصوصا از نظر اثر که نماز انسان را به پاکی‌ها بیشتر نزدیک می‌کند و عمل آن جوانهای بی بندوبار آنها را از خدا و ملکوت و پاکی بیشتر دور می‌نماید.

بانماز در راه حق قدم بنه!

در روایات و سخنان بزرگان دین فاصله بین کفر و ایمان را نماز خواندن و نماز نخواندن ذکر کرده‌اند. و این مایه تعجب و حتی امتناع از قبول این مطلب از سوی بعضی افرادی که شناخت کاملی از دین اسلام ندارند، شده است. مثلا شخصی در اجتماع بعنوان فرد خیر دهها مدرسه و بناهای خیر دیگر ایجاد نموده است. اما نماز نمی‌خواند و با این حال از دنیا می‌رود. طبق احکام دین اسلام این فرد در عالم برزخ و در آخرت مشکل دارد و نمی‌تواند از ایستگاه نماز رد شود و اگر نماز کسی قبول شد، بقیه اعمالش هم قبول می‌شود و اگر نماز کسی رد شد، بقیه اعمالش هم رد می‌شود. و این مسئله غیر قابل هضم برای بعضی از ناآگاهان است. همچنین افرادی هستند که سالها با خوش نامی زندگی می‌کنند، مانند اکثر هنرپیشه‌های سینما! تئاتر! ورزشکاران مشهور! پرفسورها و دانشمندان کشور! اولی عده زیادی از آنها نماز نمی‌خوانند و با این تکبری که در مقابل خدا دارند، از دنیا می‌روند!

نماز و تأثیرات اخلاقی بردانش آموزان

دانش آموزان راهنمایی و دبیرستان و سپس دانشجویانی که نماز خوان بوده و به برپایی آن مقید هستند، جزو افراد خوب محل تحصیل خود می‌باشند. اینان معمولاً در درس از بقیه بهتر بوده و هیچگاه به اذیت و آزار دیگران نمی‌پردازند. آمارهایی که از تخلفات مختلف در مدارس ارائه می‌شود، شامل این عزیزان نبوده و برعکس به نهی از منکر و جلوگیری از تخلفات می‌پردازند. اما برخی از آنهایی که بی‌نماز هستند، متأسفانه برای خود باند و گروه تشکیل داده و به اذیت و آزار دانش آموزان مظلوم می‌پردازند و گاه پا را فراتر گذاشته و به اذیت و آزار جنسی دیگران روی می‌آورند که این مورد در کشور ما کم اتفاق می‌افتد ولی در کشورهای دیگر که بی‌دینی حرف اول را می‌زند جرائم دانش آموزان و دانشجویان، از آمار بالایی برخوردار است:

ارزش و اهمیت نماز

اقم الصلوة طرفی النهار و زلفاً من اللیل انّ الحسنات یذهبن بالسیئات. ذلک ذکرى للذاکرین.

نماز را در دو طرف روز و قسمتی از شب برپا دار که کارهای خوب (مثل نماز) گناهان را پاک می‌کند. و این تذکری است برای کسانی که متذکر می‌شوند.

نماز آخرین سفارشات بزرگان دین

در روایت است که آخرین سفارشات پیامبران، امر به نماز بوده است. و در تاریخ بعضی از این سفارشات ذکر شده است

آخرین سفارش رسول خدا (ص)

از امیرالمؤمنین (ع) پرسیدند: حرف آخر رسول خدا (ص) چه بود؟ آن موقعی که در حال رحلت، سرمبارکش بردام تو بود؟ امیرالمؤمنین (ع) فرمود: رسول خدا

(ص) مرتب می‌فرمود: امتی الصلوة و ما ملکت ایمانکم. یعنی ای امت من! به دو چیز خیلی اهمیت بدهید: یکی نماز و یکی هم زیردستان خودتان.

آخرین وصیت امام جعفر صادق (ع)

از همسر امام جعفر صادق (ع) سؤال کردند که حرف آخر امام چه بود؟ او گریه کرد و گفت: امام در آن ساعت آخر، همه خویشان را خواست. ما گفتیم که چه وصیتی می خواهد بکند. همه که جمع شدند، یک جمله گفت و از دنیا رفت. فرمود: لا تنالُ شفاعتَنَا بِمَنْ استخفَّ بالصلوة. شفاعت ما اهل بیت نمی رسد به کسیک نماز را سبک بشمارد.

دوازده بلا!

رسول خدا (ص) فرمود: هر که نماز جماعت را ترک کند، به دوازده بلا گرفتار شود: بی برکتی رزق، ظلمت قبر، دشمنی مردم با او، سختی مردن، گرسنه و تشنه جان کندن، بسته بودن زبان در جواب نکیر و منکر، سختی قبر، عدم استجاب دعا، سختی حساب در قیامت، عقوبت شدید قیامت، داشتن عذاب کافران!

قطع رحم

یکی از گناهان بزرگ، قطع رابطه با فامیل است. مثلاً با عمو یا دایی یا خاله یا عمه و... اما صلۀ رحم یعنی ارتباط و رفت و آمد با فامیل واقوام، از سفارشات موکد دین اسلام است.

انسانهای والا و بزرگمرد، همواره با فامیل خود صلۀ رحم داشته اند اگرچه در مقابل، بعضی از افراد فامیل به آنها بی اعتنائی می کرده اند. ولی در مقابل این بزرگواران همچنان ارتباط فامیلی خود را برای خدا ادامه می دادند. پیوند با فامیل، دستور الهی است.

«مؤمنین کسانی هستند که آنچه را خدا دستور اتصال و ارتباطش را داده، متصل می کنند.» (رعد 21)

انواع صلۀ رحم

1- دیدار حضوری با فامیل

2- کمک مالی به فامیل نیازمند

3- سلام کردن به فامیل

4- احوالپرسی بوسیله نامه یا تلفن

«رسول خدا(ص): کسیسکه به فامیلش صلّه رحم کند، چه بوسیله دیدار با او و یا کمک مالی به او، خداوند به او اجر صد شهید می دهد و برای هر قدمی که بر می

دارد چهل هزار حسنه نوشته شده و چهل هزار گناهش پاک می شود.» بحارج 74

«علی(ع): صلّه رحم کنید اگر چه با یک سلام کردن باشد.» بحارج 74

«صلّه رحم کن اگر چه به یکسال راه باشد.» بحارج 74

آثار صلّه رحم

صلّه رحم آثار و فوائد مهمی دارد از جمله:

1- باعث استحکام خانواده ها می شود.

«امام صادق(ع): صلّه رحم باعث تأخیر اجل و زیاد شدن ثروت و ایجاد محبت در بین خانواده می شود.» بحارج 74

2- عمر را طولانی می کند.

«علی(ع): ای نوف بکالی! صلّه رحم کن تا خدا عمرت را زیاد نماید.» بحارج 74

3- حساب قیامت آسان می شود.

«رسول خدا(ص): روز قیامت رحیم در حالیکه به عرش آویخته شده صدامی کند: خدا یا! هر که مرا وصل کرد با او وصل نما و هر که با من قطع ارتباط کرد، با او قطع

نما.» بحارج 74

آثار قطع ارتباط فامیلی

1- کوتاه شدن عمر

«داود رقی می گوید: پسر عمویم با همسرش مرا اذیت کرده بودند. ولی من قبل از سفر مکه به آنان کمک مالی نمودم. بعد از سفر مکه به مدینه رفتم. وقتی خدمت امام صادق (ع) رسیدم. امام فرمود: ای داود! اعمال روز پنج شنبه تورا بمن نشان دادند. دیدم تو نسبت به پسر عمویت صلۀ رحم کردی. من خوشحال شدم و فهمیدم که صلۀ رحم تو باعث طولانی شدن عمر تو و زود مردن پسر عمویت می شود.» بحار ج 74

2- محروم شدن از بهشت.

«رسول خدا (ص): کسیکه قطع رحم کند، داخل بهشت نمی شود.» بحار ج 74

3- قطع لطف الهی.

«عبدالله بن سنان می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: پسر عمویی دارم که هرچه با او می پیوندم او از من می بُرد! لذا من تصمیم گرفته ام که اگر از من بُرید من هم از او بُبُرم. بمن اجازه می فرمائید که من هم با او قطع رابطه کنم؟ فرمود: اگر با او ارتباط داشته باشی و او از تو بُبُرد، خدای عزوجل شمارا با هم می پیوندد. و اگر تو از او بُبری و او هم از تو بُبُرد، خدا از هر دوی شما بُبُرد.» بحار ج 74

فصل سوم: مقدمات محرمات جنسی

زنا و لواط و دیگر محرمات جنسی در کشور ما که قبیح و زشت و ممنوع بشمار می‌رود ناشی از اعمالی است که با کنترل آنها می‌توان جلو این محرمات را گرفت. از جمله اعمالی که مقدمه روابط نامشروع را فراهم می‌کند:

1- چشم چرانی

اگر زن و مرد بتوانند کنترل چشم خود را بطور صد در صد در اختیار داشته باشند، از بسیاری از گناهان و انحرافات مصون می‌مانند. لذا خداوند فرموده است:

«به مردان مؤمن بگو که چشمان خود را بیوشانند و اندامهای خود را از حرام حفظ کنند که این برایشان پاکیزه‌تر است. و به زنان مؤمنه بگو که چشمهای خود را بیوشانند و اندامهای خود را از ناروا حفظ نمایند».

در حدیث از پیامبر 6 است که فرمود:

«لکل عضو من ابن آدم حظٌ من الزنا فالعین زناه النظر»

«هر یک از اعضای فرزندان آدم حظ و بهره‌ای از زنا دارد که زنان دو چشم نگاه کردن است».

ز دست دیده و دل هر دو فریاد هر آنچه دیده بیند دل کنه یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

رسول خدا 6 فرمود:

«نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای مسموم شیطان است».

گفته‌اند شخصی بود چشم چران که در مغازه خود در حالی که به هر زن و دختری که عبور می‌کرد تا جائی که می‌توانست نگاه می‌نمود، ذکر لا اله الا الله می‌گفت! یک روز یک نفر مشتری نزد او آمد و از این حالت مغازه‌دار با خبر شد. جنسی را خواست و مغازه‌دار رفت تا جنس را بیاورد. در این حین خانمی عبور کرد. مغازه‌دار جنس را آورد و دست مشتری داد. مشتری گفت: شما که رفتید این را بیاورید، یک لا اله الا الله عبور کرد!

او جواب داد: عجب سبحان الله!

پیامبر 6 فرمود:

«اگر از آسمان بیفتیم و دو نیم شوم برایم بهتر است که به عورت شخصی نگاه کنیم یا شخصی به عورت من نظر نماید!».

«امام صادق (ع): اگر شخصی چشمش به زنی نامحرم بیافتد و از او چشم بردارد و به آسمان نظر کند و یا چشم خود را ببندد، هنوز چشم برهم

نزده که خداوند حورالعینی به او تزویج کند.»

2- برهنگی و بی حجابی

«و به زنان با ایمان بگو: چشم از نگاه به مردان اجنبی فروبندند و عفت خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آنچه آشکار است، ظاهر نسازند، و باید اطراف روسریهای خود را به سینه‌هایشان ببندازند و زینت خویش را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان یا پدران و پدرشوهران یا پسران و یا پسر شوهران و یا برادران و یا خواهرزادگان و یا برادر زادگان و یا زنان و یا غلامان و یا افراد ناتوان از شهوت همچون پیرمردان که به زنان تمایلی ندارند و یا کودکانی که از اسرار زنان خبر ندارند و مبادا پای خود را به زمین بکوبند تا آنچه از زینتشان پنهان است، ظاهر شود. و ای گروه مومنان! همگی بسوی خدا توبه کنید شاید رستگار شوید.»

«در آیه فوق چهار حکم بیان شده است:

1- زنها نباید زینتهای پنهان خود را (مانند گوشواره، خلخال، موی سر، لباسهای زینتی) آشکار نکنند، مگر آن مقدار که طبیعتاً آشکار است (مانند انگشتر، خضاب دست و...).

2- باید دامنه روسری یا مقنعه را بر روی سینه و گردن ببندازند.

3- زینتهای خود را فقط برای دوازده نفر می‌توانند آشکار کنند (البته عمو و دایی در آیات دیگر آمده است).

4- موقع راه رفتن پاهای خود را بر زمین نزنند تا زینتها آشکار شود (و باعث جلب توجه نامحرم گردد، مثل کفشهای پاشنه بلند کنونی و خلخالهای زمان پیامبر 6).

«از امام ششم 7 پرسیدند: کدام قسمت بدن زن برای نامحرم دیدنش حلال است؟ فرمود: صورتش و دو پایش و دو دستش.»

زن گوهری است که باید خود را از دستبرد نامحرمان دور نگه دارد. زنی که با حجاب در کوچه و خیابان ظاهر می‌شود، هم ارزش خود را بالامی‌برد و هم آسیبی به سلامت روانی و اخلاقی جامعه وارد نمی‌کند. و خانمی که رعایت حجاب اسلامی را نمی‌کند هم ارزش خود را پائین می‌آورد و هم مانند میکربی است که دیگران را آلوده و مریض می‌کند.

شهید مطهری نظراتی در مورد حجاب دارد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

«ریشه اصلی واجب بودن پوشش برای زن در اسلام، این است که اسلام می‌خواهد انواع لذتهای بصری و لمسی و انواع دیگر لذت جنسی، محدود به محیط خانواده و در کادر ازدواج اختصاص یابد و اجتماع منحصرأ برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی که کار و فعالیت را با لذت جوئی‌های جنسی، بهم می‌آمیزند».

«اسلام نمی‌گوید که زن از خانه بیرون نرود و نمی‌گوید که حق تحصیل علم و دانش را ندارد، بلکه علم و دانش را فریضة مشترک زن و مرد دانسته است. اسلام فعالیت اقتصادی خاصی را برای زن تحریم نمی‌کند. اسلام هرگز نمی‌خواهد زن بیکار و بی‌عاری بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار آید. پوشاندن صورت و دستها، مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است، آلوده کردن محیط کار به لذت جوئی‌های شهوانی است».

یکی از ایرادات به مسئله حجاب این است که حجاب موجب **سلب حق آزادی** که یک حق طبیعی بشری است می‌گردد و نوعی توهین به حیثیت انسانی زن بشمار می‌رود. در جواب باید گفت که فرق است بین زندانی کردن زن و بین موظف داشتن او به اینکه در مواجه شدن با مردیگانه، پوشش داشته باشد. اگر رعایت پاره‌ای از مصالح اجتماعی، زن یا مرد را مقید سازد که در معاشرت روش خاصی را اتخاذ نمایند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را برهم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند، چنین مطلبی را زندانی کردن و سلب آزادی نمی‌نامند. چطور اگر مردی با بدن برهنه از خانه بیرون آید، پلیس جلو او را می‌گیرد و به عنوان عمل منافی حیثیت اجتماعی او را جلب می‌کند، این کار پلیس راضد آزادی و زندانی کردن، تلقی نمی‌کنند!

رسول خدا⁶ در معراج، در هنگام بازدید از جهنم دیدند که:

«زنی را به موی سرش آویزان کرده بودند و او مغز سرش را می جوید! از جبرئیل در باره او پرسیدم فرمود: او در دنیا موی سر خود را از نامحرم نمی پوشانده است.»

پوشیدن لباسهای مردانه به تهیج قوای جنسی زن و مرد کمک می کند. زن شایسته است در برابر مردان و پسران (غیر از شوهر) لباسهایی بپوشد که برجستگیهای بدن او را بپوشاند.

حال اگر زنی لباسهای مردانه بپوشد، آنوقت چشمهای زیادی را بطرف خود جلب می کند و باعث فتنه های زیادی می شود. بطوری که گاهی بعضی از محارم مثل برادر و دائی و غیره را تحت تأثیر خود قرار داده و کار به جاهای باریک می کشد و آبروهای خیلی را برباد می دهد! همان گونه که در کشورهای غربی، از ناحیه پدر و مادر و بقیه محارم، ارتباطات نامشروع با فرزندان برقرار کرده اند.

بی حجابی مبدأ بی عفتی است بدنگاهی علت هر ذلتی است. **3- کتابها و نشریات و فیلمهای فاسد**

عده ای از نویسندگان و فیلم سازان با نوشتن کتابهای فاسد جنسی و ساختن فیلمهای مستهجن به فساد جوانان و افراد جامعه کمک بزرگی می نمایند! در سال 1381 از کل کتابهایی که در ایران منتشر شدند فقط سی درصد آن سالم تشخیص داده شدند و بقیه به نحوی در اشاعه فساد جنسی نقش داشته اند! همچنین فیلمهای سینمایی ساخته شده نیز به دودسته تقسیم شده اند. فیلمهایی که سالم و مفید بود و با دیدن آنها هر ایرانی مسلمان احساس غرور می نماید و متأسفانه فیلمهایی که منحرف کننده بوده و جوانان را به شهوات و مفاسد بطور غیر مستقیم دعوت می کند.

انسان پاک کسی است که از این کتابها و فیلمهای فاسد فاصله بگیرد و چشم خود را که همانند دوربین فیلمبرداری تمام صحنه ها را در خود ضبط می کند سپس افکار انسان بر پایه این تصویرات تقریباً شکل می گیرد، بر روی این گونه کتابها و فیلمها ببندد.

4- کانونهای فساد

جشن ها و مهمانی های آلوده از مقدمات ارتباطات نامشروع است. مخصوصاً در میان طبقات هنرمندان و ورزشکاران که به بهانه های موفقیت آنها در فلان بازی، مجالس مختلط برپا می شود و این افراد هم چون بنیه مذهبی شان ضعیف بوده و ارتباطشان با مسجد و نماز و معنویات کم است، زودتر بدام افراد منحرف می افتند. همانگونه در خبرها بود که چندین نفر از اعضای تیم ملی فوتبال و بعضی از هنرپیشگان مشهور و بعضی از هنرمندان سیما، در محافل فساد دستگیر شدند.

افرادی که می‌خواهند پاک زندگی کنند نباید به این مجالس بروند و باید پای خود را بر این محافل ببندند و شرکت در این کانونها را بر خود حرام نمایند تا از آثار مخرب آن و عواقب بعدیش دور بمانند.

دختران غریب!

در فرانسه، چهار دختر از خانواده‌های مرفه و پولدار تصمیم به قرعه‌کشی درباره سرنوشت خود می‌گیرند! روی هر قرعه یکی از این جملات نوشته شده بود: «خودکشی خواهم کرد!» «دختر خوبی خواهم شد!» «خودفروشی خواهم نمود!» «دزدی خواهم کرد!» قرعه‌کشی انجام شد. به هریک یکی از این جملات سرنوشت ساز رسید. روز یکشنبه «ایزابلا» رگ خود را برید! «ماری» یک پالتو دزدید! «آنی» اخلاقش بهتر شد! و «جینی» شروع به فحشاء نمود!

5- خلوت با نامحرم وهم سخن شدن با او

با توجه میل زن و مرد به جنس مخالف، هر کجا که این دو تنها باشند، باعث تهییج غریزه جنسی شده و زمینه اعمال خلافی را فراهم می‌کند. پیغمبر اکرم 6 فرمود:

«إِيَّاكُمْ وَ مُحَادَثَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّهُ لَا يَخْلُو رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ لَيْسَ لَهَا مَحْرَمٌ إِلَّا هَمَّ بِهَا».

«پرهیزید از سخن گفتن با زنان! زیرا اگر مردی با زنی نامحرم (بدون حضور شخصی از محارم) خلوت کند، بطرف آن زن تحریک می‌شود و به او رغبت می‌کند».

حتی در احکام شرعی است که اگر در مسجدی فقط یک مرد و یک زن هستند، نباید آنجا نماز بخوانند زیرا خلوت با نامحرم ممنوع است.

در جامعه کنونی مسئله خلوت و هم سخن شدن با نامحرم جلوه بیشتری پیدا کرده است و زنگ خطری برای افراد پاک بشمار می‌رود.

در ادارات و شرکتها و کارخانجات به بهانه آزادی زن از اسارت خانه! پای زنها را به این محلها باز کرده و زنان در کنار مردان مشغول بکار هستند ولی آیا این گونه کار کردنها مفسده‌ای در بر ندارد؟ آماری که در جامعه ما از بالا بودن درصد طلاقها و فروپاشی کانونهای خانواده حکایت می‌کند، معلول این گونه آزادیها می‌باشد. زنانیکه صبح تا حد اقل ظهر در خارج از خانه مشغول کار می‌باشند، اگر شوهر صبوری نداشته باشند و یا خودشان عقیف و پاکدامن نباشند زود گول بعضی

از افراد جامعه را خورده و با وعده وعیدهای آنان به طرف فساد پیش می‌روند. البته بخاطر بافت مذهبی اکثر خانواده‌های ایرانی، مقاومت زنان و مردان در مقابل وسوسه خناسان زیاد است ولی در صدی از زنان و زنان نیز از این وسوسه‌ها مصون نمی‌مانند و ناپاکی را بر پاک بودن ترجیح می‌دهند! ای جوان با اجنبی خلوت مکن خویش را پیوسته باشهوت مکن «رسول خدا (ص): هر که به خدا و قیامت ایمان دارد نباید در محلی شب را بسر ببرد که نفس نامحرمی در آن شنیده می‌شود.»

«ابلیس به موسی (ع) گفت: با نامحرم خلوت مکن که خود من در آنجا حضور پیدا می‌کنم نه یاران و اصحابم!»

خلوت با اجنبی بد حاصل است کمترینش محو تقوای دل است

گر محیط خلوتی آید به پیش که در آنت اجنبی سازد پریش

تو از آن بگریز، پادر آن منّه آبرو با عفت و ایمان منه

6- ترک ازدواج

عده‌ای از افراد فقط بدنبال آزادی جنسی می‌باشند و ازدواج باعث مقید شدن آنان می‌گردد، لذا این عده بخاطر محدود نشدنشان از ازدواج خود داری می‌کنند، با اینکه برخلاف اکثر دختران و پسران ایرانی که بخاطر مشکلات اقتصادی نمی‌توانند ازدواج نمایند، عده مذکور از امکانات مادی بالا هم برخوردار می‌باشند ولی چون تابع تمدن غرب هستند و در غرب هم بسیاری از مردان و زنان بدون ازدواج زندگی می‌کنند و نیازهای جنسی خود را بدون ازدواج اطفال می‌نمایند، این افراد هم می‌خواهند از الگوهای منحرف خود تبعیت کرده لذا ازدواج نمی‌کنند و با ارتباطات نامشروع هم خود و هم دیگران را به انحراف می‌کشاند.

«پیامبر اسلام (ص): بدترین مردان شما، عزبانند (مجردان)!»

«امام محمد باقر (ع): دوست ندارم که دنیا و آنچه در دنیاست داشته باشم ولی یکشب بی همسر بخوابم.»

7- زینت و آرایش زن

اگر چه خود آرایایی غریزه طبیعی زن و مرد است ولی این غریزه در زن بیشتر است و دوست دارد که زیبایی او مورد توجه قرار گیرد. آثار این غریزه را می توان در آراستن لباس، آرایش مو، انتخاب لباسهای نازک و رنگهای مهیج و غیره مشاهده نمود.

از نظر اسلام زینت و تجمل زن باید فقط برای شوهرش باشد. او در مقابل شوهرش می تواند زیباترین لباس و غلیظ ترین آرایش را بکار برد و هر دفعه از نوعی زینت و خودنمایی استفاده نماید. حتی 'می تواند خود را در مقابل او برهنه کند. برای شوهرش بر قصد و... و در این راه محدودیتی وجود ندارد و اما آرایش و زینت برای غیر شوهر مخصوصاً در خارج از خانه، برای او حرام و ممنوع می باشد.

در حدیث نبوی است که در معراج وقتی پیغمبر 6 از جهنم دیدار کرد، افرادی را دید که معذبند از جمله فرمود:

«زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می خورد. از جبرئیل در باره او سؤال کردم. فرمود: او در دنیا خود را برای دیگران آرایش می نموده است. زنی را دیدم که گوشت بدنش را می برید! فرمود: او زنی بود که خود را به مردان عرضه می کرد.»

همچنین در روایات از اینکه زن عطر زده از خانه خارج شود، منع شده است از جمله پیغمبر اکرم 6 فرمود:

«هر زنی که عطر بزند و از خانه خارج بشود، تا زمانی که برگردد در لعن ملائکه خواهد بود.»

8- دیدن روابط جنسی دیگران

دیدن عمل جنسی باعث انحراف جنسی تماشاگر می شود مخصوصاً اگر تماشاگر دختر و پسر مجرد تازه به سن بلوغ رسیده باشند. لذا باید در هنگام حضور نوجوانان در منزل و خانه و محل، والدین مواظب اعمال جنسی خود باشند.

«امام صادق (ع): در خانه ای که طفلی وجود دارد، با همسر خود مقاربت نکنید، که آن طفل زناکار می شود و یا فرزندیکه بدنیامی آید، زناکار می شود.»

آثار سوء عمل والدین بر روی فرزند

«جوان 27 ساله ای که پس از سرقت جواهرات و ربودن دختر چهارده ساله و تجاوز به برخی از آنان دستگیر شده بود، پس از محاکمه در دادگاه

142 کیفری یک تهران، به دو بار اعدام و سه سال زندان و تعزیر و پرداخت مهرالمثل محکوم شد.

بر اساس تحقیقات بازپرس، این جوان دارای انحرافات اخلاقی بوده و بر اساس اعترافات خودش، در گذشته، وی بارها مورد سوءاستفاده افراد قرار گرفته است.

به گزارش خبرنگار قضایی، دستگیری متهم به دنبال اعلام شکایت بستگان یک دختر هشت ساله به مأموران حوزه انتظامی 28 تهران صورت گرفت. با طرح این موضوع، پرونده‌ای در دادسرا تشکیل شد و بازپرس دستور داد در این باره بیشتر تحقیق شود.

مأموران با کمک دختر بچه به محل رفتند و پس از چند روز پیگیری، خانه «مصطفی» را شناسایی و او را دستگیر کردند. متهم در بازجویی به ربودن چهارده دختر بچه و سرقت طلاهای کودک کان معصوم و تجاوز به برخی از آنان اعتراف کرد.

این جوان منحرف، در بیان علل انحراف اخلاقی خویش گفت: در خانواده من مسائل زیادی وجود داشت، به طوری که من ارتباط‌های آمیزشی و روابط جنسی پدر و مادرم را مشاهده می‌کردم و آنها ابایی از این موضوع نداشتند! پدر و مادرم، بعضی وقتها بدون لباس در برابر من ظاهر می‌شدند و این مسائل مرا تحریک می‌کرد و به انحراف اخلاقی سوق می‌داد...

طبق نظر صریح کارشناسان روانشناسی کودک، تماشای صحنه‌های مهیج جنسی، چه در خانواده و چه در فیلمهای سینمایی و... مانند دادن چلو کباب به یک نوزاد است، چرا که با این تحریکات، کودک در معرض بلوغ زود رس قرار می‌گیرد و حساسیت و کنجکاوی او را به روابط بزرگترها بویژه پدر و مادر بر می‌انگیزد. و از این جاست که زمینه‌های انحراف اخلاقی کودک کان و نوجوانان آغاز می‌گردد.

9- لباس و غذای نامناسب

گاهی نوع لباس و نوع غذا در تحریک انسان مخصوصاً نوجوانان تازه‌بالغ، اثرات تحریک کننده دارد:

لباس «لباسهای چسبان مخصوصاً شورت و مایو».

غذا «غذاها و میوه‌هایی چون موز، پیاز، سیر، فلفل، شیرینی، زعفران، وانیل محرک می‌باشند».

فصل چهارم انواع محرمات جنسی واحکام آنها

انواع محرمات

1-زنا

2-لواط

3-استمناء

4-مساحقه و استشهائ

5-تماس بدنی با نامحرم

زنا

زنا به انجام عمل جنسی بین زن و مرد بدون اینکه ازدواجی صورت بگیرد، گفته می شود.

خدا در قرآن می فرماید:

«ولاتقربوا الزنا انه كان فاحشهً وساء سيلاً» اسراء 32

حتی نزدیک زنا نشوید که عمل زشت و بدراهی است.

«امام علی(ع): آدم غیور هرگز زنا نمی کند»

«امام صادق(ع): کسانی که مرتب زنا می کنند یادزدی می نمایند یا شراب می خورند مانند بت پرستان می باشند.»

«امام صادق(ع): خدا به حضرت موسی(ع) وحی کرد: زنان کنید تا زنان شما هم زنا نکنند و کسیکه با زنی زنا کند، بازنش زنا کنند پس همانطور که داده‌اید پس می‌گیرید!»

پیغمبر اکرم 6 به امیر مؤمنان علی 7 فرمود:

«زنا دارای سه اثر بد دنیوی و سه اثر بد اخروی است. اثرات دنیوی زنا: رسوا شدن، کوتاهی عمر و قطع روزی (روزی حلال) و اثرات اخروی: سختی حساب، خشم خداوند و ابدی بودن در جهنم است.»

داستان بلعم را که در قسمت «زنان» آمده بود مجدداً برای اهمیت آن ذکر می‌کنیم: «آمده است که وقتی لشکر حضرت موسی 7 به فرماندهی یوشع بن نون 7 تصمیم به تصرف شام را گرفتند. حاکم آن ناحیه از بلعم باعورا، که دانشمندی قلابی بود درخواست کرد که راهی برای شکست لشکر بنی اسرائیل به او نشان دهد. بلعم به آنان گفت که تنها عامل شکست این لشکر زنا! است. شما زنان هرزه را به عنوان خرید و فروش، میان لشکر بنی اسرائیل بفرستید و به آنها اجازه بدهید که خود را در اختیار مردان لشکر بگذارند.

دستور بلعم اجرا شد و زنان هرزه در بین لشکر یوشع رفت و آمد می‌نمودند و به فسق و فجور با لشکریان مشغول شدند. طولی نکشید که در اثر این تماسهای نامشروع، مرضی خطرناک در بین لشکریان پیدا شد و در فاصله چند روز هزاران نفر را کشت! این وضع ادامه داشت تا اینکه یکی از افراد غیرتمند لشکر، نیزه خود را بدست گرفت و به زن و مردی که در حال زنا بودند، حمله کرد و آنان را کشت و اعلام کرد هر که را در حال عمل نامشروع ببابم، او را می‌کشم! لشکریان از ترس جان، از زنان مذکور فاصله گرفتند و در نتیجه آن مرض مهلک از میان رفت و لشکر بنی اسرائیل توانست شام را فتح و تصرف کند.

احکام انواع زنا

«الزانیة والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة ولا تأخذکم بهما رافعة فی دین الله ان کنتم تؤمنون بالله والیوم الآخر ولیشهد طائفة من المؤمنین»

زن و مرد زناکار را صدضربه شلاق بزنید و اگر ایمان به خدا و قیامت دارید، در مورد آنها دلرحمی ننمائید و عده‌ای موقع اجرای حکم شاهد باشند.

1- زنای مرد مجرد با زن مجرد

حد شرعی آن در صورت ثبوت در نزد حاکم شرع، صدضربه شلاق در دفعه اول تا سوم و در دفعه چهارم کشتن است.

2- زنای مرد زن دار «محسن» با زن شوهر دار «محسنه»

زن و مرد سنگسار می شوند.

3- زنای مرد زن دار «محسن» با زنی مجرد

مرد سنگسار و زن صدضربه شلاق می خورد.

4- زنای مرد مجرد با زن شوهر دار «محسنه»

مرد صدضربه شلاق می خورد و زن سنگسار می گردد.

5- موارد چهارگانه فوق با اجبار و تجاوز مرد

مرد در هر صورت کشته می شود. وزن در صورت ناراضی بودن حدی ندارد.

«رسول خدا(ص): غضب خدا شدید است بر زن شوهر داری که چشمش را از نگاه به نامحرم پر کنند که اگر این کار را کند همه اعمالش (اعمال خوب) نابود

می شود. و اگر در بستر غیر شوهرش بخوابد، برخد لازم است که او را بعد از عذاب در قبر به آتش بسوزانند.»

«امام باقر(ع): هر که در ساعت واحدی با زنان مختلف زنا کند، برای هر کدام یک حد جداگانه دارد.»

لواط

لواط به هم جنس بازی مرد گفته می شود.

زشت بودن زنا و لواط در اسلام

خدا در قرآن می فرماید:

«ولا تقربوا الزنا انه كان فاحشاً وساء سيلاً» اسراء 32

حتی نزدیک زنا نشوید که عمل زشت و بدراهی است.

علامه طباطبایی می‌فرماید: «این آیه از زنا نهی می‌کند و در حرمت آن مبالغه کرده است چون فرمود این کار را نکنید بلکه فرموده نزدیکش هم نشوید. و علت این نهی را دو چیز دانسته است: یکی این که این عمل فاحشه است! و زشتی و فحش بودن زنا لاینفک بوده بطوری که در هیچ فرضی از آن جدا نمی‌شود. دوم این که این روش، روش زشتی است که به فساد جامعه آن هم فساد همه شؤون اجتماع منجر می‌شود و به کلی نظام اجتماع را مختل ساخته و انسانیت را به نابودی تهدید می‌کند.

در آیه دیگر در عذاب مرتکبین آن مبالغه نموده در ضمن صفات مؤمنین فرمود: «ولا یزنون و من یفعل ذلک یلق اثاماً - یضاعف له العذاب یوم القیامه و یخلد فیہ مهاناً الا من تاب و آمن و عمل عملاً صالحاً» فرقان 68

یعنی زنا نمی‌کنند که هر که بکند، گناه کرده و در قیامت عذابش دوچندان شده و بصورت خوار و ذلیل، ابدی در جهنم می‌شود مگر کسانی که توبه کرده و عمل صالح انجام دهند.»

همچنین **لواط** در ادیان الهی مخصوصاً در اسلام مردود و مورد لعن الهی است. خداوند در چند جای قرآن از جمله در سوره هود آیه 70 تا 89 و در سوره حجر آیه 59 تا 61 و در سوره شعراء آیه 160 و در سوره عنکبوت آیه 26 و در سوره قمر آیه 33 به مسئله قوم لوط و عذابی که بر آنها وارد شد اشاره می‌فرماید. از جمله اینکه لوط به قومش گفت: «اتأتون الذکران من العالمین - و تذرون ما خلق ربکم من ازواجکم بل انتم قوم عادون» 165 شعراء

آیا شما در میان جهانیان سراغ مردان (برای عمل جنسی) می‌روید و زنها را رها می‌کنید؟ بلکه شما قومی تجاوزگر می‌باشید!

سپس در آیات بعد به عاقبت این قوم اشاره می‌نماید: «امطرنا علیهم مطراً فساء مطر المنذرین» شعراء 173

باران (باران سنگ) بر آنها بارانیدیم که بد بارانی برای نصیحت شوندگان بود!

«حضرت رسول (ص) فرمود: وقتی قوم لوط این کارهای زشت را کردند، زمین آنقدر گریه کرد تا اینکه اشکش به آسمان رسید و آسمان آنقدر گریه کرد تا اشکش به عرش رسید. پس خدا به آسمان فرمود: آنها را سنگباران نما! و به زمین فرمود: آنها را فروبیر!»

«حضرت رسول (ص) فرمود: هرگاه جنس مذکر با مذکر آمیزش نماید، عرش خداوند از این عمل به لرزه می افتد.»

«امام صادق (ع) فرمود: آنها که تن به لواط می دهند، بازماندگان سدوم (قوم لوط) می باشند. من نمی گویم فرزندان آنها هستند ولی از طینت و سرشت آنها می باشند.»

سؤال شد: همان شهر سدوم که زیور و شد؟ فرمود: آری چهار شهر بودند: سدوم، صریم، لدنا و غمیرا»

«از امام صادق (ع) سؤال شد چرا خدا لواط را حرام کرد؟ فرمود: زیرا اگر آمیزش با پسران حلال بود، مردان از زنان بی نیاز می شدند و این باعث قطع نسل انسان می شد و باعث از بین رفتن آمیزش طبیعی جنس موافق و مخالف می گشت و این کار مفسد زیاد اخلاقی و اجتماعی بیارمی آورد.»

«در سفینه البحار آمده است که قوم لوط در مجالس خود انواع کارهای زشت را انجام می دادند از جمله فحشهای رکیک و کلمات زننده باهم رد و بدل می کردند. با کف دست بر پشت هم می زدند. قمار می کردند و بازیهای بچه گانه انجام می دادند و سنگ به عابران پرتاب می نمودند و انواع آلات موسیقی را بکار می بردند و در حضور جمع، بدن خود را برهنه و کشف عورت می نمودند.»

متأسفانه دنیای غربی که ادعای تمدن پیشرفته و الگو بودن برای ملت‌های جهان را دارد آن چنان غرق در مفسد شده است که هم جنس بازان در غرب دارای مؤسسات و شرکتهای اتحادیه‌ها هستند و اخیراً «رابرت موگابه» رئیس جمهور زامبیا اعلام کرد که حداقل سه نفر از وزیران کابینه تونی بلر، نخست وزیر فعلی انگلیس، هم جنس بازمی باشند.

خدا در قرآن می فرماید: «ولو طأ اذ قال لقومه اتأتون الفاحشه ما سبقکم بها من احد من العالمین. انکم لتأتون الرجال شهوة من دون النساء بل انتم

قوم مسرفون.» اعراف 80 و 81

(بخاطر آورید) لوط را هنگامی که به قوم خود گفت: آیا عمل بسیار زشتی را انجام می‌دهید که هیچ یک از جهانیان پیش از شما انجام نداده است؟ آیا شما از روی شهوت به جای زنان به سراغ مردان می‌روید؟ شما اسراف کار (و منحرف) هستید!

«امام صادق (ع): ناروایی لوط از زنا بیشتر است زیرا خداوند قومی را بخاطر لوط نابود نمود ولی هیچ فردی را بخاطر زنا هلاک نکرد.»

لوط و یا همجنس بازی که گناه آن عظیم است، عوارض زیادی برجای می‌گذارد که تا آخر عمر گریبان گیر شخص می‌شود. این عمل منشأ قتل، هیجان، اضطراب روحی، دیوانگی، خودکشی و هزاران مفسده اخلاقی است. سزای لوط کننده قتل است و این گونه اشخاص اگر بدون توبه از دنیا بروند، با قوم لوط محشور می‌شوند.

«امام صادق (ع): زن و شوهری را نزد امیر مؤمنان (ع) آوردند که شوهر با پسر آن زن - از شوهر دیگرش - لواط کرده بود و به شهادت شهود، دخول کرده بود. امام دستور داد مرد با ضربات شمشیر به قتل برسد و آن نوجوان نیز کمتر از میزان حد، تازیانه بخورد.»

«امام صادق (ع): مردی را همراه پسر نوجوانی که با او لواط کرده بود، نزد امیر مؤمنان (ع) آوردند و بینه نیز علیه آنها به این عمل زشت شهادت داد. امام فرمودند: ای قنبر! نطع و شمشیری بیاور! آن گاه مرد و نوجوان با صورت روی آن فرش پوستی قرار داده شدند. سپس امر فرمود آن دو را با شمشیر به دو نیم کردند.

از جمله احکام لوط کننده آن است که مادر و خواهر و دختر لوط دهنده بر او حرام ابدی می‌شوند و فاعل نمی‌تواند بعدا با آنها ازدواج نماید.

استمناء و استشهاء

استمناء عمل جنسی است که شخص بمنظور آمدن منی و به لذت رسیدن جنسی انجام می‌دهد.

برای این عمل در پسران اصطلاح استمناء و در دختران استشهاء بکار می‌رود.

«رسول خدا (ص): مساحقه کردن زنها باهم زنا محسوب می‌شود.»

«علی (ع): مساحقه در بین زنان همانند لوط در بین مردان است.»

«مجازات استمناء و استشهائ تعزیر است و مقدار آن بستگی به نظر قاضی دارد»

ضررهای جسمی و روحی استمناء و استشهائ

پزشکان و دانشمندان این آثار را برای کسانی که استمناء می نمایند، ذکر کرده اند:

1- زردرنگی و یا پریدگی رنگ

2- اختلال جهاز هاضمه و ابتلا به یبوست و بی اشتهایی

3- کم شدن قوه هوش و حافظه و قوای مغزی

4- کم خونی

5- لاغری و توقف رشد

6- رعشه و ضعف اعصاب

7- ضعف و بی فروغی چشمها

8- سرگیجه

9- مرضهای سل، نقرس و روماتیسم

10- تنفر از ازدواج

«امام صادق(ع): سه دسته هستند که خدا در قیامت با آنان سخن نگوید و آنان را مورد رحمت قرار نمی دهد از جمله کسیکه با دست خود استمناء کند و کسیکه

در عمل لواط، مفعول واقع شود.»

«رسول خدا(ص): کسیکه با دست استمناء کند، ملعون است.»

عقوبتهای محرمات جنسی در دنیا

«امام صادق(ع): از جمله گناهانی که روزی را حبس می کند، زنا است.»

«امام علی(ع): زنا فقر را به ارث می گذارد.»

«رسول خدا(ص): چهار چیز داخل خانه ای نمی شود الا آنجا را خراب می کند و برکت هم آنجا را آباد نمی کند: خیانت، دزدی، شرابخواری و زنا!»

«امام باقر(ع): در کتاب رسول خدا دیدیم که هرگاه بعد از من زنا ظاهر شود، مرگ ناگهانی هم زیاد می شود.»

«علی(ع): کافر و ولد الزنا دوستدار من نخواهند بود.»

عدم صلاحیت زناکار

فرد زناکار از نظر اسلام صلاحیت قضاوت، شهادت در دادگاه، امامت جماعت، مرجعیت و اجتهاد و... ندارد.

در روایات آمده که از علامتهای دشمنی با اهل بیت زنازادگی است و آمده که کسی با اهل بیت دشمنی نمی ورزد مگر اینکه بجهت زنا و یا بجهت حیض باشد.

چه پولهای هنگفتی که انسانهای جامانده از حقیقت صرف ارضاء جنسی نامشروع خود نمی کنند. چه پولهایی که به مؤسسات فحشاء (در کشورهای خارجی) می پردازند در حالیکه اگر این پولها صرف ازدواج قانونی و شرعی می کرد میتوانستند همواره از همسری که فقط متعلق به خودشان است و شریک زندگی آنهاست بهره های فراوانی در مسائل مختلف زندگی ببرند.

و چه پولهایی که این افراد صرف خرید ماهواره و فیلمهای مبتذل برای فقط لذت چشمها نمی کنند. در حالیکه میتوانند با این پولها کارهایی که بسود خود و خانواده و کشور و دنیایشان است، انجام دهند.

آثار محرمات در آخرت

«امام صادق(ع): سه دسته هستند که خدا در قیامت با آنان حرف نمی زند و آنان را پاک نمی کند و برای آنان عذابی دردناک است از جمله آنها زنی است که در

بستر شویش زنا می کند»

«رسول خدا(ص): کسیکه با زن شوهردار زنا کند، در قیامت از عورت هردو، چرکی به مسیر پانصدسال خارج می شود که تمام اهل جهنم از بوی بد آن اذیت می شوند و عذابشان از همه بشتر است.»

روایت شده: کسیکه با زنی یهودی یا نصرانی یا مجوس یا مسلمانی یا از مذهب دیگری، زنا کند خداوند در قبرش، سیصد هزاردر از جهنم و آتش بر او باز می کند!

عمر دستور داد که غلامیکه ارباب خود را کشته بود، رابکشند.

علی(ع) خبر دار شد. غلام را خواست و به او فرمود: چرا او را کشتی؟ گفت: بزور بامن لواط کرد! علی(ع) از اولیاءمقتول پرسید: او را دفن کردید؟ گفتند: آری! الان او را دفن کردیم. امام فرمود: بروید و سه روز دیگر نزد من بیایید! و به عمر فرمود: غلام را زندانی کن!

بعد از سه روز، علی(ع) با اتفاق عمر بر سر قبر مقتول رفتند و قبر

او را شکافتند. ناگاه کفنش را بدون جسد یافتند! علی(ع) تکبیر گفت و فرمود: واللّه دروغ نگفته ام! بخدا سوگند! از رسول خدا(ص) شنیدم که فرمود: هر شخصی از امت من لواط کند و بدون توبه بمیرد، او را سه روز بعد از دفن مهلت می دهند و سپس زمین او را فرو می برد تا به قوم لوط رساند و با آنان محشور شود!

آورده اند که: حضرت عیسی(ع) از گورستانی عبور می کرد. قبری دید که آتش از آن بیرون می آمد. عصا بر آن قبر زده، بشکافت! شخصی رادر میان آتش دید. فرمود: چه کرده ای که دچار عذاب شده ای؟ گفت: مردی

بودم که بدنبال زنهای مردم می رفتم و کارهای ناشایست می کردم و

زنا می نمودم! چون از دنیا رفتم، صدایی شنیدم که می گفت: او را بسوزانید! از آن روز مرا می سوزانند! عیسی(ع) نگاهش به ماری سیاه و

عظیم افتاد! پرسید: ای مار! با این مسکین چه می کنی؟ گفت: از آن زمان

که وی را دفن کرده اند، یک لحظه از او غافل نبوده ام و با زهری که اگر یک قطره از آنرا در رود نیل بریزند، همه آبهای آن زهر قاتل می گردد، بر او مشغول هستم!

«رسول خدا (ص): کسیکه با زنی نامحرم، از دبر نزدیکی نماید یا با مردی یا نوجوانی لواط کند، روز قیامت، بدبو تر از مردار، محشور می شود، و اهل محشر از بوی او ناراحتند و از او معذرتی قبول نمی گردد، سپس به جهنم می رود و همه اعمالش باطل می شود. در جهنم او را در تابوتی که میخ های آن از آهن است، گذاشته می شود و بر تابوت فرو می کنند، تا میخها در بدنش فرو می رود و اگر عرق او را بر چهار صدمت قرار دهند، همه می میرند و او از کسانی است که عذابش از همه بیشتر است!

کسیکه با زن نامحرمی دست بدهد، با غل و زنجیر محشور شده و به جهنم برده می شود!

کسیکه با زن نامحرمی، شوخی کند، با هر کلمه ای که با او سخن بگوید، هزار سال زندانی می شود و زن اگر راضی باشد و مرد را وادار به بوسیدن یا مباشرت حرام یا شوخی با او کند، و مرد به این سبب، دچار فحشاء شود، همین عذاب برای زن هم می باشد!

کسیکه چشمش را خیره بر زن نامحرم نماید، در قیامت در حالیکه

میخهای آتشین بر چشمش فرو شده، محشور می شود و تا پایان حساب، به همین حالت است تا به دوزخ برده شود!»

«امام صادق (ع): در روز قیامت، زنانی را که با هم مساحقه کرده اند،

در حالیکه لباسهایی از آتش در بر و مقنعه ای از آتش بر سر و عمودی از آتش در فرج آنهاست، آورده و وارد دوزخ می کنند!»

«علی (ع): هر که لواط کند، روز قیامت، جنب محشور شده و آبهای دنیا او را پاک نکند و خدا بر او غضب و لعنت کند و جهنم را برای او آماده کند!»

«رسول خدا (ص): رز قیامت، خدا با سه دسته سخن نمی گوید و

به آنان نظر - لطف - نمی کند و اعمال آنان را تزکیه نمی نماید و برای آنان

عذابی دردناک است: پیرزناکار، پادشاه ستمکار، آدم خودرأی و متکبر!»

«امام صادق (ع): روز قیامت، زن زیبایی را که با زیبایی خود فتنه می کرده است، می آورند و به او خطاب می شود که چرا فتنه کردی؟ جواب می دهد

که: خدایا! تو مرا زیبا آفریدی! به او خطاب می شود که: حضرت

مریم (س) از تو زیبا تر بود ولی او فتنه نکرد! سپس مرد زیبایی را که با زیبایی خود فتنه می نموده است، رامی آورند و به او خطاب می شود که

چرا فتنه کردی؟ جواب می دهد که: تو مرا زیبا آفریدی! به او خطاب می شود که: حضرت یوسف از تو زیبا تر بود. ولی به فتنه نیافتاد. بعد شخصی

را که بخاطر بلاها و سختیها به فتنه افتاده بود را می آورند. به او خطاب می شود که: چرا تحمل سختیها نمودی و به فتنه افتادی؟ جواب می دهد که: تو سختیها

و بلاها را بر من نازل کردی و من به فتنه افتادم! به او

خطاب می شود که: بلاهای حضرت ایوب (ع) از تو بیشتر بود ولی او به فتنه نیافتاد.»

«امام صادق (ع): عذاب کسیکه نطفه اش را در رحم زن نامحرم بریزد از همه بیشتر است.»

«رسول خدا (ص): کسیکه با نوجوانی لواط کند، روز قیامت جُنُب محشور می شود و همه آبهای دنیا هم نمی تواند او را پاک کند!»

«روز قیامت زناکار را وارد جهنم می کنند و قطره ای از عورتش می چکد که از بوی آن تمام اهل جهنم دچار ناراحتی می شوند! جهنمیان به نگهبانان جهنم

می گویند: این بوی بد مال کیست که ما را اذیت کرده است؟ به آنها گفته می شود: این بوی زناکاران است.»

بازدید از جهنم در سفر معراج!

«رسول خدا (ص): در معراج از جهنم دیدار کردم و دیدم که عده ای در مقابلشان گوشت خوب و گوشت مردار است. ولی آنان از مردار می خوردند! جبرئیل

گفت: اینها حرام خوار بوده اند! عده ای را دیدم که لبهای آنان مانند شتر بود و مأمورین از پهلوی آنان مقرض کرده و در دهانشان می گذاشتند! جبرئیل گفت: اینها

عیب جو بوده اند. عده ای را دیدم که سرشان را می کوبیدند! جبرئیل گفت: اینها نماز عشاء نمی خواندند! گروهی را دیدم که مأمورین، آتش بد دهانشان گذاشته

وازمخر جشان در می آمد! جبرئیل گفت: اینها مال یتیم خور بوده اند. عده ای را دیدم که شکمشان آنقدر بزرگ بود که نمی توانستند برخیزند! جبرئیل گفت: اینها رباخوار بوده اند. گروهی از زنها را دیدم که به پستانشان آویزان کرده بودند! جبرئیل گفت: اینها زناکار بوده اند. عده ای را دیدم که با نخ و سوزن آتشین، بدنهایشان را می دوختند! جبرئیل گفت: اینها نیز زناکار بوده اند... زنی را دیدم که بموی سرش آویزان کرده بودند! و مغز سرش را می جوید! جبرئیل گفت: این زن موی خود را از نامحرم نمی پوشانده است!... زنی را به پاهایش آویخته بودند! جبرئیل گفت: این زن بدون اجازه شوهر از خانه بیرون می رفته است. زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می خورد! جبرئیل گفت: این زن بدن خود را برای دیگران آرایش می کرده است! زنی را دیدم که پاهایش را بدستهایش بسته بودند و مار و عقرب بر او مسلط بودند! جبرئیل گفت: این زن غسلهای خود را نمی کرده است! زنی را دیدم که گوشت بدنش را مقراض می کردند! جبرئیل گفت: این زن خود را به مردان عرضه می کرده است! شخصی را دیدم که صورت و بدنش را می سوزانیدند و روده های خود را می خورد! جبرئیل گفت: این شخص واسطه زنا بوده است! شخصی را دیدم که سرش مثل خوک و بدنش مثل الاغ بود! جبرئیل گفت: این شخص سخن چینی می کرده است. شخصی را دیدم که صورتش مثل سگ بود و آتش بر او وارد می کردند! جبرئیل گفت: او خواننده و حسود بوده است!

ای زنان و دختران مصر ما بردگان غرب شوم عصر ما
هان میندارید عالم سرسری است بعد این عالم، جهان دیگری است
که در آن بی عفتان رسواترند مبتلا بر خشم و قهر داورند. **ولد الزنا**

فرزندان حرام باید عقوبت پدران و مادران زناکار خود را بکشند و صفات زشتی را که اگر از راه حلال متولد می شدند، در آنها نبود، حال در آنها پیدا می شود.

«امام صادق (ع): علامت حرام زاده چند چیز است: دشمنی با اهل بیت (ع)، میل به زنا، سبک شمردن دین، بد محضری برای مردم»

مخنث

«امام باقر (ع): سه دسته نمازشان قبول نمی شود از جمله دیوث که زنش زناکار است.»

«پیامبر (ص): سه دسته نمازشان قبول نمی شود از جمله دیوث است. پرسیدند: دیوث کیست؟ فرمود: آنکه زنش زنا می کند و شوهر می داند و باخبر است.»

رسول خدا(ص): بوی بهشت از مسیر پانصدسال بمشام می‌رسد! ولی عاق والدین و دیوث بوی آنرا حس نمی‌کنند! سؤال شد: ای رسول خدا! شخص دیوث کیست؟ فرمود: کسیکه می‌بیند زنش زنا می‌کند ولی بی تفاوت است!

«امام صادق(ع): شیطانی ست که هر گاه شخصی در منزلش چهل روز ساز و آواز باشد و مردان در آنجا رفت و آمد کنند، نزد صاحبخانه رفته و هر عضوی از اعضای خود را به مثل آن عضو صاحبخانه گذاشته و در او می‌دمد! بعد از این، این مرد آنقدر بی غیرت می‌شود که می‌بیند دیگران با زنش عمل نامشروع می‌کنند ولی عکس العملی نشان نمی‌دهد!»

منابع

- 1- قرآن کریم
- 2- بحار الانوار «علامه محمد باقر مجلسی»
- 3- نهج البلاغه
- 4- خوبیها و بدیها «مؤلف»
- 5- زندگانی پیامبر اسلام «مؤلف»
- 6- مجمع المعارف و مخزن العوارف «محمد شفیع بن محمد صالح» 7- میزان الحکمة «محمدی ری شهری»
- 8- وسائل الشیعة «شیخ حر عاملی»
- 9- اصول کافی «کلینی»
- 10- شرح مثنوی عفاف علی نظامی
- 11- مستدرک الوسائل میرزا حسین نوری طبرسی

12- نهضت خدمت رسانی به ضمیمه دشمن شناسی مؤلف

ارزش پدر و مادر اسماعیل گوهری

میزان الحکمه محمدی ری شهری

داستانهای شگفت شهید دستغیب

مناهج الشارعیین

مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی

توضیح المسائل امام خمینی (رض)

اولین دانشگاه و آخرین پیامبر شهید پاک نژاد

مکارم الاخلاق طبرسی

حلیه المتقین علامه مجلسی

معلم کبیر عمادزاده

بیست و پنج اصل اخلاقی محمدی اشتهاردی

گفتار فلسفیس محمد تقی فلسفی

پرسشها و پاسخهای روز احمد دهقان

تفسیر اثنی عشری حسین بن احمد حسینی شاه عبدالعظیمی

فہرست

شراب 4

موسیقی 8

زبان 11

چشم چرانی 19

اسراف 21

حسادت 23

- تکبر 27
- بخل 29
- سوء ظن 33
- کینہ توزی 25
- خمس 36
- زکات 37
- جہاد 40
- شرک 48
- یاس از رحمت الہی 50
- عاق والدین 53
- خوردن مال یتیم 57
- بی غیرتی 60
- ربا خواری 61
- قسم دروغ 62
- ترک عمدی نماز 62
- صلہ رحم 75
- مقدمات محرّمات جنسی 76
- محرّمات جنسی 85